

نبرد خلق

شماره ۳۱۵
دوره چهارم سال بیست و هشتم
اول مهر ۱۳۹۰

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



سرمقاله

نقطه عزیمت بر خورد به نمایش انتخابات، شرایط عینی است

منصور امان

مریم رجوی از مراجعه به ملل متحد
برای به رسمیت شناختن کشور
فلسطین حمایت کرد

در صفحه ۲۴

اتحاد جمهوری اسلامی و اسرائیل علیه
کشور فلسطین

در صفحه ۲۴

اختلاس میلیاردری حاکمان و
افزایش فقر برای کارگران
و مزدبگیران

زینت میرهاشمی

«در فقدان تشکلهای مستقل کارگری، اعتراضهای
کارگری که شمار آنها قابل توجه است، در پراکندگی و
نایبوستگی در برابر یورش سرمایه داران به حقوقشان،
به ناچار برای حفظ وضع موجود صورت می گیرد.
تهاجم، تعرض و تحدید کارگران به سیاست تدافعی، از
راهکارهای غیر انسانی جمهوری اسلامی است که در
برابر نیروهای کار اعمال می شود.»

در صفحه ۴

ملل متحد ساکنان اشرف
را بطور رسمی پناهجو
می شناسد

در صفحه ۱۹

«شاقول تعیین خط مشی و تاکتیک در برخورد به
اصلی ترین مسایلی که روی میز جامعه ایران قرار
گرفته و در راس آن استبداد مذهبی، نمایش انتخابات
مجلس نهم نیست. تلاشی باند حاکم و جنگ غریبان
نیروهای آن علیه یکدیگر، شکست حکومت در
سرکوب مطالبات توده ها و شرایط تحول یافته بین
المللی پس از "بهار عربی"، اینها مشخصه هایی است
که شرایط عینی را شکل داده است.»

در صفحه ۳

اختلاس و دزدی، واقعیت رژیم فاسد ولایت فقیه

جعفر پویه

«اختلاس سه هزار میلیارد تومانی حاصل سیستم تا
مغز استخوان فاسد رژیم جمهوری اسلامی است. این
رژیم و همه اجزا آن فاسد است. ولی فقیه آن با حکم
حکومتی جلو بررسی قوه قضاییه در پرونده اختلاس را
می گیرد و دست همه پایوران آن آلوده به دزدی و
چپاول ثروت ملی مردم ایران است.»

در صفحه ۶

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

صفحه ۲۳

یادداشت سیاسی

آن سَبوِ بَشکست

مهدی سامع

«صرف نظر از این که انقلابهای کشورهای عربی
کدام مسیر را طی کنند و چه نیروهایی ابتکار عمل را
در دست گیرند، اکثریت تحلیل گران و مفسران
سیاسی بر این باورند که بهار عربی مسیر جمهوری
اسلامی و نظام ولایت فقیه را نخواهد رفت.»

در صفحه ۲

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای

عصر جدید پس از جنگ

سرد (۱۵)

- سوسیال دموکراسی اروپا، متعهد به برنامه های نو-

لیبرالیسم

- پیرامون اعتراضات مردم یونان، ایتالیا، اسپانیا و

بریتانیا

- شکست ناپذیران مصری

لیلا جدیدی

در صفحه ۹

بیانیه سی امین

سالگرد تأسیس شورای

ملی مقاومت ایران

در صفحه ۱۳

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

در صفحه ۲۰

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی ...

آن سببِ بشکست

مهدی سامع

رتبه نخست قرار گرفته‌اند». (خبرگزاری دولتی فارس، جمعه ۴ شهریور ۱۳۹۰) وی اضافه می‌کند: «با این آمار تکان دهنده چگونه ممکن است با وجود ماهواره‌ها دیگر انگیزه‌ای برای حضور جوانان در مساجد، روزه گرفتن و انجام فریضه امر به معروف باشد».

به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، محمدتقی مصباح یزدی شامگاه چهارشنبه ۲۳ شهریور، در مراسم آغاز سال تحصیلی «موسسه امام خمینی» گفت: «طلبه‌ای که تا پاسی از شب پای اینترنت می‌نشینند و مشغول برنامه‌های غیرعلمی آن است و یا مشغول دیدن فیلم‌های تلویزیون است و نماز صبحش قضا می‌شود کجا مورد توجه امام زمان است و نور چشم او محسوب می‌شود».

با چنین اعترافات به نظر می‌رسد که ولی فقیه نظام بهتر از هر کس می‌داند که آن سبب شکسته است و حاکمیت دینی در ام القری آن به تاریخ سپرده خواهد شد.

ب ن ن س :

* سازمان: تبلیغات اسلام، در گذشته توسط احمد ختنه، محمود محمدی، عراقی، و قبا: از آن، توسط شه‌ان، اداره شده است. در تاریخ سوم مهرماه سال ۱۳۸۰ از طرف خامنه‌ای، آخوند سیدمهدی، خاموشی، به راست این سازمان منصوب گردید.
<http://www.ido.ir/>

* مجمع جهانی، تقرب مذاهب اسلام، با هدف نزدیک شدن، یروان، مذاهب اسلام، به منظور اتحاد بین المللی اسلام، و به بیان دقیق، بر متحد کردن، نروهای، بنادگرای، اسلام، به دستور، خامنه‌ای، تشکیک، شده است. در ماده اول، اساسنامه این نهاد نوشته شده: «مجمع جهانی، تقرب مذاهب اسلام، که از این، بس، در این، اساسنامه مجمع تقرب نامده، می، شود، مؤسسه‌ای، است اسلام، علم، فرهنگ، و جهان، که به دستور، حضرت آیت الله خامنه‌ای، و له، ام مسلمین، در سال، ۱۳۶۹ هجری، شمس، تأسیس، شده و دارای، شخصیت حقوقی، مستقلاً، است و طبع، مقررات این، اساسنامه اداره، می، شود.» اول، گدهمان، این، مجمع، در، آبان، ۱۳۸۲، در دانشگاه تهران برگزار شد.
<http://www.taqrif.info/persian/>

*** مجمع جهانی، اهل بیت که به سده سازماندهی، نروهای، شع، طرفدار، ولایت فقیه، در سراسر جهان، است، در سال، ۱۳۶۹ با نظر سید علی خامنه‌ای، تأسیس، شد. مرکز، حاب و نش مجمع جهانی، اهل بیت، تاکنون، بالغ بر ۴۰۰ عنوان، کتاب به ۲۱ زبان، و در صدها هزار نسخه به چاپ رسانده است.
<http://www.ahl-ul-bayt.org/fa.php>

عرب، و اسلام، تحت رهبری، ایران، است. این، منع که نخواست نامش، فاش، شود گفت که از نخستین، تصمیمات این، کنفانس، این، است که درخواست رئیس، جمعه، فلسطین، محمود عباس، از سازمان، ملل، برای، اعلام، کشور، فلسطین، را رد کند و وقت، که این، طرح به سازمان، ملل، ارائه شود ایران، علیه آن، رأی، خواهد داد... شب‌کت کنندگان، مطلع شدند که کمکهای، مال، ایران، از هم‌اکنون، از طریق، هات، رئیس، این، کنفانس، با اسباب، التام، به تصمیمات و میزان، اجرای، آنها، به احزاب و جنبشهای آنان خواهد رسید.

این، فقر، است که سید علی، خامنه‌ای، برای، آینده، رهبر، عرب، ترسیم، می، کند و گماشتگان، خود را ملزم به مداخله برای، تحقق آن، می، کند. صرف نظر از این، که انقلابیهای، کشورهای، عرب، کدام مسر را، ط، کنند و چه نروهای، ارتکا، عمل، را در دست گیرند، اکثریت تحلیل، گران، و مفسران، ساس، با این، نروند که رهبر، عرب، مسر جمهوری، اسلام، و نظام ولایت فقیه را نخواهد رفت، اما از آن، مهم تر این، که فقر، که خامنه‌ای، ترسیم، می، کند برای، مردم ایران، یک فاجعه بزرگ، به وجود آورده و زبان، و مردان، کشور، ما را بداخت می‌زنند، گراف افق، دیگر، را در حشم انداز، قرار داده اند که نش، از همه، ول، فقیه از آن، وحشت دارد و برای، همه، در هر فرصت به آن، می، تازد و ما صرف بودجه‌های، کلان، مبارزه مردم ایران، برای، آزادی، و حاکمیت غیب دین، را سرکوب، می، کند. اما واقعیت این، است که همه تلاشهای، سب که نگانه با شکست مواجه شده و هر، روزنه که حکم منح به فو، از، خشم انانشت شده مردم، می، شود. دلان، شکست خامنه‌ای، برای، تحقق، فقر، که ترسیم، می، کند بسیار، است. جنبشها و قیامهای، دمکراسه، خواهد، مردم، ط، سالهای، اخیر با شعار، ضد ولایت فقیه، حشم انداز، که مردم، در مقابل، خود قرار داده اند را به بهترین، شکا، مشخص، می، کند. در اعمای، جامعه هم حران، گز، از حکومت دین، به صورت، تها، مختلف شکا، گرفته است. واکنشانها، که محصوا، مستقیم حاکمیت مذهب، است. ده اظهار، نظ از نزدیک تر، افراد به ول، فقیه نشان، می، دهد که در اعمای، جامعه نروهای، گریز از ولایت چگونه انباشت می‌شود.

ابراهیم بیانی، معاون اطلاعات سپاه فجر در استان فارس می‌گوید: «تحقیقات ارتش سایبری سپاه پاسداران نشان می‌دهد که کاربران اینترنت در تهران در روز عاشورا از نظر مراجعه به سایتهای غیراخلاقی در میان ۱۸۲ کشور جهان در

شد. در این نشست تعدادی از سرکردگان رژیم همراه با تعدادی از عوامل خامنه‌ای در کشورهای خاورمیانه که از آنان به عنوان «نخبگانی» یاد شده، شرکت داشتند.

خامنه‌ای در این اجلاس با بیان خطوط اساسی دیدگاه‌هایش در مورد بهار عربی گفت: «شعارها و اصول باید تنقیح و مبانی و محکمت اسلام تطبیق داده شوند. استقلال، آزادی، عدالتخواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استثمار، نفی تبعیضهای قومی و نژادی و مذهبی، نفی صریح صهیونیسم، اینها ارکان نهضت‌های امروز کشورهای اسلامی است و همه برگرفته از اسلام و قرآن است... هرگز به آمریکا و ناتو و به رژیمهای جنایتکاری چون انگلیس و فرانسه و ایتالیا که زمانی دراز سرزمین شما را میان خود تقسیم و غارت کردند اعتماد نکنید؛ به آنها سوء ظن داشته باشید و لیخند آنها را باور نکنید؛ پشت این لیخندها و وعده‌ها، توطئه و خیانت نهفته است... نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی خود را بر شما تحمیل کنند... دموکراسی لائیک و در مواردی ضد مذهب غربی یا مردمسالاری اسلامی که متعهد به ارزشها و خطوط اصلی اسلامی در نظام کشور است، هیچ نسبتی ندارد... سخن از بیداری اسلامی، سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ سخن از یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است. با این حال، صحنه همچنان سیال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است... هدف نهایی باید «امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی» باشد».

در این سخنان راهبرد ولی فقیه برای مداخله در انقلابهای کشورهای عربی با صراحت ترسیم شده و برای مهندسی کردن ایجاد «امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی» رهنمود داده شده است. در ضمن خامنه‌ای که در ولایتش با استبداد مذهبی و آپاتاید کامل جنسیتی، قومی و مذهبی تعریف می‌شود عوامفریبانه صحبت از «تسلیم نشدن در برابر استبداد و استثمار، نفی تبعیضهای قومی، و نژادی، و مذهب،» می، کند.

روزنامه الزمان، بی‌الملل، در شماره ۱۰۵، ۲۸ شهریور، خود در باره این، نشست، می، نوسد: «یک منع ایران، دوه، به الزمان، فاش، ساخت که کنفانس، بناد، اسلام، که در تهران، برگزار، شده، هدفش، وحدت احزاب و جنبشهای شیعه در کشورهای

مستبدان، و ستمگران، برای، تحمیت، و جیوا، مردم فقط به دستگاه سرکوب متکر، نیستند. آنان، کم و بیش، با توسل، به دستگاهها، ایدئولوژیک و تبلیغ و ترویج گفتارهای، ارتجاع، سدها، ستیز، در مقابل، حران، آگاه، بخش، اتحاد، می، کنند. خمین، و حانشین، او با تمام توان، از این، تحمیت، برای، تأمین، امنیت حاکمیت دین، استفاده کرده و می، کنند. گرچه در استفاده از این، از، خامنه‌ای، ادامه دهنده راه و روش، خمین، است، اما نحوه و ابعاد استفاده خامنه‌ای، بسیار، بیشتر، و سازماندهی، تا، خمین، است. نهادها، حاکم، سازمان، تبلیغات اسلام، مجمع جهانی، تقرب مذاهب اسلام، مجمع جهانی، اهل بیت، همراه با صدها نهاد وابسته و سات اینترنتی، به اضافه هزاران، انجمن، و هیات مذهب، در دوران، مرع خودخوانده شعاع، جهانی، آیت الله سید علی، خامنه‌ای، سازمانیاب، شده است. تمام، این، نهاد به طور، مستقیم توسط بیت ولی فقیه مدیریت می‌شود.

در ماه گذشته ده کنفانس، به وسيله این نهادها در تهران، و مشهد برگزار، شد. بنحی، احلاس، مجمع جهانی، اهل بیت بود که در شامگاه چهارشنبه ۲۳ شهریور، به کار، خود بان، داد، در بان، احلاس، بیانهای، قرائت شد که در بخش، از آن، که به دادگاه متهما، به ترو، رفقه، حربی، مربوط است آمده است: «شرکت کنندگان، در احلاس، حمایت قاطع خود را از مقاومت اسلام، و حزب الله لبنان، اعلام نموده و تأکید، می، کنند که این، حنش، به عنان، خط مقدم مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی، و مقاومت، در مقابل، زورگور، های، استکا، حران، هم، این، که آماج هجوم عروسک‌های، خمه شب بازی، غرب قرار، دارد که در، دادگاه، بران، و فرمایش، تلاش، می، کنند مقاومت اسلامی را تحت فشار، قرار، دهند».

خامنه‌ای، یک روز، قبل، از، یابان، این، احلاس، در، دیدار، با شرکت کنندگان، این، احلاس، با استئنا کرد، دیکتاتور، بنش، اسد، در، سوریه، گفت: «حرکتها، اسلام، آخر، در، مصر، تونس، له، بحرین، و یمن، از الطاف الهی، است و موضع ما حمایت از این، حرکتها و تقویت آنهاست و امیدواریم این، حرکتها، اسلام، منجر به قطع کاملاً، سلطه دشمنان، اصلی یعنی صهیونیستها و آمریکا شود».

در رویدادی دیگر نخستین اجلاس بین المللی بیداری، اسلام، به عنان، یک، از فعالتهای، «مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی» در روز شنبه ۱۲ شهریور با مدیریت علی اکبر ولایتی در تهران برگزار

نقطه عزیمت بر خورد به نمایش انتخابات، شرایط عینی است

منصور امان

اختیاراتی است که برای خود دست و پا کرده و قایل به آن است. خیزش آذربایجان، رابطه یکجانبه و ساده بین اعمال اراده از مجراهای اعمال قدرت (قانونی یا غیرقانونی) و حوزه تاثیر پابنده از آن را به چالش گرفت و نقش مداخله گرانه "پایین" به مثابه یک فاکتور تاثیر گذار را به پارامترهای محاسبه ی بالاترین دستگاههای اداری تحمیل کرد. وجود نیروی اجتماعی فشار که تصمیمهای گرفته شده از فراز سر خود و علیه نیازها و منافع اش را بر نمی تابد و برای تغییر یا الغای آن فعال می شود، نمودی از استمرار موقعیت قطب بندی شده ای است که در خرداد ۸۸ در پی برتلاقی یک تصمیم دیگر "نظام"، با ورود نیروی اجتماعی به قلمرو اقتدار آن شکل گرفت.

تصمیم کلان برگزاری انتخابات، در حالی که مطالبات گرد انتخابات پیشین، نیروی محرک قطب بندی موجود را تشکیل داده و قدرت حاکم قادر به ایجاد و تثبیت وضعیت و آرایش جدیدی نگردیده، دروازه کلانی است که مسیر ورود تضادها و چالشهای فعال و نیمه فعال به حوزه عمل را هموار می سازد. راه رژیم ولایت فقیه به این مقصد، از گردهماییهای پراکنده ولی پُرشمار نیروی فشار اجتماعی در برابر مجلس مآلها تا مداخله اتوریته شکن توده ها در ارومیه و تبریز نشانه گذاری شده است.

جدالهای درونی

هر گاه بحران حاضر برای اعلام موجودیت و تشریح ویژگیهای خود به سخنگوی تمام وقت نیاز می داشت، واجد شرایط تر از حکومت نمی توانست بیاید. نیمه ی آشکار "تهدید امنیتی" آقای خامنه ای، زبانه کشیدن شعله درگیریهایی در دستگاه قدرت است که او یک طرف اصلی آن را تشکیل می دهد. نیازی به گفتن نیست که "ولی فقیه مطلقه" از دست دادن اتوریته بر شرکا و کاهش جایگاه خود به طرف عادی مُشاجره و کشمکش را مدیون کدام تغییر توازن است. گماشتگان یاعی شده او در فراکسیون نظامی-امنیتی دولت، باور ندارند که ولی فقیه و "اصل ولایت فقیه" بتواند از ضربه سهمگینی که از "قشر خاکستری" دریافت کرده، بهبودی حاصل کند و از سوی دیگر، متحدان او در فراکسیون راست سنتی با همین ارزیابی در پی گرفتن امتیاز و تصرف زمین بیشتر زیر "خیمه نظام" برآمده اند.

جوانان از طریق شبکه های اجتماعی زیر تیتراژ "آب بازی" سازماندهی کرده بودند و اندکی بعد نوبت یک حرکت خودسامان دیگر بر "بام تهران" بود که نیروهای ضد شورش را از پادگان بیرون بکشد تا از حکومت در برابر "فانوسها" حفاظت کنند. آنچه که در نگاه اول در برخورد قدرت حاکم با تجمعیهای بدون جهت گیری مستقیم سیاسی خودنمایی می کند، نداشتن اعتماد به نفس آن است. رژیم "آب بازی" را به چالش گرفتن اقتدار خود و خطری برای نظم سیاسی به حساب می آورد و این بهترین نشانه از احساس امنیت و پندار تنگ نشستن بر زمین نیست. اندکی عمیق تر، آنگاه که به علت وجود این ارزیابی پرداخته شود، روشن می گردد که حکومت به دُرستی کنشهای اجتماعی جداگانه را همچون قطعات یک پازل پیچیده تر می انگارد که در کنار یکدیگر تصویری از پایان آن را شکل می دهند.

در یک شرایط عادی، ارتباط و تاثیر متقابل حرکات توده ای حداکثر در سطح جریان خواهد یافت و هرگز به عمق، جایی که اهداف مشترک تولید می شود و امواج جداگانه بر یکدیگر منطبق می گردد، راه نمی برد. اما هر گاه همین جنبشهای کوچک یا بزرگ در بطن یک بحران گسترده تر شکل بگیرند، از آن تاثیر می پذیرند و خود بر آن تاثیر می گذارند. در این شرایط، مضمون جدال نیز خصلتی عمومی خواهد یافت که به ویژه از جانب نیروی زیر ضرب به طور افراطی باز تولید می شود.

خیزشهای ۸۸، بحران در مناسبات "بالا" و "پایین" را به ویژه به دلیل طرح خواسته ها و شعارهایی که نیاز نیروهای شکل دهنده آن را بازتاب می داد اما از گنجایش نظم محدود حاکم فراتر می رفت، به یک موقعیت اجتماعی فراز داد. نه فقط تداوم مبارزه در "پایین" چه به شکل حرکات گوناگون و مقطعی و چه در هیات خودآگاهی ذهنیت اجتماعی بلکه، واکنش حکومت و آماده باش دایمی آن، از تثبیت بحران مزبور به عنوان شرایط عینی خبر می دهد.

در همین رابطه، می باید به یک نکته مهم در چگونگی شکل گیری خیزش آذربایجان توجه کرد. تیر شروع اعتراضها زمانی شلیک شد که ارگان قانونگذاری حکومت با خودداری از پرداختن به مساله خشک شدن دریاچه ارومیه، در عمل به مرگ آن حکم داد. شکل گیری یک جبهه گسترده توده ای در برابر این تصمیم، در حقیقت محدود ساختن دایره تصمیم گیری و اعمال اراده مستقیم حکومت در دایره

کنار زده و پشت صحنه نمایش، جایی که او و همدستانش وحشت زده به اطراف می نگرند و بین بندهای دستور کار خویش تلو تلو می خورند را برای "دشمنان" آشکار ساخته است.

هرگاه به ساز و کاری که رژیم جمهوری اسلامی برای تقسیم گرسیهای نهادهای انتخابی فراهم آورده نگاهی افکنده شود، درک دلایل نگرانی رهبر جمهوری اسلامی از انتخابات آتی مجلس اندکی دشوار خواهد شد. در شرایط نبود احزاب و تشکلهای مستقل یا حتی نیمه دولتی، میدان انتخابات فقط پهنه دست و پنجه نرم کردن "خودی" ها می تواند باشد. یک فیلتر جلو تر، شورای نگهبان حریفان را انتخاب و دستچین می کند و سر آخر، برگزارکنندگان و ناظران انتخابات، آخرین نگرانیهایی که ممکن است پیرامون همگون نبودن نتیجه در صحنه عمل وجود داشته باشد را با رقم سازی و در بدترین حالت، با برگه نویسی برطرف می سازند.

بنابراین، تا آنجا که به فرم برمی گردد، شرایط یاد شده نه تنها نمی تواند "تهدید" انگاشته شود، بلکه همچون دوره های گذشته، می بایست یک "فرصت" بی همتای دیگر باشد که حکومت با استفاده از آن، پروسه ی خلع ید از جامعه را یک گام دیگر به جلو برده، مناسبات درونی خود را تنظیم می کند و رُستی مفیدی هم به سمت خارج می گیرد.

بنابراین، ریشه وحشتی که - نه فقط - آقای خامنه ای به زبان آورده، در نقطه عمیق تری خانه دارد؛ جایی که از دسترس ترندهای بوروکراتیک و سازو کارهای قهری حکومت خارج و اراده مُجردش بر آن بی تاثیر است.

حرکات اجتماعی

در ماه گذشته (شهریور) چند رشته حرکات کوچک و بزرگ اعتراضی، موقعیت حقیقی جامعه را با مثالهای تازه ای مُستند کرد. اعتراضی که علیه یک جامعه زیست محیطی در ارومیه شکل گرفت، استعداد آن را داشت که با شتابی سرگیجه آور برای حکومت، به رشته ای از تضاهرات و خیزشها در سراسر آذربایجان تبدیل شود. واکنش خشن و افسارگسیخته حکومت، مضمون حرکات توده ای با هر انگیزه و خاستگاه و جایگاهی که این یا آن اعتراض مُشخص در کادر یک رویارویی فراگیر تر می یابد را حتی برای نزدیک بین ترین محافل قدرت یا پیرامون آن مُشاهده پذیر کرد.

پیشتر، حکومت با همین میزان از سراسیمگی، نیروهای خود را برای جنگ با تجمعی بسیج کرده بود که

هر گاه به جنجالی ترین و پُر سروصدا ترین موضوع سیاسی روز در جمهوری اسلامی یعنی، انتخابات مجلس نظری افکنده شود و گفته های گوناگون نقش آفرینان در آن شنیده شود، چنین می نماید که گویی عقربه زمان به عقب بازگشته و حکومت و جناحهای تشکیل دهنده آن به گونه مُعجزه آسایی به شرایط پیش از خرداد ۸۸ پرتاب شده اند. گرایشهای سه گانه باند ولایت با حرارت روی پیشخوان "انتخابات" مجلس نهم "مشغول کشیدن و پس زدن سهمیه هستند و باند "اصلاح طلب" با همین درجه ی تب، در حال شرط گذاری و بازار گرم کنی گرد شرکت یا عدم شرکت می باشد.

اما برای اثبات این حقیقت که بازی سنواتی "نظام" این بار تحت قواعد به کلی متفاوتی که خیزشهای ۸۸ را تحمیل کرده برگزار می شود و مدیران و بازیگران آن تعیین کننده تاثیر و نتایج عملی اش نیستند، نیازی به تحلیل شرایط عینی از نگاه مُخالفان نیست؛ قانع کننده ترین شواهد و دلایل را خود آنها ارایه می کنند. *

تهدید امنیتی

روز ۹ شهریور، رهبر جمهوری اسلامی، فضایی که بر پستوهای خصوصی بیت او حاکم است را روی صحنه همگانی به نمایش گذاشت. او انتخابات پیش رو را یک "چالش امنیتی" ارزیابی کرد و هشدار داد: "نباید اجازه داد که این چیزی که ذخیره امنیت است، پشتوانه امنیت است، به امنیت ما صدمه وارد کند."

آیت الله خامنه ای بهتر از هر کس دیگری بر هزینه دار بودن این سُختان آگاه است. دستگاه تبلیغاتی تحت اداره او، به طور روانه هزینه های سیاسی و مالی کلانی را صرف تکذیب وجود شرایطی می کند که وی تصویر کرده است. تحت رهبری او، آرکستر پایوران نظامی و امنیتی "نظام" جُز برای وارونه نوازی موقعیت واقعی "بالا" و "پایین" ساز دیگری به دست نگرفته و اینک اعتراف می کند که نت به گونه دیگری نوشته شده و تمام مدت خارج می زده است.

در حالی که "نظام" در عمل از ثبات سیاسی فرسنگها فاصله دارد، نمایش در دست داشتن کنترل اوضاع، تنها دریچه ای است که اقتدار آن را به جامعه منتقل می کند. همه ی لاف و کزافه های تبلیغاتی، تروریسم خیابانی و دستگیریهایی گروهی با هدف خنثی ساختن قهری جامعه و دور نگه داشتن آن از دژ بی دفاع حکومت صورت گرفته و حال آقای خامنه ای پرده را

اختلاس میلیاردي حاکمان و افزایش فقر

برای کارگران و مزدبگیران

زینت میرهاشمی

صادرات است. مدیر بانک صادرات از نزدیکان احمدی نژاد است. باند احمدی نژاد کشف این اختلاس را کار خود دانست. معاون گماشته ولی فقیه در مقام ریاست «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی» با تهدید طرف مقابل گفت: «عده ای نمی گذارند» که میزان وامهای دریافتی از بانکها و گیرندگان آن مشخص شود. وی «دانه درشتها» را تهدید به افشاجاری کرد. در حالی که این دانه های درشت زیر بال و پر او از رانتهای حکومتی بهره مند هستند.

روز چهارشنبه ۲۳ شهریور، تارنمای اینترنتی «دولت ما»، نزدیک به باند احمدی نژاد در رابطه با این اختلاس، پاسدار حسین شریعتمداری، نماینده ولی فقیه در کیهان را به «تلاش برای آزاد سازی متهم اختلاس و لاپوشالی ماجرا» متهم کرد. حامیان ولی فقیه تیم احمدی نژاد را در این رابطه متهم می کنند. تیرهای منعکس شده در روزنامه های حکومتی روز یکشنبه ۲۷ شهریور پیرامون این موضوع، در هم ریختگی و فساد در سیستم حکومتی را نشان می دهد که در راس آن ولی فقیه قرار دارد. روزنامه قدس نوشت «اختلاس بزرگ، در جلسه غیر علنی مجلس چه گذشت؟» جهان صنعت از قول توکلی نوشت: «خودکشی پیشکش، استعفا دهید».

با دستگیری ۱۹ نفر در رابطه با این پرونده، شاید روزهای آینده شاهد دادگاه نمایشی همراه با سناریوهای دستگاه وزارت اطلاعات باشیم. به خوبی روشن است که چپاول مالی در این ابعاد نمی تواند بدون ارتباط با راس هرم قدرت صورت گرفته باشد. افشای اسکله های قاچاق وابسته سپاه پاسداران به وسیله احمدی نژاد، گوشه ای از دزدی اموال مردم توسط نورچشمیهای ولی فقیه را نشان داد.

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در گفتگو با ایلنا یکشنبه ۲۷ شهریور، اشاره ای به دزدیهای دولت در رابطه با گرفتن شهریه در مدارس دولتی نمود. این کارگزار حکومتی گفت: «گزارشهای رسیده به ما حاکی از آن است که درآمد برخی مدارس دولتی از دریافت مبالغ غیر قانونی از اولیای

در فراسوی پیش آمدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در شهریور ماه، با رویدادهایی چون افزایش فشار، آزار و زندان برای فعالان کارگری و افزایش فقر و تنگدستی در میان کارگران و مزدبگیران مواجه بودیم. همچنین تبلیغ بستنی با روکشی از پودر طلا به بهای ۴۰۰ هزار تومان و اختلاس میلیاردي در شبکه حکومتی را شاهد بودیم. طبل رسوایی اختلاس افسانه ای ۱۴ رقمی با عبور از لجنزار فساد مالی حکومتی به سطح کشیده شد و بخش کوچکی از فعالیتهای اقتصادی پاوران ام القرای اسلامی بر ملا شد. بر اساس خبرهای منتشر شده، مه آفرید امیر خسروی خریدار ماشین پژو ۵۰۴ احمدی نژاد، مهره اصلی این اختلاس میلیاردي است.

جبهه اتحاد حکومتی اگر چه پایداری خود را در وحدت در برابر سرکوب فعالان کارگری و مزدبگیران و نقض حقوق بشر نشان داد، اما در برابر اختلاس میلیاردي حکومتی یا به زبان «خودبها» دزدی «بی سابقه» در حیات رژیم ولایت فقیه، این جبهه ترک برداشت. با توجه به خطر جنبشهای برانداز مردمی و بحران عدم مشروعیت، بالا کشیدن این حجم از ثروت مردمی توسط باندی از حکومت نمی تواند تنها در هزار توی حکومت و توسط ولی فقیه حل و فصل شود. اگر باندهای حکومتی در سرکوب مخالفان خود بازو در بازو می توانند قدرتمند عمل کنند اما نابرابری در تقسیم چپاول ثروت مردمی و بر هم زدن تعادل وزن جبهه، موضوعی است که به چالش جدی در بین این جبهه تبدیل می شود. به ویژه در این رویارویی باندها، باند احمدی نژاد نورچشمی ولی فقیه در مسند ریاست جمهوری، در مظان اتهام است.

اما فقط باند احمدی نژاد در مظان اتهام قرار ندارد. وبگاه اِیصار نیوز از مدافعان دولت احمدی نژاد، به نقل از رجانیز ۳۰ شهریور نوشت: «ناطق نوری اختلاس ۲ هزار میلیارد تومانی بانک صادرات را معادل بهای حدود ۳۰ میلیون بشکه نفت و ۳۰ کیلو متر اسکاس ۱۰ هزار تومانی برآورد کرد.» جهت اطلاع، ناطق نوری پدر همسر محمد چهرمی مدیر عامل بانک

سرمقاله

نقطه عزیمت بر خورد به نمایش

انتخابات، شرایط عینی است

بقیه از صفحه ۳

همه ی تلاش آقای خامنه ای برای بستن شکاف در دستگاه قدرت به گونه ای که حریفان را به نواله ای راضی و خود دیگ را سر بکشید، به شکست انجامیده است. نمایش انتخابات مجلس نهم آخرین فرصت او برای تثبیت موفقیت خود از طریق اثبات توانایی در سامان دادن به تقسیم ناعادلانه سهم مدعیان است. این حقیقت که "رهبر" حتی در این شرایط ویژه و حساس نیز نمی تواند اراده خود را به شرکایش تحمیل کند، همه چیز را در باره بحران نظم سیاسی بیان می کند.

این بدان معنا نیست که آقای خامنه ای توان و اهرمهایی که در اختیار دارد را در این جهت به کار نیانداخته، برعکس تراژدی او آن است که تمام وزن خویش را در کفه ترازو گذاشته و با این وجود قادر به تکان دادن هیچ وزنه ای نشده است.

طرح "گمپته سه نفره" او برای تحمیل "وحدت اصولگرایان" از بالا، با مقاومت راست سُنتی ناکام ماند و به همین صورت، تلاش برای اعمال اُتوریت بر گزینه ای که گرایش مزبور زیر عنوان "گروه ۷+۸" تشکیل داده بود، به شکست انجامید. آقای خامنه ای از این زمان به بعد ناچار بود با کارت باز بازی کند و به سمت آنچه که نتوانسته بود با واسطه برسد، به گونه مستقیم حرکت کند. "جبهه پایداری انقلاب اسلامی" ابزار تشکیلاتی این سیاست می توانست باشد؛ نقشه ای که بی درنگ او را زیر ضرب برد. در این میان برای کاستن از فشار بر خود، "علامه" خانه زاد، آقای مصباح یزدی مجبور به گردن گرفتن مسوولیت ابتکار مزبور شده است تا نشان داده شود که چگونه "رهبر نظام"، سر نخ را گم کرده و در دالان بی مشروعیتی اجتماعی و شکست تئوریت سیاسی، زیگزاک وار هر طرف را جستجو می کند.

مستقل از پیرویه ویرانگر روی صحنه بُردن "انتخابات"، اِپهام پیرامون پذیرش نتیجه آن از سوی دسته بندیها و گرایشهای گوناگون در باند قدرت نیز وجود دارد. شواهد اطمینان بخشی در دست نیست که نشان دهد یک خط کشی بوروکراتیک قادر است مسایل حل نشده در جنگ منافع کنونی را از روی میز "نظام" برود.

درآمد

شاقول تعیین خط مشی و تاکتیک در برخورد به اصلی ترین مسایلی که روی میز جامعه ایران قرار گرفته و در راس آن استبداد مذهبی، نمایش انتخابات مجلس نهم نیست. تلاشی باند حاکم و جنگ غریبان نیروهای آن علیه یکدیگر، شکست حکومت در سرکوب مطالبات توده ها و شرایط تحوّل یافته بین المللی پس از "پهار عربی"، اینها مُشخصه هایی است که شرایط عینی را شکل داده است. راه حلی که به واقع در پی تغییر وضع موجود باشد، نمی تواند این شرایط را نقطه عزیمت برنامه عمل خود قرار ندهد و وظایفی که از آن ناشی می شود را به رسمیت نشناسد.

* پیرامون کانونهای بحران و تأثیر آنها بر "انتخابات"، در سرمقاله نبرد خلق، شماره ۳۱۳ مُرداد ماه ۹۰، توضیح داده شد. بنابراین در اینجا می توان ژرفش بحران در برخی از محورهای برشمرده در نوشته مزبور را بررسی و به عوامل مُشخصی که اعلام علنی انتخابات به مثابه فاکتور تهدید کننده ثبات و بقای "نظام" را اجتناب ناپذیر ساخته است، اشاره کرد.

دانش آموزان در حد میلیاردي است که به خزانه هم ریخته نمی شود.»

عده های پوشالی گماشته ولی فقیه برای بردن پول نفت بر سر سفره مردم با پُر شدن جیب مفتخواران حکومتی تحقیق پیدا کرد. افزایش کودکان کار، فقر و تنگدستی، عدم پرداخت حقوق مزدبگیران و کارگران از جمله عدالت حکومت ولایت فقیه است.

جمهوری اسلامی از یک طرف در خدمت به نئولیبرالیسم و اجرای فرمان نهادهای مالی بین المللی، البته تا جایی که فقط به منافع حاکمیت گره می خورد کوتاهی به خرج نداده و از طرف دیگر با زیر پا گذاشتن پیمانهای بین المللی مانع ایجاد تشکیلات مستقل کارگری می شود.

به بند کشیدن فعالان کارگری و سندیکایی عملی غیر انسانی و ضد حقوق بشر است. این سرکوبگری، مانعی در برابر رشد جنبش کارگری، شکل گیری سندیکاها و تشکلهای مستقل کارگری ایجاد می کند. علاوه بر حکمهای سنگین زندان، اخراج از کار، تداوم فشار، اذیت و آزار بر خانواده از جمله هزینه های سنگینی است که در رژیم ولایت فقیه برای ابتدایی ترین حقوق زندگی عادلانه از جمله حق کار، امنیت کار،

برخورداري از مزدی عادلانه و آزادی تشکلهای صنفی، پرداخت می شود. در فقدان تشکلهای مستقل کارگری، اعتراضهای کارگری که شمار آنها قابل توجه است، در پراکندگی و ناپیوستگی در برابر یورش سرمایه داران به حقوقشان، به ناچار برای حفظ وضع موجود صورت می گیرد.

تهاجم، تعرض و تحدید کارگران به سیاست تدافعی، از راهکارهای غیر انسانی جمهوری اسلامی است که در برابر نیروهای کار اعمال می شود.

بقیه در صفحه ۵

برخی از مهمترین حرفتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۰

کارگران شرکت پیمانکار کیسون، طرف قرارداد با متروی اهواز به دلیل عدم پرداخت ۷ ماه حقوق خود از روز شنبه ۵ شهریور دست از کار کشیدند. تعداد کارگران شرکت کننده در این حرکت اعتراضی ۴۰۰ تن می باشد. به گزارش ایلنا، این اعتصاب روز یکشنبه ۶ شهریور در محل دپو جنب فرودگاه اهواز ادامه یافت.

کارگران متروی اهواز، عدم دریافت فیش حقوقی، مغایر بودن لیست بیمه با میزان حقوق دریافتی، به روز نبودن قراردادهای، عدم امکان استفاده از ساعات استراحت بین کار، اعمال نشدن اضافه حقوق و تبعیض بین کارگران بومی و غیربومی را از تخلفات پیمانکار خود (شرکت کیسون) عنوان کردند.

بر اساس خبر ارسالی به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه ی کاغذ پارس به دلیل عدم پرداخت چند ماهه ی دستمزد صبح روز دوشنبه ۷ شهریور ماه تجمع اعتراضی ای مقابل فرمانداری شهرستان شوش در خوزستان برپا کردند. کارخانه ی کاغذ سازی پارس که مواد اولیه ی خود (تفاله ی نیشکر) را از کارخانه ی نیشکر هفت تپه تامین می کند، در سالهای قبل بیش از ۳۰۰۰ کارگر رسمی و قراردادی داشته است که اکثر آنها رسمی بوده اند و اکنون به دلیل «تعدیل نیرو» کمتر از ۷۰۰ کارگر در آن مشغول به کار هستند.

روز سه شنبه ۸ شهریور، کارگران شرکتی شهرداری ارومیه در مقابل شهرداری تجمع کردند. علت اعتراض کارگران، بیکار سازی و عدم پرداخت بدهیها از سوی شهرداری ارومیه است. شهردار ارومیه ضمن تایید تجمعات اعتراضی کارگران در این رابطه به خبرنگار ایسنا گفت: شرکت جدیدی که برنده مناقصه شهرداری شده است، تمایلی به استفاده از نیروهای شرکت قبلی نداشت که این موضوع اعتراض کارگران طرف قرارداد شرکت پیشین را در پی داشت.

اعتصاب کارگران متروی اهواز که از روز شنبه ۵ شهریور آغاز شده بود، در روز چهارشنبه ۹ شهریور نیز ادامه یافت.

به گزارش ایسنا، کارگران پروژه قطار شهری اهواز به دلیل تاخیر هفت ماهه در پرداخت حقوق، دست از کار کشیدند و کارگاههای متروی اهواز را تعطیل کردند.

به گزارش اتحادیه مستقل کارگری شمال خوزستان، بیکاران شهرستان اندیمشک در روز چهارشنبه ۹ شهریور در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند. تجمع کنندگان عنوان کردند: ما بیکاران به واسطه بیکاری از همه حقوق اجتماعی و شهروندی محروم شده ایم.

کارگران سد مخزنی ژاوه واقع در استان کردستان از روز چهارشنبه ۹ شهریور در محل کارشان دست به اعتصاب زدند. به گزارش سایت موکریان، مطالبات کارگران معترض عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و دستمزد ماهیانه خود و پرداخت کامل حقوق و مزایای معوقه عنوان شده است.

معلمان حق التدریسی در ادامه اعتراضات خود در روز جمعه ۱۱ شهریور برای چندمین روز در مقابل معاونت منابع انسانی ریاست جمهوری دست به تحصن زدند. این گروه از معلمان پیش از این بارها در برابر مجلس و دفتر ریاست جمهوری دست به تحصن و اعتراض زده بودند که اعتراضشان راه به جایی نبرده بود.

یکی از تحصن کنندگان در گفت و گو با خبرنگار ایلنا گفت: نزدیک به ۲۷ هزار نفر از نیروهای حق التدریسی آموزش و پرورش در اعتراض به اخراج بودن آزمون پذیرش این نیروها که در ۳ تیر سال جاری برگزار شد، در اینجا حضور پیدا کردند تا بتوانند با معاون منابع انسانی رئیس جمهور دیدار کنند. وی افزود: در حال حاضر ما چند روز است که در تهران حضور داریم و هر روز در برابر یکی از نهادهای دولتی حضور پیدا می کنیم و شبها برای خواب به مرقه امام می رویم که هر بار برخورد ناماناسی با ما صورت می گیرد و برخی مسئولان و نمایندگان به ما می گویند که ما بی سواد هستیم.

روز دوشنبه ۱۴ شهریور، کارگران سد مخزنی ژاوه واقع در استان کردستان در محل کارشان دست به اعتصاب زدند. بنا به خبر رسیده به آژانس خبری موکریان، مطالبات کارگران معترض که در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و دستمزد ماهیانه خود از روز نهم شهریور ماه دست به اعتصاب زده اند پرداخت کامل حقوق و مزایای معوقه عنوان شده است.

روز دوشنبه ۱۴ شهریور، کارگران کارخانه ذوب فلزات ابهر در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود طی دو سال

گذشته مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. به گزارش فارس تجمع کنندگان اظهار کردند، کارگران کارخانه ذوب فلزات ابهر همه مراحل قانونی را طی کرده و نتیجه قابل محسوسی دریافت نشده است، چرا که مرتب به کارگران وعده حل مشکل داده می شود.

روز دوشنبه ۱۴ شهریور، کارگران بخشهای مختلف تولیدی در شرکت قطعات توربین شهریار در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب و اعتراض زدند.

به گزارش سایت پیام، کارگران اعتصابی با تجمع در مقابل مسجد کارخانه خواستار گفتگو با کارفرما شده بودند. با وجود گذشت ۲ ساعت از برپایی اعتراض و تجمع در این کارخانه کارفرما از رویارویی با کارگران خودداری ورزیده بود، اما در نتیجه ادامه اعتصاب کارفرما مجبور شد تا به خواست کارگران گردن نهاده و بخشی از دستمزدهای معوقه آنان را پرداخت کند.

این چندمین بار است که کارگران این کارخانه، که حدود ۳۰۰ نفر هستند برای مطالبات خود دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی می زنند.

به دنبال تعطیلی کارخانه آرد ونشاسته یاسوج، کارگران این واحد تولیدی تجمع اعتراضی در رابطه با وضعیت شان برپا داشتند. خبرگزاری دولتی فارس در روز سه شنبه ۱۵ شهریور طی گزارشی نوشت: کارخانه آرد و نشاسته قیلا یک واحد بسیار فعال بوده ولی به دلیل این که سیستم و تجهیزات آن به روز نشده اکنون مستهلک شده و قادر به پرداخت مطالبات کارگران خود نیست.

صبح روز چهارشنبه ۱۶ شهریور گروهی از کارگران ایران خودرو دیزل در برابر ساختمان دیوان عدالت اداری تجمع کردند.

به گزارش سایت تابناک، این تجمع به نمایندگی از ۱۰ هزار کارگر ایران خودرو دیزل و در اعتراض به صدور احکامی از سوی دیوان عدالت اداری برای شرکت ایران خودرو دیزل است که آسیب آن به جای مدیرانی که در گذشته مرتکب اشتباه یا تخلف شده اند، دامن کارگرانی را می گیرد که هم اکنون در حال خدمت رسانی در خطوط تولید هستند.

در پی اعتصاب جمعی از کارگران رسمی و قراردادی شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز، تعدادی از کارگران توسط نیروهای امنیتی بازداشت و با اتهامات سنگینی روبه رو شدند. به گزارش روز چهارشنبه ۱۶ شهریور هرا، حدود دو هفته پیش کارگران رسمی و قراردادی شرکت آهنگری تراکتور سازی تبریز، در اعتراض به وضعیت اقتصادی خانواده های خود و

عدم دریافت چندین ماه حقوق، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

در پی این اعتصاب، نیروهای امنیتی - اطلاعاتی وارد کارخانه شده و عده ای از معترضان را با برخوردی بسیار نامناسب دستگیر نموده و به اداره اطلاعات تبریز انتقال دادند.

کارگران بازداشتی در حین بازجویی با اتهامات سنگینی چون «فعالیت های ضد نظام»، «اقدام علیه امنیت ملی»، «حمایت از سوی بیگانگان»، «اختلال در امنیت ملی»، «توهین به مقدسات نظام» و... مواجه شدند. هم چنین پیرو وارد آوردن فشارهای روحی و جسمی بر بازداشت شدگان، ماموران اقدام به کوتاه کردن موی سر آنها به طرز بسیار تحقیر آمیزی نمودند.

گفتنی است که بازداشت شدگان پس از سه روز بازداشت در سلولهای انفرادی، تا زمان تشکیل دادگاه به طور موقت و به قید وثیقه آزاد شدند.

لازم به یادآوریست که حدود ۸۰۰ تن از کارگران شرکت آهنگری تراکتور سازی تبریز برای احقاقی خواسته های نظیر پرداخت به موقع حق بیمه کارگران، محسوب کردن شرایط سخت و زیان آور هنگام بازنشستگی، اضافه کردن مدت قرارداد کارگران و کارکنان قراردادی شرکت، پرداخت بهره وری های معوقه، پرداخت کامل حقوق در پایان هر ماه در اواسط مرداد سال جاری دست به اعتصاب زده بودند.

روز شنبه ۱۹ شهریور جمعی از کارگران مجتمع گوشت فارس واقع در مرودشت در مقابل استانداری و اداره جهاد کشاورزی شیراز دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران معترض با دست داشتن پلاکاردهایی خواستار مطالبات و حقوقهای معوقه خود شدند.

دو هفته از اعتصاب کارگران متروی اهواز گذشت. به گزارش روز بکشنه ۲۰ شهریور اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران، پیش شرط اولیه کارگران اعتصابی متروی اهواز دریافت حداقل ۵ ماه دستمزدشان است. این در حالیست که مدیران شرکت کیسون (پیمانکار پروژه متروی اهواز) بدلیل اختلافی که با کارفرما (سازمان قطار شهری اهواز) در زمینه مالی دارند به این خواسته برحق کارگران تن در نمی دهند و دستمزد کارگران را پرداخت نمی کنند.

مدیران قطار شهری اهواز و شرکت کیسون کماکان ادعاهایشان را تکرار میکنند و این کارگران و خانواده هایشان هستند که بدلیل عدم دریافت ۶ ماه حقوقشان تحت فشار کمرشکن اقتصادی قرار دارند. کارفرما و پیمانکار را در این میان ملالی نیست و به خیمه شب بازیشان ادامه می دهند.

بقیه در صفحه ۶

اختلاس و دزدی، واقعیت رژیم فاسد ولایت فقیه

جعفر پویه

اختلاس سه هزار میلیاردی در سیستم بانکی رژیم جمهوری اسلامی یکی از بزرگترین کلاه برداریها در تاریخ کشور است. رقم این اختلاس به اندازه ای است که به هیچ وجه نمی شود گوشه ای از آن را پوشاند. دست درازی عواملی از نزدیکان پاپوران رژیم به ثروت ملی مردم ایران تازگی ندارد، اما چگونه است که هر از چندی اختلاسی بزرگ کشف می شود و پس از مدتی سر و صدا و بگیر و ببند، موضوع فیصله پیدا می کند و خبری از آن نیست؟

رژیم جمهوری اسلامی رژیمی استبدادی - مذهبی است. این رژیم تحت سیطره فردی قرار دارد که با نام ولی فقیه، همه قدرت را در خود جمع کرده است. نه تنها شخص ولی فقیه بلکه، کلیه تشکیلات و ارگانها و نهادهایی که وابسته به اوست، تحت نظارت و با بازرسی هیچ نهادی قرار ندارد. ولی فقیه خودکامه و مجموعه دم و دستگاه سیاسی و اقتصادی وابسته به بیت او به هیچ نهاد و کسی پاسخگو نیست. بدیهی است که چنین دستگاهی ظرفیت هرگونه اعمال غیر قانونی و دراز دستی دارد، بدون این که پروای از پرده برون افتادن آن را داشته باشد و یا خود را ملزم به پاسخگویی بداند. در گذشته رادیو تلویزیون و دستگاه تبلیغاتی و بوق دروغ پراکنی آن تحت مدیریت علی لاریجانی باعث سر و صدای بسیاری شد و بسیاری در مورد درآمدهای بی حساب این دستگاه از محل تبلیغات نوشتند و خواستار حسابرسی از آن شدند، اما قدرت مطلقه خامنه ای مانع این کار شد و کسی نتوانست از حساب و کتاب علی لاریجانی در صدا و سیمای آخوندی سر در آورد.

بنیادهای مالی و کارتهای اقتصادی زیر مجموعه او نیز همچنین، تا کنون مبرا از هرگونه حسابرسی و پاسخگویی بوده اند. دلالی بسیاری از فرزندان آیت الله ها که به "اقازاده" معروف هستند و دراز دستی آنان در سیستم مالی کشور، از کارچاق کنی تا دریافت رشوه از شرکتهای نفتی و فروش اموال دولتی با زد و بندهای پشت پرده، بر بسیاری هویدا و آشکار است. از پرده برون افتادن بعضی از این دزدیها و رشوه گیریها موجب نشد تا این گونه اعمال تقبیح گردد و آنان دست از اعمال خود بردارند. کار به جایی رسید که محمود احمدی نژاد در تبلیغات انتخاباتی یکراست به سراغ فرزندان رفسنجانی و ناطق نوری رفت و دست داشتن آنان در بعضی از این موارد را سکوی پرش خود برای رسیدن به کرسی ریاست جمهوری قرار داد.

اما اختلاس در سیستم بانکی در سالهای حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی یکی از راههای آسان به دست آوردن پولهای کلان و یک شبه ره صد ساله رفتن است. فاضل خداداد با همدستی مرتضای رفیق دوست، برادر محسن رفیق دوست، یکی از پاپوران وقت رژیم، ۱۲۳ میلیارد تومان از سیستم بانکی اختلاس کرد. رو شدن دست او به دلیل

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران

در شهریور ۱۳۹۰

بقیه از صفحه ۵

کارگران شهرداری جزیره قشم روزهای دوشنبه ۲۱ و سه شنبه ۲۲ شهریورماه در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه دستمزدهای معوقه خود، دست به اعتصاب زدند.

به گزارش سایت پیام، کارگران اعتصابی شهرداری جزیره قشم با تجمع در مقابل فرمانداری این جزیره خواستار دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند، اما مقامات رژیم هیچ اقدامی در این خصوص انجام ندادند.

گزارش رسیده از ایرانشهر گویای آن است که بیش از صد تن از کارگران نساجی بافت بلوچ در ادامه اعتراضهای خود مبنی بر عدم پرداخت مطالبات شان، روز دوشنبه صبح ۲۱ شهریور درخانه امام جمعه اهل سنت ایرانشهر تجمع اعتراضی برپا کردند. قابل توجه اینکه ۵۴۰ تن از کارگران نساجی بافت بلوچ ۹ سال است که حقوق بازنشستگی خود را دریافت نکرده و در شرایط سخت معیشتی قرار دارند.

کارگران سد مخزنی زاوه واقع در استان کردستان به دلیل عدم پرداخت ۶ ماه حقوق از طرف کارفرما و در اعتراض به این امر از تاریخ ۹ شهریور اعتصاب خود را شروع کرده و تاکنون به اعتصاب خود ادامه داده‌اند.

بر اساس گزارش روز پنجشنبه ۲۴ شهریور سایت کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، در پی این اعتصاب، کارفرما به آن‌ها قول پرداخت ۱ ماه حقوق شان را داده است اما کارگران پرداخت تمامی مطالبات خود را خواستار شده و اعلام کرده اند تا زمان دریافت تمام مطالبات به اعتصاب ادامه خواهند داد.

روز پنجشنبه ۲۴ شهریور، پس از گذشت ۱۹ روز از اعتصاب کارگران متروی اهواز و گم شدن خواست ابتدایی کارگران یعنی پرداخت دستمزدشان در میان اختلافات مالی کارگران پروژه قطار شهری اهواز از ۲۰ روز پیش به دلیل تاخیر در پرداخت حقوق، دست به اعتصاب زده‌اند.

به گزارش ایسنا، کارگران پروژه متروی اهواز از روز شنبه ۵ شهریور، دست از کار کشیدند و علت آن را تاخیر ۶ ماهه در پرداخت حقوق عنوان کرده‌اند.

روز شنبه ۲۶ شهریور، کارگران مجتمع گوشت فارس در مقابل دفتر امام جمعه شیراز تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش سایت ایران کارگر، کارگران معترض خواهان بازنشسته شدن کارگران واجد شرایط بازنشستگی، احقاق حقوق معوقه کارگران این شرکت و همچنین راه اندازی شرکت و برگشت به کار بودند. کارگران با دادن شعار مطالبات خود را در مقابل دفتر امام جمعه مطرح کردند اما پس از آن که هیچ پاسخ و واکنشی از جانب امام جمعه شیراز نگرفته بودند، به سمت استانداری فارس حرکت کردند و سپس با سر دادن شعارهایی در مقابل استانداری فارس، مطالبات خود را پیگیری شدند.

روز یکشنبه ۲۷ شهریور، شرکت حفاری و اکتشاف انرژی گستر پارس (پدکس)، ۷۵ نفر از کارگران خود را که در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه خود دست به اعتراض زده بودند، از کار اخراج کرد. به گزارش هرانا این کارگران بعد از ۷ روز اعتصاب توسط کارفرما اخراج شدند.

شرکت حفاری و اکتشاف انرژی گستر پارس، پدکس (Pedex)، سازنده دکلهای نفتی، که در سال ۱۳۶۰ تاسیس شد، از شرکتهای حفاری «خصوصی» وابسته به بنیاد مستضعفان است.

روز یکشنبه ۲۷ شهریور، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری اعلام کرد: هزاران کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی با امضای طوماری خطاب به وزیر کار رژیم اعتراض و مخالفت خود را نسبت به اصلاحیه قانون کار اعلام کردند. متن اصلاحیه قانون کار توسط وزارت کار جمهوری اسلامی در ۷۴ ماده تدوین شده و قرار است در مجلس شورای اسلامی تصویب شود.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

اختلاس و دزدی، واقعیت رژیم فاسد ولایت فقیه

بقیه از صفحه ۶

که به ناگاه موضوع اختلاس سه هزار میلیاردی توسط وزارت اطلاعات به مطبوعات کشیده می شود و اندک اندک سر و کله کسانی که درگیر این ماجرا هستند، پیدا می شود. هنوز موضوع در ابتدای راه خود قرار دارد و معلوم نیست چه کسانی باید در این چاله بزرگ دفن شوند، اما آنچه از هم اکنون می توان گفت اینست که هدف از سر و صدای انجام گرفته نه ترمیم سیستم اقتصادی و قطع دست دزدان و چپاولگران بلکه، تسویه حسابهای داخلی باندهای قدرت است.

رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای بنیانگذاری با تهدید و ارعاب شهروندان کار خود را به پیش برده است. این ارعاب در همه سطوح جامعه، شهروندان و مردم عادی را تسخیر کرده و تبدیل به پادوی عوامل قدرت می کند. هر آخوندی برای خود دستگاه داغ و درفش راه انداخته و با به کارگیری عده ای پاسدار و راه اندازی بسیج، از این نیروهای در خدمت خود، برای ارعاب استفاده می کند. شهروند متمدن توسط این تشکیلات که بیشتر از بین اوباشان و لمپنهاه گویگری شده اند، به سختی گوشمالی داده می شود. کار این باندهای سیاه تا جایی است که به راحتی دست به قتل و جنایت می زنند، بدون این که نگران پیگرد باشند. این است که یک کارمند سیستم بانکی با اولین تهدید، به خدمت عمده قدرت در می آید و آنان توسط او دست به اعمالی می زنند که در صورت برملا شدن، بیش از همه پای این کارمندان دون پایه گیر دستگاه داغ و درفش باشد.

همچنین، مزایای ویژه ای که آخوندهای حکومتی برای فرزندان خود قایل هستند، کل سیستم را به ملک خصوصی آنان بدل کرده است. اینان با دستی باز به دزدی و ارتشا مشغولند و با کلاهبرداری بخش عظیمی از ثروت ملی را به بیغما می برند. ساهاست که نهادهای ناظر بین المللی به ویژه سازمان شفافیت بین المللی، رژیم ایران را یکی از فاسدترینها در جهان معرفی می کنند. این فساد همگانی شده در سیستم حکومتی به اندازه ای است که هر کس که دست او به کاری بند است، بدون دریافت رشوه تحت نام "پول چایی" یا نامه ای دیگر حاضر به انجام کاری که به عهده او گذاشته شده، نیست. این سیستم فاسد که سرپای رژیم را شامل می شود، تا بدانجایی است که هر شهروندی می داند برای انجام کاری در

یکی از ارگانها یا نهادهای دولتی باید چه مبلغی را هزینه کند تا کارش انجام شود.

همچنین، صندوقهای قرض الحسنه که به ظاهر توسط عده ای پولدار برای ارایه وامهای کوچک بدون بهره به افراد نیازمند ایجاد شده، یکی از امکاناتی است که درآمدهای ناشی از همدستی با باندهای بین المللی قاچاق مواد مخدر و اسلحه را "سفید" می کند. مراکز مالی مزبور پولهای کثیف را وارد شبکه پولی کشور کرده و پس از شستشو با دریافت حق الزحمه به صاحبان آنها باز می گردانند. به این اضافه کنید حق ترانزیت مواد مخدری که از افغانستان وارد ایران شده و به کشورهای دیگر فرستاده می شود.

فساد سیستم اداری و بوروکراسی رژیم اگر برای شهروندان سد می سازد و بدون رشوه کاری برای آنان انجام نمی دهد، در عوض بهشتی است برای اختلاس گران و غارت گران ثروت ملی مردم ایران. مدتهاست که سر و صدای بانکها در آمده است که بعضی از افراد که از آنها وام دریافت کرده اند، با قلدری پولهای دریافتی را باز پس نمی دهند. به این دلیل بعضی از بانکها تا سرحد ورشکستگی برده شده اند. دولت احمدی نژاد با فشار و دستور، نرخ بهره بانکی را پایین می آورد، این کار باعث می شود تا افرادی از باندهای مالی وابسته به پاپوران و جناحهای حکومتی وامهای کلانی از سیستم بانکی با بهره بسیار پایین دریافت کنند در حالی که نرخ تورم بسیار بالاتر از این نرخ بهره قرار دارد. اگر این پول حتی در شبکه دلالی رژیم کار هم نکنند، سود دریافت کنندگان، مبلغی بسیار بالاتر از بهره ای خواهد بود که توسط بانکها پرداخت می شود، در حالی که اینان نه تنها بهره ای به بانکها پرداخت نمی کنند، بلکه اصل پول را هم بالا کشیده و به سیستم بانکی باز نمی گردانند. در چنین حالتی افرادی در این سیستم به شدت فاسد دست به کلاهبرداریهای نجومی می زنند.

فردی که منابع رژیم او را "امیر منصور آریا" یا "امیر منصور خسروی" معرفی می کنند، با در اختیار گرفتن یک شعبه بانک صادرات در اهواز اقدام به صدور ال سیهای میلیاردی برای خود می کند. او با زیرکی این ال سیها را به سیستم بانک صادرات وارد نمی کند اما آنها را به قیمت پایین تری به بانکهای دیگر می فروشد. فروش این کاغذ پاره ها در بانکهای دیگر به علت اشتباهی زیاد بانکها برای سود، چشم آنان را کور می کند و پیگیر موضوع نمی شوند. منصور آریان یا خسروی با این شیوه سرمایه کلانی بهم می زند و در اندک زمانی به یکی از بزرگ سرمایه داران کشور تبدیل می شود. او ۳۸ کارخانه، چند شرکت سرمایه گذاری و مشاوره و بازرگانی به نام خود ثبت می کند؛ تصمیم او برای راه اندازی بانکی

خصوصی در نیمه راه بود که کارش به مشکل برخورد می کند.

با همه این اوصاف اولین پرسشی که مطرح می شود این است که مگر هیچ نهاد نظارتی در این کشور وجود ندارد که فردی گمنام در مدت زمانی کوتاه به بزرگ سرمایه داری تبدیل می شود که درخواست بانک خصوصی می دهد. یا همین فرد پتجاه و نیم درصد کارخانه فولاد خوزستان را درجا و نقد می خرد و یکی هم از او نمی پرسد که وجه چنین معامله ای را از کجا آورده ای؟! جالب است که برای معامله کارخانه فولاد، مشایبی، دست راست احمدی نژاد توصیه ای برای او خطاب به شمس الدین حسینی، وزیر اقتصاد و حمید بهبهانی، وزیر وقت راه و ترابری مبنی بر موافقت احمدی نژاد با خرید پتجاه و نیم درصدی کارخانه فولاد خوزستان نوشته تا در واگذاری کارخانه به او تسریع شود. همین سند یکی از اسنادی است که وابستگی دفتر احمدی نژاد به این اختلاس را نمایان می کند؛ هرچند او مدعی است که این اتهامی بیش نیست و دستهایی پس پرده برای او و نزدیکانش پاپوش دوخته اند.

سواستفاده از اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم تحت نام خصوصی سازی کار را بدانجا رسانده است که بسیاری آن را اصل اختصاصی سازی می نامند نه خصوصی سازی. با این همه، فروش اموال دولتی به نزدیکان پاپوران رژیم ادامه دارد و بعضی از کارخانه ها و املاک به نام "بنا" واگذار می شود. محمدضا خا، عضو کمیسیون اقتصاد، مجلس، آخوندها درباره "امین منصفی" گفته است: "۲۳۰ هکتار زمین در کیش و صدها هکتار زمین در اطراف کاشانک به قیمت ۱۶ میلیارد، به او فروخته شد. قیمت هر متر زمین ۱۶ میلیارد بوده که با این مبلغ حتی خاک نیز به چشم انسان نمی بیند".

در ظاهر امین منصفی، قدرت رژیم از یکدیگر بیشتر می کند و هر کس، افسار، این اختلاس را کار خود می نامد. این در حالی است که محمود احمدی نژاد می گوید: "دولت و بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و مسوولان اطلاعات، دولت متوجه موضوع اختلاس شده و آن را شناسایی کردند و سر و صدایش را در نامه دند تا این افراد را شناسایی و اموالشان را ضبط کردند".

این که دولت می خواهد بدهد، سر و صدا اموال اختلاس کنندگان، که به ظاهر شناسایی شده اند را ضبط کند یک طرف و در عمل آنها را با این اتفاق افتاده طرف دیگر کار را به جای رسانده که دولت مدعی می باشد؛ با مفسدان، اقتصاد، خود به ننگت، مفسد تا کنون، تاریخ ایران، تبدیل شده است. مدتها قبل، گروهها و حائنهان، سر و صدای، به راه انداختند که نکر، از نزدیکان، احمدی نژاد، نکر، از ماجراهای اقتصادی، دست دارد، فرد مزبور، رحیمی مورد توجه احمدی نژاد و

بسیار مرکز ما؛ به نافرمانی اقتصادی، است. خامنه ای، نه گماشته خود را در مسند ریاست جمهوری، حمایت می کند، حکم حکمته، صادر می کند و حکمته، از بنگار در اموال، می دارد. خود احمدی نژاد در سالها، که شهیدان، تهران، بود، در ماجرای مال، درگیر بود. ۳۷۰ میلیارد تومان، در شهرداری، تهران، گم شد و هرگز مشخص نشد ماجرای این، به نکر، که کجا کشیده شد و تکلیف بدهنده آن، چه شد. اما اکنون، که رژیم نیازمند یک حراج است، بیس، قوه قضائیه، صادره، لایحه، که به جز دست، "هم" هرگز از خود اختلاس، ندارد، محسن، اژه ای، را مامور کرده است تا به این، بیونده نظارت کند. محسن، اژه ای، بیس، از داستان، کار، کشور، که شغل، کنون، اوست، وزیر اطلاعات، رژیم بود. او از حمله کسانی، است که در مواقع ضروری، به دست، اشباح شست صحنه وارد کارزار، می شود تا هر بونده ای، را به نفع، قدرت، فصله دهد. هر تصمیم، که اژه ای، در این، بونده بگیرد، هیچ ربطی، به احزاب، عدالت یا تعصب، تکلیف اختلاس، و نا باز، گرداند. اموال، غارت شده به صندوق، دولت ندارد، بلکه او دستورات مقامات بالاتر، را اجرا می کند و بونده را به نفع آنان، سر و سامان، خواهد داد. کار، قوه قضائیه، در حشم بعضی، از حائنهان، داخل، رژیم نیز قابل، قضا، نیست. آنان، قوه قضائیه را به کم کاری، نا کاهل، و تفاوت، متهم می کنند. احمد تکل، نماینده اصولگرا، مجلس، آخوندها از کوتاه، دستگاه قضای، درسدگر، به بونده فساد مال، نزدیکان، بیس، حمیه، انتقاد می کند و می گوید: "اگر به این مشکلات رسیدگر، می شد، امر، شاهد اختلاس، سه هزار میلیارد تومان، در دستگاه بانک، کشور، نمودیم". اما تکل، به خود، می داند عدم بنگر، قوه قضائیه به دست، خامنه ای، است و توقف رسیدگر، به این گونه بونده ها از کانال، او اتفاق، می افتد. حال، چرا او خود را به جهالت می زند امر دیگر، است.

همزمان، با ماموریت اژه ای، مجلس، آخوندها، به نکر، ۲۷ شهید، در جلسه غیر علنی، تشکیک، می دهد. در این جلسه اعدای، از این اختلاس، را می شنود. در جلسه مزبور، وزیر اقتصاد، شمس الدین، حسینی، و محمود بهمنی، بیس، کار، بانک مرکزی، اعلام کردند که افراد مظنون، در این اختلاس، شناسایی، و بعضی با داشتن شده اند. بیس، از این، لاف و گزاف گوییهای دولتها، محسن، اژه ای، ب می آشنود و می گوید: "باعث تاأس است که برخی افراد به حای، این، که بای، فساد، نکر، که صورت گرفته است، از مردم عذر، خواهد، کنند و بگنند که منتهای، بوده که موجب این، مساله شده است و در معرف، افراد خاط، و ارائه اسناد به قوه قضائیه کمک کنند، به فرافکن، اقدام و

آذربایجان و ارواحسوں، ایسته مین کورالسوں (آذربایجان زنده باد، کور باد بدخواهان)

لیلا جدیدی



فراسوی خبر ۷ شهریور

از سوی دیگر حرفهای ضد و نقیض آغاز می شود. بی تفاوتی نسبت به طرح در حرفهای جمشید انصاری، یکی از نمایندگان رژیم اینگونه آشکار می شود که می گوید: "دلایل و ضرورت دو فوریتی بودن طرح به خوبی برای نمایندگان توضیح داده نشده بود."

فراتر از آن، نادر قاضی پور، نماینده رژیم از ارومیه با تظاهر به درک مشکل دریاچه ارومیه، تظاهرات را "غیرقانونی"؛ "با برنامه ریزی بدخواهان" و "برای ایجاد نا امنی در سطح شهر" توصیف می کند.

اما چه کسی سطح شهر را با حمله به معترضین، گاز اشک آور، ضرب و شتم، زخمی کردن و شکستن در و پنجه مغازه داران، حمله به بیمارستانها و ... به میدان جنگ تبدیل کرد و نا امنی به وجود آورد؟ تمسخر آور تر اینکه وی در واکنش به شعار تظاهرکنندگان که ریشه در مبارزات دیرینه خلق آذربایجان دارد (آذربایجان و ارواحسوں، ایسته مین کورالسوں) و گویای نفرت از حاکمان است، می گوید: "ما حق شما را در مجلس مطالبه خواهیم کرد."

اختلاس و دزدی، واقعیت رژیم فاسد ولایت فقیه

بقه از صفحه ۷

در مصاحبه هاشان، ادعا می کنند که همه مظنونان را شناسایی کرده اند."

در این جلسه همچنین، مصطفی یور محمدی، رئیس سازمان بازرس، کار کشور، رژیم شرکت داشت که می گوید: "مجموعه عملکرد اختلاس، گران، سه نانک تات، گردشگر، و آنا نشانگ این است که آنها مورد حمایت دفتر رییس جمهور بوده اند."

همچنین، محمد رضا تاش، رئیس فراکسیون اقلیت مجلس، آخوندی، در گفت و گو با روزنامه اعتماد با اشاره به برخی جزئیات سخنان مصطفی یور محمدی، گفته است: "موارد مشابه، نظیر اختلاس، سه هزار میلیارد تومان، وجود دارد، ولی هنوز گفته اند سخن نگوییم، از بیان آنها صرف نظر می کنیم. شسه به تخلف سه هزار میلیارد تومان، باز هم وجود دارد، اما عزمی برای رسیدگی به آنها ندارد."

اما محمود بهمن، رئیس کار نانک مرکزی، اوضاع را از این هم بدتر می داند و در این جلسه به دفاع از سیستم نانک، کشور، پرداخته و گفته است: "ممکن است تخلفات هم وجود داشته باشد، اما تا توحه به حجم منابع، تعداد کارکنان، و تعداد واحدهای فعال، نسبت تخلفات در سیستم نانک، بسیار پایین تر از بسیاری دستگاههای دیگر است."

حالا، ماند حدس، زد کدام یک از دستگاههای کشور، در فساد غرق است که اختلاس، سه هزار میلیارد تومان، در مقابله آن، حین قابل توجه نیست. به عنوان نمونه می شود به گفته عبدالرضا رحمانی فضل، رئیس دیوان محاسبات کشور، اشاره کرد که می گوید: "۱۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار از درآمدهای مازاد فروش نفت در سال گذشته عملاً گم شده است و هیچ اثری از آن نیست."

او ادامه می دهد: "این مبلغ نه به خزانه داری، وارد شده، نه به حساب ذخیره ارزی، و نه در بودجه سالانه کشور منظور شده است."

عنايت دارند؟ اختلاس، آقاي، منصور، خسروي، جيزی، حدود سه میلیارد دلار است، در حالی که یک رقم از گذشته های وزارت نفت بش از ۱۲ میلیارد دلار است. حال، چند رقم گمشده دیگر وجود دارد که از آن حرف به مازان نمی آید را باید از آقای یور محمدی، رئیس سازمان بازرس، کار کشور، پرسید که سفارش کرده کس در این باره چیزی نگوید.

انبار، در مجلس، آخوندها جمع شده اند و نه دنیا، تشکرا، کمتنه حقیقت ناب هستند تا چه کنند؟ چه حقیقت، را کشف کنند؟ آن چیزها، که به تاش، توصیه شده تا حرفی از آنها به میان نیاورد؟

پهوهه نیست که محمد رضا تاش، رئیس فراکسیون اصلاح طلبان، مجلس، آخوندها به روزنامه اعتماد می گوید: "به عقیده منده مطرح شدن این تخلف در شرایط فعلی کشور، انحراف

افکار عمومی، از بسیاری، از وقایع پشت پرده است و به حرات می توان گفت پشت صحنه این قضیه بر متن غلبه دارد. اگر عزم حزم اصلاح امور، شد و نه فقط رسیدگی، این اختلاس، بزرگ، با به عبارتی، محدوده تنها رفع شد، به منتقدان، اجازه اظهار نظر داده شد و مجلس، و قوه قضاییه کار کرد طبعی، خود را به دست آوردند، در این صورت می توان به تکرار نشدن، تخلفات بزرگ، از این دست امیدوار بود، در غیر این صورت این تخلف موضوعی حاشیه ای، و تسویه حساب های دونه، است."

حالی کلام را تاش، در اظهارات خود بیان کرده است. بر بدیهی است که خامنه ای، و داره دسته او محدوده تنها را کم که نه بلکه، اضافه هم خواهند کرد، نه تنها امکان، اظهار نظر به منتقدان، داده نخواهد شد بلکه، سرکوب و بگریز و سند هر روز بیشتر می شود. به گفته همربشار، او در مجلس، این نهاد به شعبه ای، از دفتر خامنه ای، تبدیل شده است. علم، لاریحانه، رئیس مجلس، خود می گوید که اگر قانون، در مجلس، تصویب شد و خامنه ای، از این رضایت نداشته باشد، آنرا ملغی خواهد کرد. حالا، او چه انتظاری، از این مجموعه دارد؟ بنابراین، باید همان بخش، آخر گفته اش را بپذیرفت که این برهنده اختلاس، موضوع، حاشیه ای، است و تسویه حساب باندهای دونه، رژیم است که باید مد نظر قرار گیرد. و گونه اگر قرار باشد که در شهر مست گردند، باید هر آنچه هست گیرند. در این صورت چیزی، از اساس رژیم دزدان، و دغلبان، باقی نخواهد ماند.

ساز، از جلسه غیر علنی، مجلس، علم، لاریحانه، می گوید به شکایت نمایندگان، از رئیس جمهور، رسیدگی خواهد شد. علم، مطهری، دیگر نماینده مجلس، تهدید می کند در صورتی که سوال، از رئیس جمهور، در دستور، مجلس، قرار نگیرد، استعفا خواهد داد. درگیری، مجلس، و دولت بار دیگر خود را در این برهنه باز می نمایند و این بار مجلسها و در رأس آنها علم، لاریحانه، سر، دارد پشت پرده، و از این موقعیت بکنند. هر چند نمایندگان، همچون، کوحک زاده تلاش دارند تا دفاع از دولت احمدی نژاد در باب این موج استادگر، کنند، اما تا کنون، تنها افراد نزدیک به احمدی نژاد متهم به همکاری، با اختلاس، گران، شده اند و به دلایل حمایت همه جانبه خامنه ای، در گذشته از او، تا کنون، سر، شده تا احمدی نژاد را از این ماحوا کنار نگه دارند. اما چه کس، است که نداند در سفره حرمین، که آژیه ای، برای، گردن، زدن، بهین، کرده است، اسامی، اطرافیان، احمدی نژاد، بک، بک، در دست قرار می گیرد. در این باره که آیا احمدی نژاد نیز در این حاشیه خواهد شد فقیه با نه، هنوز نمی شود نظر قطع داد. اما در این ماحوا، ره تا عم باندی از باندهای قدرت رژیم ولایت فقیه سر آید.

اختلاس، سه هزار میلیارد تومان، حاصل سیستم تا مغز استخوان، فاسد رژیم جمهوری اسلام، است. این رژیم و همه احزاب، فاسد است. ولی فقیه این با حکم حکومتی، جلو برده، قوه قضاییه، برهنده اختلاس، را می گرد و دست همه باندهای، آنرا، آلوده به دزدی، و حاشا، ثروت ملی، مردم ایران، است. قتل، و جنایت، زندان، و شکنجه، تحاوه، و گله های، اوباش، خانان، برای، افزودن، به عم رژیم، است که بک، از افتخارات، آن، به ثبت رسانند، بزرگترین اختلاس، تمام تاریخ یک کشور کهن است.

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۱۵)

لیلا جدیدی

- سوسیال دمکراسی اروپا، متعهد به برنامه های نو-لیبرالیسم

- پیرامون اعتراضات مردم یونان، ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا

- شکست ناپذیران مصری

آوردند، اما ما باید کارمان را از دست بدهیم."

با این حال "پاپاندرو" همچنان بر تعهد خود در اجرای پیش شرطهای اعطای وام به یونان از سوی اتحادیه اروپا و



پیرامون اعتراضات مردم یونان، ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا

بانک مرکزی و صندوق بین المللی پول تاکید کرد. این وامها به منظور پرداخت بدهی به بانکهای اروپایی اختصاص می یابد و نه تنها صرف کمک به مردم نمی شود، بلکه مشروط به کاهش دستمزد، اخراج شاغلان و افزایش مالیات شده است. در همین زمینه، وزیر دارایی نیز از افزایش بیشتر مالیاتها خبر داد.

دولتهای اروپایی برای اتخاذ تصمیم نهایی در مورد یونان به جنگ لفظی مشغولند. مقامهای آلمانی هراس خود را از این که بدهیهای یونان، پروژه اروپا متحد را یکسره به سر حد انفجار برساند، مخفی نمی کنند. بنا بر گزارش "اشپیگل"، "فیلیپ روسلر"، وزیر اقتصاد و معاون صدر اعظم آلمان روی سناریو اخراج یونان از اروپا کار می کند. از سوی دیگر، کمیسیون عالی آلمان در اتحادیه اروپا معتقد است که نیروهای پاسدار صلح باید هنگام اخاذی مالیاتی از مردم در یونان حاضر باشند. روزنامه های یونان در سر تیتتر خود از تهدید "رایش چهارم" در اروپا نوشتند و سیاست اقتصادی آلمان را با اشغال یونان توسط هتلر در جنگ جهانی دوم مقایسه کردند.

"الکساندر کاکبرن" در این باره می گوید: "جورج پاپاندرو" راههای دیگری داشت. او به آسانی می توانست به تهدید بانکهای اروپایی بی اعتنائی کند و به واحد پول ملی کشور خود برگردد و در روابط اقتصادی، حاکمیت کشورش را حفظ کند."

بقیه در صفحه ۱۰

شد. قدرت هژمونیک آمریکا نیز به تدریج کاهش یافت، به طوری که در قرن ۲۱ این واقعیتها شتاب گرفتند. در همین حال یک ایدئولوژی راست تر به نام نو-لیبرالیسم که تکیه بر دولتها را به تکیه بر بازار منتقل می کرد، جایگزین شد. این ایده با جهانی سازی و تاکید بر این که "گزینه دیگری وجود ندارد"، پیش رفت. به نظر می رسید برنامه های نو-لیبرالیستی به وعده "رشد" با تکیه بر بازار سهام وفا می کرد، اما این امر همراه با بدهیهای کلان، بیکاری و کاهش درآمد اکثریت مردم جهان بود. بیشتر احزاب چپ میانه، سوسیال دمکراتهایی بودند که به این سمت متمایل شدند. آنها از دولت رفاه حمایت نکردند و به این نتیجه رسیدند که نقش دولت رفاه باید کاهش پیدا کند."

بحث "والراستاین" را در زمانی دیگر پی می گیریم، تمرکز این نوشتار بر رویدادهای اخیر در کشورهای اروپای غربی است که چگونه سرمایه داری نو-لیبرال دهها سال تلاش در جهت پیشرفتهای اجتماعی را به عقب برگردانده است. با تن دادن سوسیال دمکراسی اروپا به برنامه های نو-لیبرال، نابرابری اقتصادی به میزانی باورنکردنی افزایش یافته است. کارگران و زحمتکشان جهان به سوی فقر بیشتر سوق داده شده اند.

در ماههای گذشته تظاهرات گسترده ای که در کشورهای اروپایی به ویژه در ایتالیا، اسپانیا، یونان و بریتانیا علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی شکل گرفته، پایان سوسیال دمکراسی و تسلیم آن به تهدید بانکهای اروپایی را نشان می دهد.

"الکساندر کاکبرن"، یک روزنامه نگار سرشناس چپ در این باره می گوید: "چند میخ دیگر لازم است تا تابوت سوسیال دمکراسی بسته شود؟ احزاب سوسیال دمکرات وقتی گرد و خاک جدی بر پا شده، همواره جانب سرمایه داری را گرفته اند. در سال ۱۹۱۴ لنین می دید احزاب سوسیال دمکرات پرنسیب با ارزش همبستگی بین المللی طبقه کارگر را کنار می گذارند و زیر پرچم دولت خودی، صف آرای می کنند. نتیجه آن که میلیونها نفر از طبقه کارگر برای تجهیز ارتش سربازگیری شدند و جنگ جهانی اول پیش برده شد، امروز، یک قرن بعد، اگر او شرایط کنونی را می دید، بی تردید شگفت زده نمی شد.

سوسیال دمکراسی اروپا، متعهد

به برنامه های نو-لیبرالیسم

در سالهای گذشته، نو-لیبرالیسم به تدریج حکومتهای سوسیال دمکرات را به پیروی از سیاستهای اقتصادی خود کشانده است. از دهه ۸۰ تا کنون، آمریکای شمالی و کشورهای اروپای غربی سیاستهای نو-لیبرال را دنبال کرده اند. همزمان، کشورهای پیرامونی از آمریکای لاتین گرفته تا آفریقا، آسیا و اروپای شرقی تحت فشار غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا و نهادهای مالی همچون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، تحت برنامه های همچون "تعدیل ساختاری" و "رفورم اقتصادی" به سازش با شرایط اقتصاد نو-لیبرالیستی کشانده شده اند.

سوسیال دمکراسی بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰ ایدئولوژی و جنبشی را نمایندگی می کرد که دفاع از تقسیم منابع دولتی میان اکثریت مردم وجه مشخصه آن بود. این جنبش، توسعه سطح آموزش و بهداشت و همچنین برنامه های حمایتی از "مزد نگیران" مانند کودکان و کهن سالان و کاهش بیکاری را در برنامه خود داشت. سوسیال دمکراسی که "اصلاح سرمایه داری" را مد نظر داشت، قول آینده بهتر برای نسل بعدی را می داد. "امانوئل والراستاین"، جامعه شناس آمریکایی و تحلیلگر سیستم جهانی در این باره می گوید، سوسیال دمکراسی در اروپای غربی، بریتانیا، استرالیا، نیوزلند و کانادا و حتی در آمریکای شمالی - در واقع در کشورهای ثروتمند - بسیار قدرتمند بود. وی اشاره می کند که این ایده به قدری پیش رفت که حتی راست میانه نیز تا حدودی ایده دولت رفاه را می پذیرفت. دیگر کشورها هم سعی می کردند با نام "توسعه ملی"، سوار این واگن شوند. "والراستاین" علت موفقیت و پیشرفت سوسیال دموکراسی را در دو ویژگی این دوران توصیف می کند: "نخست، توسعه اقتصاد جهانی که منابع لازم را برای توزیع مجدد ممکن می ساخت و سپس، هژمونی ایالات متحده آمریکا در سیستم جهانی که ثبات نسبی در سیستم جهانی را تضمین می کرد." وی می افزاید: "اما این تصویر به ظاهر زیبا پایدار نبود، زیرا اقتصاد جهانی توسعه نیافت و وارد رکودی طولانی

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۱۵)



طولانی تر و محکم تر سخن می گویم.

شکست ناپذیران مصری

علیرغم کوشش شورای عالی ارتش مصر برای خاموش کردن جنبش مردم، اعتراضها همچنان ادامه دارد. مردم و فعالان مصری با سر دادن شعارهایی همچون "این حرف را به گوش بسیار ارتشبد، انقلاب در میدان تحریر ادامه خواهد داشت"، "طنطاوی همان مبارک است"، اراده خود را برای برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی نشان داده اند. از سوی دیگر، دولت جانشین مبارک که از حمایت آمریکا و اسرائیل برخوردار است، به نظر نمی آید قصد این را داشته باشد که قدرتی را که از فداکارها و مبارزان سخت مردم این



کشور و به ویژه فعالان جنبش به دست آورده، به آسانی رها کند.

روز جمعه ۹ سپتامبر، هزاران نفر از فعالان، دانشجویان، کارگران، کشاورزان و دیگر زنان و مردان زحمتکش مصری که گروه گروه در قسمتهای مختلف شهر و در مقابل مراکز دولتی تجمع کرده بودند، به سوی میدان تحریر حرکت کردند. در این تظاهرات گسترده بر انجام سه خواسته فوری تأکید می شد: ۱- برقراری دموکراسی ۲- برگزاری انتخابات ۳- پایان محاکمه غیر نظامیها در دادگاه نظامی. معترضان تأکید می کردند که شمار اراذل و اوباش دوبرابر بقیه در صفحه ۱۱

های کارگری این کشور اعلام کردند که قصد دارند دست به اعتصاب بزنند.

این اقدام تهدیدی جدی در برابر هیات حاکمه خواهد بود زیرا دولت بریتانیا در برابر بزرگترین اقدام اعتراضی کارگران و زحمتکشان از اعتصاب عمومی سال ۱۹۲۶ تا کنون قرار گرفته است.

اتحادیه های کارگری بریتانیا از جمله اتحادیه کارگری آتش نشانان و اتحادیه های کارگری "یونیسون"، "یونایت" و "جی ام بی" درباره نحوه مشارکت در این اعتصاب که احتمالاً در ماه نوامبر خواهد بود، با اعضایشان مشورت می کنند. دولت در مخالفت با این اقدام، پهانه "باعث خشم عمومی شدن" را تکرار کرد. "دیو پرتیس"، رییس اتحادیه کارگری "یونیسون" در جریان کنفرانس سالیانه کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا ضمن حمایت از اعتصاب عمومی گسترده گفت که او به ۹ هزار کارفرما به طور رسمی اعلام کرده که بیش از یک میلیون نفر از اعضای این اتحادیه خواستار اعتصاب شده اند. "پرتیس" در سخنرانی اش در کنگره اتحادیه های کارگری گفت: "این اقدام ما در واقع نوعی رویارویی برای حفظ زندگی مان است."

"گیل کارتمیل"، معاون اتحادیه کارگری "یونایت" هم گفته است: "زمانی که دولت ائتلافی قدرت را به دست گرفت، ما می دانستیم که باید برای حفظ زندگی مان بجنگیم، ما می دانستیم که این دولت قصد دارد ما را تضعیف کرده و بین ما تفرقه بیندازد."

"برایان استراتون"، از اتحادیه کارگری "جی ام بی" نیز در جریان کنفرانس سالیانه کنگره اتحادیه کارگری گفت: "ما درباره یک روز دست کشیدن از کار و اندکی اعتراض به وضع موجود حرف نمی زنیم. ما درباره اعتراضی

*اسپانیا، "گروه خشم"

گسترش می یابد

هزاران تن از مردم در مادرید، پایتخت اسپانیا علیه برنامه جدید اقتصادی دولت و همچنین افزودن "قوانین طلایی" به قانون اساسی این کشور اعتراض کردند. قوانین طلایی به دولت این کشور اجازه می دهد به منظور کاهش کسری بودجه، مالیاتها را افزایش و بودجه بخشهای دولتی را کاهش دهد.

پارلمان اسپانیا روز دوم سپتامبر با ۳۱۶ رای مثبت به تصویب این طرح رای داده بود.

این تظاهرات از محل میدان "پلازا"، جایی که جوانان معترض به سیاستهای ریاضتی دولت از ماه پیش تحصن کرده اند، آغاز شد. جنبش معروف به "گروه

* خشم مردم ایتالیا از بسته ۵۴

میلیارد یورویی ریاضتهای اقتصادی

در ماه سپتامبر و در پی اعلام دولت "سیلیو برلوسکونی" مبنی بر این که که قصد دارد جهت متوازن کردن هزینهها با بودجه این کشور، رهایی از کسری بودجه و کاهش بدهیهای خارجی، مالیاتها را افزایش دهد و همچنین معرفی "قوانین طلایی" به منظور افزودن بر قانون اساسی این کشور، تظاهراتی از سوی اتحادیههای کارگری در اعتراض به افزایش مالیاتهای مختلف در این کشور برگزار



شد.

خشم اسپانیا" در ماههای اخیر سرچشمه بسیاری از اعتراضهای خیابانی در کشورهایی مانند فرانسه، بلژیک و یونان بوده است. قرار است در روز هشتم ماه اکتبر معترضان کشورهای اروپایی به طور مشترک در مقابل پارلمان اروپا دست به تظاهرات بزنند.

"گروه خشم اسپانیا" از ماه ژوئن راهپیمایی خود را آغاز کرد. آنها از طریق پایگاه اینترنتی "تویتر" تعداد بسیاری را عضو کردند. هفته اصلی این گروه نخستین بار در تاریخ ۲۲ ماه می گذشته، پیش از برگزاری انتخابات منطقه ای در اسپانیا و در اعتراض به شکست سیاستهای اقتصادی دولت شکل گرفت. این گروه توانسته است از آغاز شکل گیری حمایت بسیاری از شهروندان اسپانیایی را جلب کند.

*یک میلیون کارگر در بریتانیا

آماده برای اعتصاب

به نظر می رسد در بریتانیا "زمستان سختی" در پیش خواهد بود. در ماه سپتامبر سال جاری بزرگترین اتحادیه

سرانجام لایحه جدید ریاضتهای اقتصادی به تصویب رسید. میلیونها ایتالیایی از تصویب لایحه ریاضت اقتصادی خشمگین و ناراضی هستند. بسته ۵۴ میلیارد یورویی ریاضتهای اقتصادی، دشواریهای بسیاری را بر مردم این کشور تحمیل خواهد کرد. صفحه اول روزنامه های ایتالیایی در کنار خبر تصویب لایحه مزبور، گزارشهایی را از تظاهرات و درگیری صدها تن در اعتراض به این قانون به چاپ رسانده اند. به گزارش اسوشیتدپرس، صدها تن در خیابانهای رم با پرتاب بمبهای دود زا با پلیس به مقابله پرداختند، مغازه ها به سرعت بستند و این در حالی بود که هلیکوپترها بر فراز مناطق درگیری گشت می زدند. پلیس در مقابل مجلس و همچنین قصر اقامتی "برلوسکونی" برای پراکنده کردن مردم دست به کار بود.

مردم ایتالیا معتقدند در این قانون نکته ای به چشم نمی خورد که به رشد آینده کشور کمک کند.

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۱۵)

بقیه از صفحه ۱۰

شده و ارتشبد "محمد حسین طنطاوی"، رئیس شورای عالی نیروهای مسلح مصر هیچ اقدامی نکرده است. به گفته فعالان، بیش از ۳۰ گروه سیاسی پیرامون لیست ۸ گانه مطالبات با هم به توافق رسیده اند.

شایان توجه است که جمهوری اسلامی نیز ادعا کرد که این تظاهرات را "مردم مسلمان مصر" به مناسبت "روز قدس" برگزار کردند. این در حالیست که در این تظاهرات، "آخوان المسلمین" شرکت کرده و رهبران آن گفتند که زمان مناسبی برای تظاهرات نیست زیرا به برخی از مطالبات دست یافته اند.

در تظاهرات روز جمعه، هزاران تن در شهر "اسکندریه" به خیابانها آمدند و شعار می دادند: "افسران جنایتکار را محاکمه کنید!" در "سوئز"، تظاهرات وسیعی در برابر استانداری برگزار شد که با خشونت پلیس روبرو شد. پلیس با چوب و باتوم به جان مردم افتاد. همچنین، در ماه گذشته اعتصابها در سراسر مصر در جریان بوده است. کارگران خواستار دستمزد بیشتر و پاکسازی کارخانه ها و نهادهای دولتی از مدیران دوران مبارک شدند. هزاران کارگر پست در اعتصاب بسر می برند. کارگران برق، کارگران شرکتهای صنعتی، فارغ التحصیلان رشته حقوق، کارگران اتومبیل سازی، کارگران شرکت شیمیایی، ماهیگیران و کارگران نساجی دست به اعتصابهای وسیعی زده اند. برخی از کارگران یک جاده اتوبان را بستند و علیه همکاری دولت با شرکت نفت انگلیس به اعتراض دست زدند. ۲۲ هزار کارگر نساجی در شهر "محلا" از روز ۱۰ سپتامبر اعلام اعتصاب عمومی کردند که دولت با دستپاچگی برخی از مطالبات آنها را برآورده کرد و آنان در چنین شرایطی اعتصاب را به تأخیر انداختند. کارگران این شهر تاریخ طولانی در مبارزه مسلحانه و اعتصابات عمومی دارند. اعتراضات آنها در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ در نهایت پشتوانه جنبش در میدان تحریر گردید. بسیاری دیگر از کارگران نیز تهدید به اعتصاب کرده اند. "عصام شرف"، نخست وزیر دولت موقت مصر تأکید کرد، تا زمانی که اعتصابات ادامه دارد به مطالبات کارگران پاسخی داده نخواهد شد، اما کارگران افزوده بر تهدید به اعتصابات بیشتر گفتند تا زمانی که مانند کارگران "محلا" به خواسته های خود دست نیابند، به اعتصاب ادامه خواهند داد.

از دیگر رویدادهای مصر در این حرکت گسترده اعتراضی، حمله به سفارت اسرائیل بود. دانشجویان و افرادی که در برابر دانشگاه قاهره تجمع کرده بودند، در مسیر خود به سمت میدان تحریر به سفارت اسرائیل حمله ور شدند. آنها دیوارهای حفاظتی سفارت را ویران کرده، وارد سفارتخانه شده و اسناد و وسایل آن را بیرون ریختند. سفیر اسرائیل به همراه خانواده و ۸۰ کارمند برای بازگشت به کشور خود به فرودگاه منتقل شدند.

از ماه پیش که نیروهای اسرائیلی شش پلیس مصری را در نزدیکی مرز، در جریان پاسخگویی به حمله مرزی به قتل رساندند، بر خشم مردم افزوده شده است. همچنین از زمان برکناری حسنی مبارک، برخی از مردم خواستار لغو پیمان تاریخی صلح با اسرائیل شده اند. بنا به گزارش شاهدان، دیوار بتونی که اطراف سفارت کشیده شده بود، توسط معترضان که می گفتند یادآور دیوار کرانه غربی برای آنها است، خرد شد و مردم با شادی تکه سنگها را به یادگاری بر می داشتند، این فرو ریزی "دیوار برلین" مصر بود. دفتر "بنیامین نتانیاهو"، نخست وزیر اسرائیل این حرکت را "نقض آشکار قوانین بین المللی" نامید و با این حال، از دولت مصر به دلیل کمک به فروداندن ناآرامی سپاسگزاری کرد.

در برابر این اعتراضات، نخست پلیس واکنش نشان نداد اما پس از آن که آمریکا و اسرائیل به دولت مصر هشدار دادند، شبانه به سوی مردم حمله شد. در این برخورد خشونت آمیز ۳ نفر کشته و بیش از هزار نفر زخمی شدند.

در پی این رویدادها، "عصام شرف" به دلیل محدودیت اختیارات برای مقابله با معترضان استعفا داد، اما شورای عالی مصر استعفا یی را نپذیرفت. سرانجام، کابینه "شرف" و شورای عالی نظامی مصر نشست فوق العاده و مشترکی پیرامون آنچه که "وضعیت امنیتی رو به وخامت" خوانده می شد، تشکیل دادند. حاصل این نشست ۶ راهکار برای سرکوب سریع اعتراضات بود. یکی از این راهکارها توقف اجازه کار به کانالهای تلویزیونی ماهواره ای است. همچنین دخالت اعضای کابینه در اجرای قوانینی که در بهار گذشته برای توقف اعتصابات به بهانه "مختل کردن زندگی مردم" مدون شد.

"اسامه هیکل"، وزیر اطلاعات در گزارش تلویزیونی پس از نشست مذکور اعلام کرد که با معترضان برخورد شدید خواهد شد. وی در رابطه با لغو پیمان صلح با اسرائیل گفت، مصر متعهد به پیمانهای بین المللی خواهد بود. او از نیروهای سیاسی فعال مصری خواست که احساس مسوولیت کرده و از نا امنی در کشور جلوگیری کنند.

جمعیت ۷ میلیونی اسرائیل، تعداد قابل توجهی به شمار می آید، به ویژه آن که بهانه های امنیتی و مساله فلسطین همواره بهانه رژیم آپارتاید اسرائیل در اجبار مردم به سکوت بوده است. از سوی دیگر، این رویداد زمانی به وقوع می پیوندد که فلسطینیها قصد دارند در اواسط ماه سپتامبر در سازمان ملل حاضر شده و درخواست عضویت مستقل کشور فلسطین در این نهاد بین المللی را ارائه دهند.

این مساله آنچنان برای نتانیاهو و آمریکا با اهمیت است که از پیش "محمود عباس" را که در ادامه مذاکره همواره پافشاری کرده است، تهدید کرده اند. رهبران این دو کشور می گویند، چنانچه فلسطینیها این درخواست را طرح کنند، به معنای پایان مذاکرات و پروسه صلح خواهد بود. ایالات متحده آمریکا همچنین تهدید به قطع کمک ۴۷۰ میلیون دلاری به فلسطینیها کرده و رییس کمیته روابط خارجی در مجلس

نتانیاهو بین دو سنگ آسیاب



نمایندگان این کشور نیز هشدار داده که رای مثبت کشورها به خواست فلسطینیها، در روابط اقتصادی با آمریکا تأثیر گذار خواهد بود.

شایان توجه است که رهبران و سازمان دهندگان تظاهرات در اسرائیل تاکنون به نهایت تلاش کرده اند که خواست اصلاحات را مطرح کنند و سخنی از تغییر حکومت به میان نیاورند. آنها اعلام می کنند که خواهان مذاکره با دولت هستند. این در حالیست که دولت با اصلاحات کوچک و وعده های سر خرمن تلاش می کند از تنش بیشتر جلوگیری کند اما همزمان به جای خانه سازی و ایجاد مسکن که مهمترین خواست معترضان است، همچنان قراردادهای ایجاد شهرکها در مناطق اشغالی و تشویق به مهاجرت را ادامه می دهد. دولت اسرائیل همچنین قصد خود از به کارگیری خشونت علیه فلسطینیها را مخفی نمی کند. نتانیاهو تهدید کرده است که چنانچه فلسطینیها دست به تظاهرات بزنند، با آنها به شدت مقابله خواهد کرد و از پیش نیز نیروهای خود را برای این کار آماده کرده است.

بیش از شش دهه از استقرار دولت اسرائیل و بیش از ۴۴ سال از اشغال کرانه غربی و نوار غزه توسط اسرائیل می گذرد. اعتراضهای اخیر مردم اسرائیل به سیاستهای اقتصادی دولت دست راستی نتانیاهو که شامل دستمزد پایین، افزایش هزینه زندگی، مواد خوراکی، آموزش و پرورش و مسکن بود، واقعیت مهمی را آشکار کرده است. بحران سرمایه داری حفره بین غنی و فقیر را عمیق تر کرده و زحمتکشان جهان، صرف نظر از این که چه ملیت، نژاد و یا دینی دارند، یک درد و یک دشمن مشترک دارند.

روز سه شنبه ۳ سپتامبر بیش از نیم میلیون نفر به خیابانهای تل آویو، اورشلیم و دیگر شهرهای اسرائیل آمدند تا مانند همدردان خود در مصر، تونس، سوریه، لیبی و... صدای خود را به گوش میلیاردرها و دولت نتانیاهو برسانند. سخنگوی "اتحادیه ملی دانشجویان" در این باره گفت: "اسرائیل دیگر هرگز مانند سابق نخواهد بود و اسرائیل جدید خواهان تغییرات واقعی است.

اگر چه معترضان انتظار داشتند یک میلیون نفر در این اعتراض شرکت کنند، اما حضور نیم میلیون نفر برای

گفتگو با سمیر امین در باره انقلاب مصر

منبع: فوروم اجتماعی جهان

تاریخ انتشار: ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۱

برگردان: آناهیتا اردوان

و ارتش استفاده می کند تا کاملاً از مطیع بودن هر دو اطمینان حاصل نماید. مساله اساسی این است که همه، سرمایه داری را آن گونه که هست، قبول داشته باشند. اخوان المسلمین هرگز به طور جدی خواهان تغییر نبوده است. به همین دلیل، آنها همراه با دولت مبارک علیه اعتصاب کارگری سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ موضع گرفتند. رویکرد آنها در برابر شورش دهقانان مصری که توسط زمین داران بیرون رانده شده بودند نیز همین بود. اخوان المسلمین طرف گزاشی را گرفت که مخالف جنبش دهقانان بود. مالکیت خصوصی، تجارت آزاد و سود برای آنها مقدس است.

پرسش: نقشه اصلی برای خاورمیانه چیست؟
سمیر امین: همه سر به راه باشند. ارتش و همینطور اخوان المسلمین، هژمونی آمریکا در منطقه و صلح با اسرائیل را بپذیرند. آنها باید به نوعی موافقت خود را نشان دهند تا اسرائیل اجازه یابد به استعمار آنچه از فلسطین باقی مانده، ادامه دهد.

پی نوشت:

(۱) سمیر امین، اقتصاددان فرانسوی مصری است. وی یکی از اعضای شورای بین المللی فوروم اجتماعی جهان و رییس فوروم جهانی اترناتیوها می باشد.

(۲) مصر در سال ۱۹۵۱ به طرح تحریم اقتصادی اتحادیه عرب علیه اسرائیل جهت مخالفت با حملات این کشور به اردوگاههای فلسطینی در روستاهای لبنان، سوریه، اردن و مصر، پیوست. در این روند، مصر کانال سوئز را به روی کشتیهای اسرائیلی بست که مورد مخالفت سازمان ملل واقع شد. در سال ۱۹۵۶ اسرائیل، انگلستان، فرانسه و آمریکا به مصر حمله کردند و کانال سوئز، نوار غزه و صحرای سینا را اشغال کردند.

(۳) در سال ۱۹۶۷ مصر در مخالفت با فرمان آماده باش کامل اسرائیل در جریان تنش با سوریه بر سر مساله اشغال مناطق مرزی متعلق به این کشور توسط اسرائیل اعلام کرد که تنگه نیران را بر روی کشتیهای اسرائیل خواهد بست. آمریکا، انگلیس و فرانسه به شدت مخالفت کردند و بالاخره اسرائیل در ۵ ژوئن همان سال به مصر حمله کرد و شبه جزیره سینا را نیز اشغال نمود.

سال ۱۹۲۰ توسط انگلیس و سلطنت، نقش بسیار فعالی در مبارزه علیه کمونیسم، لیبرالیسم و نیروهای دموکراتیک ایفا کرده است. اخوان المسلمین به طور واضح و روشن در بسیاری مواقع اعلام کرده است که این مساله مهمترین هدف و عامل ماندگاری و ادامه موجودیت آن است. آنها به طور علنی ابراز می دارند که اگر در انتخابات برنده شوند، آخرین بار خواهد بود، زیرا که سیستم انتخابی صادرات غرب و با طبیعت اسلام در تناقض است. آنها در این رابطه به طور قطع به هیچ وجه تغییر نکرده اند.

در حقیقت، اسلام سیاسی همیشه توسط آمریکا حمایت شده است. آنها طالبان را در جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی به عنوان قهرمانان آزادی معرفی کردند. جنبش زنان فمینیست آمریکا زمانی که طالبان مدارس دخترانه ای که توسط کمونیستها تاسیس شده بود را می

کردن کشور از مستعمره بودن که اقتصاد مصر را به صدور کتان محدود می کرد، تاکید می ورزید. این سیستم موفق شد توزیع مناسبی از ثروت، سازگار با منافع طبقه متوسط را بدون پایین آوردن استاندارد زندگی طبقات محروم جامعه برقرار سازد.

در هر صورت، همه اینها در روند تهاجم نظامی سالهای ۱۹۵۶ (۲) و ۱۹۶۷ (۳) که اسرائیل را مجهزتر ساخت، از بین رفت. سادات و مبارک بیشتر بر آن مناسبات اقتصادی که بر پایه سود دهی استوار بود، تکیه کردند که منجر به بی خاصیت شدن آن شد. نرخ بالای رشد اقتصادی مصر که در سی سال گذشته توسط بانک جهانی اعلام و تحسین شده، صوری و بی پایه است. رشد اقتصادی مصر به بازار خارجی و جریان سرمایه نفت از سوی کشورهای ثروتمند خلیج فارس وابسته است و از این رو بسیار آسیب پذیر است. این آسیب



پذیری به موازات بحران اقتصادی جهانی به سرعت نمایان گردید. پدیدار گشتن چهره واقعی وضعیت اقتصادی با یک نابرابری و بیکاری باورنکردنی که شرایط اکثریت جوانان مصری را تحت تاثیر قرار داد، همراه بود. شرایط منفجر کننده بود و انفجار هم صورت گرفت. موضوعی که امروز فراتر از مطالبات اصلی و استقرار آزادیهای دموکراتیک آغاز شده، جنگ سیاسی است.

پرسش: چرا نیروی مذهبی اخوان المسلمین تلاش می کند که خود را میانه رو معرفی کند؟
سمیر امین: زیرا از آنها خواسته شده که این نقش را به عهده بگیرند. آنها هرگز میانه رو نبوده اند. اخوان المسلمین، رهبری یک جنبش سیاسی و نه یک جنبش مذهبی را به عهده دارد که از مذهب به عنوان یک وسیله استفاده می کند. این جنبش از زمان تاسیس در

پرسش: آیا اتفاقاتی که تونس و مصر را تکان داد تنها یک شورش مردمی بود یا مشخصه ورود این کشورها به یک پروسه انقلابی می باشد؟

سمیر امین (۱): اینها شورشهای اجتماعی هستند که پتانسیل آن را دارند تا سبب تبلور اترناتیوهای کردند که احتمالاً در طولانی مدت به بخشی از جنبش سوسیالیستی تبدیل شوند. به همین دلیل است که سیستم سرمایه داری و سرمایه داری انحصاری جهانی قادر به تحمل تکامل چنین جنبشهایی نیست. آنها از همه ابزارهای ممکن، از فشار مالی و اقتصادی گرفته تا تهدید نظامی جهت بی ثبات کردن این جنبشها استفاده خواهند کرد. سیستم سرمایه داری جهانی از نیروهایی مانند نیروهای فاشیستی یا برقراری یک دیکتاتوری نظامی حمایت خواهد کرد.

در یک کلام، آنچه اوپاما می گوید را باور نکنید. اوپاما همان بوش است، ولی با زبانی متفاوت. یک ریاکاری ثابت در سخنان همه آنها وجود دارد. در حقیقت، دولت آمریکا در رابطه با مصر همیشه حامی دولت بود. قربانی کردن حسنی مبارک برای آنها سودآور بود ولی آنها هرگز از پلیس و ارتش قطع امید نخواهند کرد. آنها بخشیدن قدرت بیشتر به ارتش، از طریق پیوند آن با گروههای مذهبی را در نظر دارند. در واقع، آنچه دولت آمریکا برای مصر در نظر دارد، یک مدل پاکستانی است که یک مدل دموکراتیک نیست، بلکه ترکیبی از قدرت است که دیکتاتوری نظامی اسلامی نام دارد.

در هر صورت، در رابطه با مصر بخش عظیمی از نیروهای مردمی از اهداف نیروهایی که فعال شده اند، کاملاً آگاه هستند. مردم مصر از نظر سیاسی بسیار آگاهند. تاریخ مصر نشان می دهد که این کشور از ابتدای قرن نوزدهم تلاش کرد از تاریکی بیرون بیاید، اما این کوشش به دلیل ضعف و کمبودهای داخلی ولی به طور عمده تهاجم مکرر نیروهای خارجی شکست خورده است.

پرسش: این تغییرات فاحش عمدتاً برآیند بیکاری مردم، جوانان و تحصیل کرده هایی است که از شرایط خود رنج می بردند و قادر به یافتن شغل مناسب نبودند. شما این مساله را چگونه توضیح می دهید؟

سمیر امین: مصر تحت قدرت جمال عبدالناصر دارای یک سیستم اقتصادی و سیاسی بود که اگر چه قابل نقد است، اما پایدار بود. عبدالناصر بر صنعتی کردن ساختار اقتصادی جهت خارج

بیانیه سی امین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

پيامی نوید بخش برای مردم ایران و تمامی خلقهای تحت ستم در بردارد. رژیم آخوندی و شخص خامنه ای بارها نگرانی خود را از روند پیشرفت و پیروزی مردم لیبی ابراز کردند.

قیام دلیرانه مردم سوریه که به رغم کشتار سبعانه و آتش گشودن روز مره به روی تظاهر کنندگان، همچنان ادامه دارد، می تواند موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه را به کلی دگرگون کند. رژیم بشار اسد با سرکوب بیرحمانه و مانورهای تبلیغاتی به اصطلاح رفرمیستی می کوشد تا رژیم لرزان را از سقوط نجات دهد. کمکهای بی دریغ رژیم ایران و شخص خامنه ای و شرکت مستقیم نیروی سرکوبگر و توریستی قدس وابسته به سپاه پاسداران، تا کنون توانسته در اراده مردم دلیر سوریه برای سرنگونی دیکتاتوری سوریه خللی ایجاد کند. خامنه ای در یک موضع گیری ننگین و ارتجاعی، قیام مردم سوریه را وابسته به غرب اعلام کرد. واکنش مردم سوریه در قبال این موضع سخیف و مشارکت سپاه پاسداران در سرکوب قیام کنندگان، بسیار روشن و شفاف بود: آنها در شعارهای خود خامنه ای را مورد حمله قرار دادند و عکسهای او را به آتش کشیدند. خیزش مردم سوریه گرچه از حمایت لازم از سوی دولتهای بزرگ غربی برخوردار شده و غرب به ویژه آمریکا به رفرم در درون رژیم سوریه دل بستگی نشان می دهد و اگرچه قطعنامه تحریم حکومت سوریه بارها با کارشکنیهای روسیه و چین روبه رو شده است، اما تحت فشار جنبش مردم سوریه و افکار عمومی بین المللی، کشورهای بزرگ غربی مجبور به تصویب بعضی از تحریمها علیه سرکوبگران مردم سوریه و از جمله سرکردگان سپاه پاسداران و نیروی توریستی قدس شدند. این تحریمها و تحولات مربوط به لیبی که برای رژیم آخوندها به شدت تهدید کننده و هشداردهنده است خامنه ای را بر آن داشته تا با تمام قوا برای جلوگیری از سقوط رژیم سوریه تلاش کند.

۴- پس از پیروزی اولیه مردم تونس و مصر، خامنه ای طمع داشت که از پیروزیهای مردم تونس و مصر برای ولایت خود فرصت به وجود آورد، هم چنان که در جنگ اشغال گرانة عراق به وجود آورد. اما این طمع ردیالانه خیلی زود نقش بر آب گردید و رؤیای «انقلاب اسلامی» در خاورمیانه و شمال آفریقا به کابوس سقوط رژیم سوریه تبدیل شد. واکنشهای منفی و صریح نخبگان سیاسی و اجتماعی این کشورها به ادعاهای خامنه ای و حضور پر رنگ جوانان با گرایشهای گوناگون سیاسی-اجتماعی خامنه ای را به موضع تدافعی کشاند. اما از همه مهمتر، پاسخ مردم ایران به اراجیف خامنه ای بود. بقیه در صفحه ۱۴

آتش قیام را برافروخت و دیری نپایید که انقلاب یاسمن به پیروزی رسید و حکومت دیکتاتوری بن علی سرنگون شد. پس از آن، مردم دلیر مصر به پاخاستند و با قیامهای خود، که اکنون آن تحسن شبانه روزی در میدان آزادی بود، رژیم مبارک را سرنگون کردند. همزمان، مردم یمن علیه حاکمیت استبدادی و دیر پای خود قیام کردند پس از آن جنبش و قیام در پاره ای دیگر از کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه شروع شد که هنوز ادامه دارد. شروع انفجاری خشم فروخته و سرکوب شده مردم این کشورها جهان را در بهت و حیرت فروبرد. این قیامها تمامی تحولات سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا را به طور عمده و بلاواسطه، و تحولات سیاسی جهان را به طور غیرمستقیم، تحت تاثیر خود قرار داده اند.

۲- خصلت توده‌یی و حضور طیف گسترده و گوناگونی از گرایشهای سیاسی و اجتماعی در این خیزشها، عامل تعیین کننده جدیدی را وارد معادلات سیاسی کرده که سبب شده است با وجود انواع مطامع و مقاصد قدرتهای بزرگ و نیز ضعف و انحراف در رهبری این خیزشها، فرهنگ و ادبیات انقلاب و قیام بار دیگر در ابعاد کلان وارد مناسبات اجتماعی و سیاسی شود. طی دو دهه گذشته، مماشاتگران با دیکتاتورها با بهانه مخالفت با خشونت و در حقیقت تأیید خشونت و سرکوب از جانب مستبدان، هرگونه پرامد توده ای رادیکال را نفی و علیه آن لجن پراکنی و تبلیغات زهرآگین می کردند. اکنون این مردم خاورمیانه و شمال آفریقا هستند که با شعار «الشعب يريد اسقاط النظام» (مردم سرنگونی نظام را می خواهند)، تاریخ جدید این منطقه استبداد زده را با قیامهای پرشور خود می نویسند. سیاست مماشات با نظامهای استبدادی در منطقه خاورمیانه به طور جدی به چالش کشیده شده و صفحه جدیدی در روابط بین المللی گشوده می شود.

۳- قیام مردم لیبی در ناباوری جهانی، منجر به آزاد شدن بنغازی، دومین شهر بزرگ لیبی شد. نیروهای نظامی رژیم قذافی با درنده خوبی از زمین و هوا مردم بی دفاع این شهر را مورد حمله قرار دادند. مزدوران لباس شخصی قذافی که از سایر کشورهای آفریقایی برای سرکوب مردم لیبی اجیر شده بودند جنایتهای زیادی مرتکب شدند. شورای امنیت ملل متحد قطعنامه ۱۹۷۳ را برای ممنوع کردن پرواز هواپیماهای رژیم قذافی و حفاظت از شهروندان لیبی تصویب کرد. این قطعنامه که با استقبال نیروهای مخالف رژیم قذافی قرار گرفت، راه را برای دخالت نظامی علیه نیروهای معمر قذافی و تشکیل ارتش آزادیبخش ملی لیبی باز کرد. سرنگونی حکومت قذافی و پیروزی نبرد آزادیبخش مردم لیبی

درگذشته شورا طی یک سال گذشته؛ بانوی هنر ایران خانم مرضیه، هنرمند گرانقدر میهن منوچهر سخایی و «مجاهدین صدیق» مهدی افتخاری و رضا شیرمحمدی را گرامی می داریم.

ما به همه زنان و مردان ایران زمین از خوزستان تا خراسان، از کردستان تا بلوچستان و از آذربایجان و سواحل خزر تا تهران و اصفهان و شیراز و سواحل دریای عمان و خلیج فارس که برای برچیدن حاکمیت آخوندی به پا خاسته اند؛ به کارگران، مزدبگیران و معلمان محروم کشورمان که دلیرانه در برابر استبداد استبدادی می کنند؛ به جوانان و دانشجویان ایران که صدای حق طلبی مردم ایران را در جنبشهای خود بازتاب می دهند؛ به زنان ستم دیده، که در هر گوشه کشور در مقابل تهاجم وحشیانه مزدوران رژیم به حقوق انسانی خود مقاومت می کنند؛ به روشنفکران، هنرمندان و ورزشکاران که در همراهی با مردم به ننگ تسلیم در مقابل استبداد مذهبی تن نمی دهند؛ و به ایرانیان شریف پشتیبان مقاومت که خارج از کشور که صدای آزادیخواهی مردم ایران را باز تاب می دهند، درود می فرستیم.

شورای ملی مقاومت از تلاشهای شبانه روزی و بدون وقفه خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورا، برای جلب حمایت جهانی از مبارزه مردم ایران و حقوق رزمندگان اشرف، قدردانی می کند.

شورا از تلاشهای بی وقفه و کلا و حقوقدانان حامی مقاومت و از حمایتهای مداوم زنان و مردان آزادیخواه و نیروهای دموکراتیک و مدافع حقوق بشر در سراسر جهان، به ویژه مردم آزادیخواه و نیروهای ملی و دموکراتیک عراقی، سپاسگزاری می کند.

شورا به مردم دلیر خاورمیانه و شمال آفریقا که در بهار عربی، علیه نظامهای دیکتاتوری به پا خاسته اند درود می فرستد و همبستگی خود را با مبارزه مردم این کشورها برای آزادی، اعلام می کند.

در سال گذشته رویدادهای مهمی در ایران و در خاورمیانه و شمال آفریقا اتفاق افتاد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در سرنوشت رژیم ولایت فقیه و مقاومت سازمان یافته مردم ایران مؤثر بود. این رویدادها تضاد بین مردم و حکومت آخوندها را تشدید و به پیشرفت مبارزه مردم ایران کمک کرد. شورای ملی مقاومت ایران دیدگاههای خود پیرامون این تحولات را با هموطنان در میان می گذارد.

الف: بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا

۱- خود سوزی یک جوان تونسوی به نشانه اعتراض به فقر و بیکاری، در یکی از شهرهای کوچک این کشور،

سی سال از تأسیس شورای ملی مقاومت ایران در ۳۰ تیر ۱۳۶۰ می گذرد. شورا در آغاز سی و یکمین سالگرد حیات خود و در پنجاه و نهمین سالگرد قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در حمایت از دکتر محمد مصدق و در صد و پنجمین سالگرد انقلاب مشروطه، وظیفه خود می داند به همه زنان و مردانی که طی یک قرن گذشته در راه آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت به شهادت رسیده اند، ادای احترام کند.

شورای ملی مقاومت به ویژه یاد و خاطره ۳۶ ستاره پرفروغ اشرف را که در حمله جنتایتکارانه روز ۱۹ فروردین امسال به شهادت رسیدند، گرامی می دارد: مجاهدان دلیر سیدحسین احمدی، قاسم اعتمادی، احمد آقایی، حسن اوایی، جعفر بارجی، مهدی برزگر، مرتضی بهشتی، مرضیه پورنقی، ضیا پورنادر، سعید رضا پورهاشمی، محمدرضا پیرزادی، شهناز پهلوانی، حنیف کفایی، غلام تلغری، بهروز ثابت، سعید چاووشی، منصور حاجیان، مسعود حاجی لویی، زهیر ذاکری، فائزه رجبی، آسیه رخشانی، ناصر سپه پور، ورقا سلیمانی، علیرضا طاهرلو، مجید عبادیان، بهمن عتیقی، نسترن عظیمی، فریدون عینی، امیر مسعود فضل الهی، محمد قیومی، خلیل کعبی، فاطمه مسیح، مهدیه مدد زاده، علی اکبر مدد زاده، صبا هفت برداران و محمدرضا یزدان دوست که در پیکار برای آزادی و عدالت و دفاع از حقوق انسانی خود جان فدا کردند، پیام اوران راه آزادی و شرافت انسانی بودند.

دولت نوری المالکی، به نیابت از بیت خامنه ای، در این خیال خام بود که با حمله ددمنشانه نظامیان، که بنا به گواهی بسیاری از برجسته ترین حقوقدانان، جنایت اشکار علیه بشریت شمرده می شود، می تواند مجاهدان دلیر اشرف را نابود کند یا آنان را به تسلیم وادارد. حماسه سترگ روز ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ یک بار دیگر رؤیای ولی فقیه و مزدورانش را نقش بر آب کرد. هم چنان که حملات وحشیانه مزدوران خامنه ای در روزهای ۶ و ۷ مرداد ۱۳۸۸ به اشرف با شکست مفتضحانه مواجه شد، این بار نیز خامنه ای و ایادی حقیرش به یمن پایداری دلیرانه و مقاومت صبورانه زنان و مردان مجاهد شهر اشرف و حمایت گسترده جهانی از این استواری برحق و عادلانه، ناکام ماندند.

در آغاز سی و یکمین سال حیات شورا، به همه رزمندگانی که سال گذشته، در پایداری اشرف، در صحنه های قیام و در زندانهای رژیم، در راه مبارزه با استبداد دینی و برقراری دموکراسی و حاکمیت مردم ایران به خاک افتادند، درود می فرستیم و همبستگی خود را با زندانیان سیاسی و عقیدتی مقاوم در سایه جلالهای خامنه ای و با تمامی خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی، ابراز می داریم. هم چنین خاطره اعضای

بیانیه شورا

بقیه از صفحه ۱۳

مردم، در سلسله قیام‌های بهمن و اسفند ۱۳۸۹، با شعار «مبارک، بن علی، نوبت سیدعلی» به صراحت نظر خود را بیان کردند. در واکنش به قیام‌های دلبرانه زنان و مردان ایران زمین، خامنه ای سیاست فرار به جلو را برگزید و در روز دوشنبه اول فروردین امسال در سخنرانی خود در مشهد، گفت: «آمریکا و غرب... تلاش کردند آن چه در این کشورها اتفاق افتاد را در ایران اسلامی، ایران مردمسالاری و ایران ملت، پیاده کنند... در این ترفند، عوامل آنها در داخل کشور، افراد ضعیف و فرمایه و حقیقا دستخوش هواهای نفسانی که سعی کردند شاید بتوانند، اما معلوم بود حرکت شکست خورده و کاریکاتوری مضحک و بی نتیجه است و ملت ایران [بخوانید پاسداران و چماقداران لباس شخصی] بر دهان آنها کوبیدند».

بدیهی است که خامنه ای نمی تواند با فرار به جلو، بر این حقیقت که به شدت از پیشرفت بهار عربی هراسان است، سرپوش بگذارد.

ب: بحران عمیق در هرم قدرت، جنبشهای انفجاری در جامعه

۵- هر تحلیلی از روند تحولات سیاسی در جامعه و درون هرم قدرت، باید بر روند رشد و گسترش قیامها و جنبشهای دوساله گذشته متکی باشد. جنبشها و خیزشهای سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ همه نیروهای سیاسی و اجتماعی و کل حاکمیت را تحت تاثیر خود قرار داده است. سران رژیم به طور روزمره از خطر بروز «فتنه» و خطرات شدیدتر از آن که در پیش است، ابراز نگرانی می کنند و در حالی که در یک کام به جلو

مدعی مهار قیامها می شوند، در دو گام به عقب هشار می دهند که آتش فتنه زیر خاکستر است و هر بار امکان بروز آن وجود دارد. خامنه ای بهتر از هر کس دیگر می داند که تشدید تضاد جامعه با ولایت منزوی و منقرض همواره می تواند با بروز انفجاری جنبشهای توده ای، تخت سلطنت مطلقه اش را واژگون کند. ادعای خامنه ای در مورد مهار خیزشهای مردمی سال ۱۳۸۸، با قیامهای بهمن و اسفند ۱۳۸۹، که تمامی نتایج جنبشهای سال ۱۳۸۸ را بازسازی کردند، شکست خورد. خامنه ای فکر می کرد با سرکوب متمرکز و جلوگیری از شکل گیری هسته های اولیه قیام، و انجام ضد حمله ۹ دی ۱۳۸۸، در مقابل قیام روز عاشورا (۶ دی ۱۳۸۸)، می تواند از بروز خشم مردم جلوگیری کند. اگرچه حرکتی گوناگون کارگری و دانشجویی در فاصله بین ۶ دی ۱۳۸۸ تا ۲۵ بهمن ۱۳۸۹، به علت سرکوب شدید، به یک قیام توده ای بالغ نشدند، اما خیزشهای بهمن و اسفند ۱۳۸۹ با خصلت سرنوینی طلبانه کل رژیم و با شعار علیه ولایت فقیه، به ویژه شعار ساده اما پر محتوای «مبارک، بن علی، نوبت سید علی»، ادعای خامنه ای مبنی بر مهار قیامها را، که توسط مجیز گویند «مدیریت و تدبیر رهبری در مهار فتنه» توصیف می شد، باطل

کرد. واکنش مسخره نمایندگان مجلس رژیم در برهه انداختن تظاهرات در صحن مجلس و عربده کشی مزدگیران ولی فقیه در فیضیه قم، عمق و وسعت این قیامها و احساس خطر شدید رژیم را نمایان ساخت.

۶- خیزشهای بهمن و اسفند ۱۳۸۹ ضربه بی اساسی به نقشه ولی فقیه برای موج سواری روی بهار عربی زد و برای خامنه ای به جای فرصت، تهدید ایجاد کردند. این قیامها، تحت تاثیر انقلاب تونس و مصر، به خیزش علیه استبداد مذهبی در ایران تبدیل شدند و مردم ایران که خود پیشگام مبارزه علیه استبداد بودند، جای هیچگونه بهره برداری برای خامنه ای و ایادی یش باقی نگذاشتند. محتوا و شعارهای این قیامها که جهت اصلی شان علیه تمامیت نظام بود، بر جهتگیری کهنه و نخ نما شده «اجرای بی تنازل قانون اساسی جمهوری اسلامی» در ابعاد میلیونی مهر باطل شد زدند. بی دلیل نبود که موسوی و کروبی به سادگی و با سکوت در مقابل تعرض رژیم و بازداشت خانگی خود، راه تسلیم و تمکین در پیش گرفتند.

بهار عربی و قیامهای بهمن و اسفند ۱۳۸۹، این واقعیت را به وضوح نشان دادند. که دیکتاتورها اصلاح پذیر نیستند اکنون دیگر افسانه سربازی در مورد امکان اصلاح ولایت فقیه و تغییر از درون رژیم و، بنابراین شرکت در انتخابات نمایشی، نمی تواند هیچ کس را فریب دهد.

بازی مسخره انتخاباتی برای «مجلس نهم» فقط کشاکش و جنگ قدرت در محدوده باند غالب حاکمیت را بازتاب می کند. شورای ملی مقاومت این نمایش مسخره را - هم چون تمامی نمایشهای انتخاباتی پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰- تحریم می کند.

۷- قیامهای مردمی در سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ بحران در هرم قدرت را بیش از پیش شدت بخشیدند. خامنه ای در سخنرانی خود در روز دوشنبه اول فرودین ۱۳۹۰ در مشهد گفت: «سعی کنید این گلابه ها را در معرض افکار عمومی مطرح نکنید، چرا که این کار ضربه به اتحاد ملی است و من به مسئولان کشور به طور جد در این زمینه تذکر و هشدار می دهم».

در همان روز رفسنجانی بدون توجه به تذکر ولی فقیه، در یک مصاحبه گفت: «دشمنانی که حقیقا در کمین ما هستند، متاسفانه از کم و علیل آن آگاهی دارند. برایشان روشن است که اختلافات جدی شده و محدود به اصولگرایان و اصلاح طلبان نیست. متاسفانه شاخه های دیگر هم سربرآورده اند».

رفسنجانی در شرایطی از سربز آوردن «شاخه های دیگر» صحبت می کرد که با فشار مستقیم خامنه ای از ریاست مجلس خبرگان برکنار شده و جرمش، آن گونه که از عربده کشیهای ایادی خامنه ای در فیضیه قم استنباط می شد، فقدان «بصیرت» در برابر قیامهای مردم بوده است.

چندی بعد معلوم شد که شکاف در قسمت بالای هرم قدرت هم شکل گرفته و این بار گماشته ولی فقیه در مسند ریاست جمهوری، است که با

آگاهی به درهم شکسته شدن سلطه ولی فقیه؛ به حوزه اقتدار خامنه ای دست درازی می کند. خامنه ای که عزل خفت بار متکی را فروخورده بود در مقابل دست درازی احمدی نژاد به وزارت اطلاعات سرعیا واکنش نشان داد و فارغ از فرمایش قانونی رژیم، وزیر اطلاعات را شخصا در پست خود ابقا کرد. خانه نشینی ۱۱ روزه احمدی نژاد از ۳ تا ۱۴ اردیبهشت، نتوانست در عزم ولی فقیه برای حفظ حوزه های انحصاری قدرتش خللی ایجاد کند. در همین فاصله «مقام معظم رهبری» مجبور شد سه بار به مبنی برود و نسبت به رشد روزافزون تضاد در هرم قدرت هشدار دهد تا بتواند گماشته اش را به تسلیم وادارد.

خامنه ای در روز شنبه ۳ اردیبهشت در دیدار با تعدادی از ایادیش در استان فارس به باند های رژیم تاکید کرد که از «بگومگوها و تحلیل های پوچ بر ضد یکدیگر» پرهیز کنند و افزود: «نگذارید اختلاف و شکاف بوجود آید و آن چه را که دشمن در تبلیغات و خیانت های سیاسی خود می خواهد، رخ دهد». وی ضمن امتیاز دادن به احمدی نژاد تاکید کرد که «عضای دولت و شخص رئیس جمهور حقا و انصافا مشغول خدمت در کشور هستند... ملت و رهبری همواره از خط کار و خدمت حمایت می کنند و ملاک هم اشخاص نیستند بلکه ملاک اصلی خط کار و خدمت است».

ولی فقیه برای قدرتمندی در مقابل باندهای هوادارش گفت: «تا زمانی که من زنده هستم و مسئولیت دارم، نخواهم گذاشت حرکت عظیم ملت ایران به سوی آرمانها، ذره ای منحرف شود... نظام جمهوری اسلامی، دستگاه مقتدری است و رهبری هم محکم در مواضع صحیح خود ایستاده است». وی سپس به مساله برکناری وزیر اطلاعات پرداخت و گفت: «رهبری هیچ گاه بنای دخالت در تصمیمها و کارهای دولت را ندارد، مگر آنجا که احساس کند مصلحتی مورد غفلت قرار گرفته است... در قضیه اخیر هم که چندان مهم نیست، احساس شد از مصلحت بزرگی غفلت شده است».

خامنه ای یک روز بعد در دیدار وزیر کشور و فرماندهان نیروی انتظامی، گفت: «نباید از گفته ها و یا نوشته های ما برداشت اختلاف شود و اگر هم اختلاف نظری است نباید جلوی مردم اخم کرد و بهانه به دست رسانه های بیگانه داد... رسانه های مجازی نباید بگونه ای سخن بگویند و یا مطلبی منتشر کنند که افشای نبود آرامش و دو دستگی در کشور شود زیرا این موضوع، خلاف واقع است». او در همین سخنرانی از این که حرفهای روز گذشته اش به جای آرامش، موجب تشنج بیشتر شده ابراز نارضایتی کرد و گفت: «متاسفانه برخوردی که برخی روزنامه ها با این سخنان کردند، بجای القای آرامش در کشور، القای دوگانگی و دعوا می کرد... نباید به گونه ای صحبت و یا مطلبی نوشته شود که القای تنش و درگیری در جامعه باشد. زیرا این موضوع، خلاف شرایط کنونی کشور است».

یک هفته بعد، در روز شنبه ۱۰ اردیبهشت در حالی که احمدی نژاد به قهر و خانه نشینی اش ادامه می داد، خامنه ای در دیدار اعضای شورای عالی

استانها و شهرداران مراکز استانها ضمن ابراز «ناشادی» و «دل شکستگی» گفت: «مختصر ناهماهنگی که به وجود می آید، کشور صدمه می بیند. اگر ناهماهنگیها بزرگتر باشد، دشمن مطلع می شوند از آن، جنجال راه می اندازند، خوشحالی می کنند، پایکوبی می کند. دشمن وقتی بین ما یک فضای چالش یا درگیری بوجود می آید، باید پرهیز کنیم. یکی از ملاکهای که امام همیشه تکرار می کردند این بود که بینیم کدام رفتار ما دشمن را خوشحال می کند. هر رفتاری که دیدیم دشمن را خوشحال می کند، این را بدانیم که منفی است، بد است. آن چیز که دشمن را خوشحال می کند، دوست را ناشاد می کند، دل شکسته می کند؛ بایستی از آن پرهیز کرد».

خامنه ای سرانجام احمدی نژاد را مجبور به تمکین کرد، هر چند این تمکین از طرف گماشته اش به معنی تسلیم کامل نبود. این جدال رهبرگار که به گفته ایادی ولی فقیه از فتنه هم بدتر است همچنان ادامه دارد و گرد و خاک به پا کردن در مورد دستگیری زمالها و جن گیران نمی تواند این شکاف عمیق را که محصول قیام مردم ایران است، پنهان کند.

۸- واقعیت این است که برآمد احمدی نژاد محصول اتخاذ یک سیاست مشخص از جانب خامنه ای بود. خامنه ای با توجه به فرست بلعیدن عراق، سیاست یک پایه کردن کامل حاکمیتش را در دستور کار قرار داد و این سیاست را «ریل گذاری جدید» در کار نظام نامید.

با اتخاذ این سیاست که مرتضی نبوی آن را «گفتمان اصولگرایی سوم تیر» می نامد، سپاه پاسداران و باندهای امنیتی به سرعت حوزه های مربوط به مدیریت دولتی را اشغال کردند. در حوزه اقتصادی قرارگاه خاتم الانبیای سپاه پاسداران، به بزرگترین طرف قرارداد های پروژه های دولتی تبدیل شد که تا کنون بیش از ۱۵۰۰ پروژه مهم دولتی را در اختیار خود گرفته است.

در آخرین فراز از این پیشروی، روز چهارشنبه ۱۲ مرداد پاسدار رستم قاسمی، سرکرده این قرارگاه، پست وزارت نفت را تصاحب کرد. سپاه پاسداران که احمدی نژاد اخیرا آن را «برادران قاچاقچی خودمان» نامیده، در حوزه های مختلف سیاسی وارد سیستم دولت شده و در عرصه های اجتماعی همچون ورزش و امور فرهنگی قدرت اول محسوب می شود.

سید مرتضی نبوی مدیر مسئول روزنامه رسالت و عضو نهاد جدید «هیات عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه» در پاسخ به این سوال که «احمدی نژاد حاصل و نتیجه گفتمان سوم تیر است یا خالق آن؟» پاسخ می دهد: «در مجموع می شود قضاوت کرد که ایشان نتیجه گفتمان اصولگرایی است... البته در ایجاد این فضا بیشترین نقش را خود مقام معظم رهبری داشتند» (سایت آریا، دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۰).

بقیه در صفحه ۱۵

بیانیه ی شورای ملی مقاومت ایران

بقیه از صفحه ۱۴

طی ۶ سال ریاست جمهوری احمدی نژاد، ولی فقیه بدون اما و اگر از گماشته اش در مقابل سایر باندهای درون قدرت حمایت کرد. اما باند احمدی نژاد که به طور کامل مورد حمایت سرکردگان سپاه پاسداران و به خصوص شخص خامنه ای بود، نمی خواست در همان مقام گماشته وفادار سابق، نقش آفرینی کند. از این رو برای بدست آوردن کرسیهای بیشتر در مجلس ارتجاع آینده خیز برداشت. برای پیشبرد این سیاست لازم بود که وزارت اطلاعات به طور کامل در اختیار باند احمدی نژاد قرار گیرد و همین امر منجر به بروز شکاف و چالش عمیق بین ولی فقیه و گماشته اش شد. خامنه ای که با مهندسی انتخابات قلابی، احمدی نژاد را از اتاق «تجمع آرا» بیرون کشیده بود، اکنون در مقابل دو راهی تحمل این گماشته سرکش یا حذف او قرار گرفته است. او ترجیح می دهد که احمدی نژاد تا پایان دوره کنونی ریاست جمهوری بر سر کار بماند. به همین سبب، در مقابل دهن کجی تعدادی از نمایندگان مجلس که در هنگام بررسی صلاحیت وزیر ورزش، شعار «دو- دو» سر داده بودند، ابراز ناراضی کرد و این عمل را ردالت نمایندگان مجلس خواند. روح الله حسینیان در این مورد می گوید: «بعد از برخورد مجلس هیأت رئیسه به همراه رؤسای کمیسیونها به خدمت رهبری رسید. من رهبری را هیچ وقت به این ناراحتی ندیده بودم ایشان فرمودند: مجلس ردالت نشان داد».

این تحولات بحران درونی رژیم را تعمیق و به درون باند غالب حاکمیت منتقل کرده است. تلاشهای خامنه ای تاکنون نه تنها نتوانسته بحران را مهار کند، بلکه تلاشهای پنهان و توصیه های آشکار او عملاً با انکار جریان منتقدی رو به رو میشود که آخوندهای باند غالب به عنوان «جریان انحرافی» از آن یاد می کنند. به این ترتیب، بحران عمیق و شکاف مرگبار در رأس هرم قدرت، برای خامنه ای میدان مانور زیادی باقی نمی گذارد. این که ولی فقیه سرانجام کدام راه را برگزیند به عوامل گوناگون بستگی خواهد داشت. اما مسأله مهمتر در این میان این است که انتخاب هر کدام از این گزینه ها، به معنی به گِل نشستن سیاست یک دست کردن قدرت و در نتیجه، شکست این سیاست و بنابراین، متضمن تهدید سقوط است.

۹- شورای ملی مقاومت ایران در اجلاس میان دوره یی خود در مورد موقعیت رژیم و جدالهای درون آن به این جمع بندی رسید: «بحران حاد و بی علاج در رأس هرم حاکمیت که با مداخلات استعفاوی وزیر اطلاعات و انتصاب وای ازسوی خامنه ای و قهر و خانه نشینی احمدی نژاد سر باز کرد و هم چنان در حال گسترش است، تناقض ذاتی و ناسازگاری بنیادین رژیم ولایت

فقیه با هرگونه نهاد و حتی نمایش انتخاباتی را نشان می دهد و در عین حال بی اعتباری خامنه ای را به دنبال شقه های ناشی از تحمیل دور دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد و حذف نیمه کاره رفسنجانی، برجسته می کند. ولی فقیه رژیم با تحمیل یک ضرب احمدی نژاد در نمایش انتخابات سال ۸۸، نه تنها به یکپارگی و سلطه مطلق العنانی که مد نظر داشت نرسید، بلکه اکنون گماشته اش هم حاضر به تبعیت از او نیست. این بحران درونی و اوضاع انفجاری جامعه ایران از یک سو، و همگرایی بین المللی در تحریم رژیم، همراه با توفان قیامهای منطقه ازسوی دیگر، موقعیت رژیم را از هر بابت شکننده کرده است. مشارکت رژیم و سپاه پاسداران در سرکوب قیام مردم سوریه که به وضع تحریمهای مشخصی ازسوی دولت آمریکا و اتحادیه اروپا علیه فرماندهان سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس منجر شده، بیانگر شدت احساس خطر رژیم از تحولات جاری است و حداکثر آمادگی و هوشیاری سیاسی را از جنبش مقاومت طلب می کند» (اطلاعیه دبیرخانه شورا، اول تیر ۱۳۹۰)

۱۰- مدیریت امنیتی اقتصاد ایران توسط قوه مجریه رژیم که تحت فشار بحرانهای درونی و بیرونی است، رکود تورمی و فقر و بیکاری گسترده و عمیقی را بر جامعه ایران تحمیل می کند. رکود اقتصادی به حدی رسیده که، به گزارش اولیه صندوق بین المللی پول، نرخ رشد اقتصاد ایران به حدود صفر درصد تنزل کرده است. گرانی و نرخ تورم با چنان اهنگ شدیدی افزایش یافته که حتی وزیر اقتصاد رژیم از افزایش ۱۰ درصدی نرخ تورم طی سال گذشته سخن می گوید (ایلنا- ۲۳ مرداد ۹۰). احمد توکلی نماینده مجلس رژیم پیش بینی کرده است که نرخ تورم تا پایان سال جاری به ۴۰ درصد برسد.

کل درآمد ارزی ایران از محل فروش نفت از هنگام کشف نفت در ایران حدود ۹۵۰ میلیارد دلار بوده که بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار آن طی دوران شش ساله احمدی نژاد نصیب حاکمیت شده است. اما در همین دوران شش ساله و به خصوص طی یک سال گذشته، زندگی مردم ایران فاجعه بار شده است. به گواهی «سازمان شفافیت بین المللی» قوه مجریه رژیم ایران زیر سلطه سپاه پاسداران، به لحاظ مالی دردین فاسد ترین دولتهای جهان قرار دارد. با انتصاب پاسدار قاسمی، رئیس بخش پیمانکاری سپاه پاسداران (قرارگاه خاتم) به عنوان وزیر نفت، حلقه بهره برداری امنیتی از صنعت نفت و گاز و پتروشیمی ایران تنگتر شده است.

مهمترین تحول اقتصادی سال گذشته اجرای طرح حذف یارانه (موسوم به طرح هدفمند کردن یارانه ها) و «واقعی کردن» قیمتها بود. هرچند تا وقتی قیمت سقوط کرده ریال واقعی نشود صحبت در مورد واقعی کردن قیمت کالاها حامل انرژی بیهوده است، اما طی همین مدت، قیمتها سیر صعودی داشته و تمامی شاخصهای کلان اقتصادی طوری تغییر کرده اند که زندگی اکثریت مردم به تباهی کشیده

شده است. افزایش سرسام آور نقدینگی و به تبع آن افزایش نرخ تورم، ورشکستگی واحدهای تولیدی، سقوط رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و... همه حاکی از سقوط اقتصاد کشور است. سیاست حذف یارانه ها هرچند نیم نگاهی به رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دارد، اما در اساس به دنبال اهداف امنیتی و بالا بردن درآمد دولت و صرف آن در جهت تشدید سرکوب و صدور تروریسم است. با دادن اعانه به خانواده ها، می خواهند مانع شکلگیری جنبشهای اعتراضی شوند. دولت فاسد آخوندی مدعی است که از محل حذف یارانه ها، طی سال جاری حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان درآمد کسب می کند. بر عملکرد بخش عمده این درآمد طبق قانونی که ولی فقیه رژیم از آن حمایت کرد، حتی ارگانهای حکومتی از جمله مجلس رژیم حق نظارت و حسابرسی ندارند. ماهیت فئودالی و وسطایی رژیم، سلطه سپاه پاسداران بر اقتصاد کشور و وجود بنیادهای فرا دولتی، هیچ جایی برای فرم اقتصادی باقی نمی گذارد.

۱۱- خامنه ای هنوز به نقطه ای نرسیده که به شکست سیاست یک دست کردن اعتراف کند. او درصدد است تا با مهار احمدی نژاد جایگزین مناسب را، به نحوی که نه مستلزم بازگشت به گذشته باشد و نه نیازمند حذف احمدی نژاد تا دوسال آینده، سامان دهد. برای این منظور، دست به اقدامات زیر زده است:

* دستگیری بعضی از اطرافیان احمدی نژاد که مهمترینش دستگیری عباس امیری فر، دبیر کل «جامعه وعاظ ولایتی»، رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری، امام جماعت مسجد سلمان فارسی نهاد ریاست جمهوری و عضو شورای مرکزی جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی است. بر اساس بعضی از اخبار رسانه های مخالف احمدی نژاد، این فرد کاندیدای احمدی نژاد برای وزارت اطلاعات بوده است.

* کسب بیعت مجدد و کامل سرکردگان اصلی سپاه پاسداران * جدا کردن کامل باند فاشیستی امنیتی عماریون از احمدی نژاد

* ایجاد تشکل جدیدی تحت عنوان «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» متشکل از بریدگان از احمدی نژاد، برای پرکردن صندلیهای مجلس آینده از عناصری که در سر سپردگی شان به ولی فقیه جای شک و شبهه نباشد.

* جلوگیری از بهره برداری باند مغلوب نظام از زیر ضرب رفتن احمدی نژاد با زیر ضرب بردن «دولت سازندگی» (رفسنجانی) و «دولت اصلاحات» (خاتمی) و «جریان فتنه» (موسوی و کروبی).

* خنثی سازی رفسنجانی و تلاش برای هضم او در سرسپردگان ولایت خامنه ای از طریق مؤتلفه، البته بعد از حذف وی از ریاست خبرگان و به حاشیه راندن مجمع تشخیص مصلحت نظام،

* و سرانجام برگراری آخوند گوش به فرمان هاشمی شاهرودی رئیس قبیله قضائیه رژیم، در رأس «هیات عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه»، تا سایه و سپر مقام ولایت و نوعی قائم مقام بیان نشده رهبری باشد، هم

احمدی نژاد را از موقعیت مقام دوم نظام محروم کند و هم به رفسنجانی نشان بدهد که از کرسی ریاست مجمع تشخیص مصلحت، چیزی جز یک مقام تشریفاتی باقی نمانده است. این اقدامات ولی فقیه، در حالی که سیاست بی دنده و ترمز احمدی نژادی بدون افراد وفادار به احمدی نژاد ادامه دارد، نمی تواند بحران عمیق درون هرم قدرت را مهار کند. خامنه ای مجبور است بپذیرد که با فلج شدن سیاست یک دست کردن قدرت، و در حالی که راه بازگشت به رویش بسته شده و با تهدید سقوط روبه روست، تنها به سرکوب مطلق و صدور تروریسم عنان گسیخته می تواند روی آورد.

ج : پیروزیهای مقاومت و صعود راه حل سوم

۱۲- در اثر تکامل روند فشرده و همه جانبه رویارویی بین رژیم و مقاومت، قطب بندی سیاسی چنان آشکار، شفاف و قاطع شده که نه فقط دو طرف ستیز، که همه ناظران و تحلیلگران به آن اذعان دارند. به همانگونه که مقاومت سازمان یافته مردم ایران در سرنگونی رژیم ولایت فقیه عزم جزم دارد و طی سی سال گذشته آماده پرداخت هزینه این راه را بر فراز و نشیب بوده است، رژیم هم خود را در جنگی همه جانبه در عرصه های سیاسی، نظامی و دیپلماتیک علیه مقاومت می بیند. در رویارویی خامنه ای، از آن جا که خط مشی سیاسی شورای ملی مقاومت ایران باعث تعمیق و گسترش قیامها و مقاومت توده یی می شود و از آن جا که اشرف به مثابه کانون پایداری و نبرد می تواند چراغ راهنمای زنان و مردان آزادیخواه ایران باشد؛ اقدامات سرکوبگرانه باید هر چه بیشتر شدت پیدا کند. در مقابل، مقاومت ایران با مداخله موثر و هشیارانه در جنبشها و قیامهای مردمی و با افشای پیگیر سیاستهای تروریستی، سرکوبگرانه و ماجراجویانه رژیم در عرصه جهانی، قدرت مانور رژیم را محدود کرده و ممانعتگران را در تنگنا قرار داده است. در سال گذشته جنبش مقاومت در عرصه های مختلف روندی از پیشرفت و صعود پرشتاب و فشرده را طی کرده است.

۱۳- نیروهای سرکوبگر تحت امر ولی فقیه برای محدود کردن حوزه نفوذ جنبش مقاومت در قیامهای مردمی اقدام به دستگیریهای گسترده، شکنجه زندانیان مقاومت و یورشهای مکرر به خانواده های مجاهدان اشرف و خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی کردند. اعدام چنانچه کراته مجاهدان قهرمان علی صارمی، جعفر کاظمی و محمد علی حاج آقایی، اولین اعدامها به خاطر شرکت در قیام و سفر به اشرف بود؛ هرچند که این اعدامها به خاطر مقاومت دلیرانه این شهیدان نتیجه عکس داد و باعث گسترش فضای مقاومت و ایستادگی در جامعه شد و در سطح بین المللی نیز موج محکومیتها را علیه رژیم برانگیخت.

مقاومت ایران طی یک سال گذشته صدها اعلامیه روشنگرانه در مورد نقض حقوق بشر در ایران منتشر و برای

بقیه در صفحه ۱۶

بیانیه ی شورای ملی مقاومت ایران

بقیه از صفحه ۱۵

نهادهای مدافع حقوق بشر و مجامع جهانی ارسال کرد. افشاگرهای جهانی درباره اعدامها، شکنجه ها و زجر کش کردن قهرمانانی مانند محسن دگمه چی در زندان، در جلسات شورای حقوق بشر ملل متحد و مواضع عفو بین الملل و دیگر مجامع مدافع حقوق بشر، سرانجام به تعیین مجدد گزارشگر ویژه ملل متحد برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران منجر شد. این اقدام به رغم تمامی تلاشها و سرمایه گذاریهای رژیم، از جمله اعزام محمد جواد لاریجانی و هیاتهای همراهش به ژنو و نیویورک، شکست سنگینی برای رژیم ایران در قلمرو حقوق بشر بود. رژیم آخوندها در زمان کوتاهی که از تعیین گزارشگر ویژه می گذرد، چند بار اعلام کرده است که از ورود گزارشگر ویژه ملل متحد به ایران ممانعت می کند. این موضعگیریهای ننگین و ناگزیر، تمامی نقشه ها و مانورهای رژیم و مدافعان مماشات با رژیم را به رغم هزینه های کلانی که برایش کرده اند، نقش بر آب می کند.

۱۴- مهمترین دستاورد مقاومت ایران در کارزار حقوقی- سیاسی، صدور قرار منع تعقیب و لغو اتهام تروریستی در پرونده ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ بود. دادگستری فرانسه و قضات تحقیق ضد تروریسم، پس از ۸ سال و پس از بررسی انبوه مدارک و اسنادی که در حمله ۱۷ ژوئن با خود برده یا پس از آن گرد آوری و پرونده سازی کرده بودند، سر انجام قرار رسمی منع تعقیب رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران و ۲۳ تن از مسئولان، اعضا و هواداران مقاومت به اتهام تروریسم و تأمین مالی تروریسم را صادر کردند. به این ترتیب، پرونده ۱۷ ژوئن که از ۱۰ سال پیش در زمان آخوند خاتمی، به عنوان مشوق اصلاحات در رژیم اصلاحناپذیر ولایت فقیه، بر اساس زدن برچسب تروریستی به جنبش مقاومت گشوده شده بود، از بابت اتهام تروریستی به طور رسمی خاتمه یافت.

فرازی از این، در حکم صادره، مفهوم تروریسم از مقاومت مشروع و جنگ توسط یک ارتش آزادیبخش تفکیک شده و قاضی تصریح کرده است که نمیتواند «مخالفان رژیم ایران را تروریست توصیف کند» و بگوید «آنها در هیچ شرایطی نمیتوانند از حق خود برای مقاومت علیه ستم استفاده کنند». حقوقدانان و وکلای برجسته فرانسوی با استقبال از صدور قرار منع تعقیب توسط قاضی تحقیق، یادآوری کردند که از یک دهه پیش اعلام کرده بودند که این پرونده سازی علیه جنبش مشروع مقاومت ایران از ابتدا با انگیزه سیاسی و به خاطر استمالت و معامله با استبداد مذهبی حاکم بر ایران، تشکیل شده است. طی ۸ سال گذشته اندک اندک به اثبات رسید که صدها هزار برگ دعاوی و اتهامات دروغین، چیزی جز

ابطال وزارت پدنام اطلاعات و مزدوران برون مرزی آن در همکاری مستقیم وزارت اطلاعات آخوندها با سرویسهای پشتیبان نبوده است. صدور قرار منع تعقیب به مثابه سوختن و بر باد رفتن یک دهه سرمایه گذاری، پرونده سازی، شیطان سازی، انتشار اطلاعات کمره کننده و لجن پراکنی رژیم ولایت فقیه و مزدوران و شاهدانش علیه مقاومت ایران و سبیلهای آن است.

خانم مریم رجوی صدور این قرار منع تعقیب را «با بزرگداشت خاطره شهیدان والامقام صدیقیه مجاوری و ندا حسینی و دیگر قهرمانان مقاومت که تمامی هستی خود را برای اثبات حقیقت نثار کردند، به مردم ایران و مجاهدان آزادی ستان به ویژه در اشرف اشغال شده و خون افشان» تبریک گفت. شورای ملی مقاومت از همه هموطنان و یاران مقاومت ایران در سراسر جهان به ویژه از حقوقدانان و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی و مذهبی در این زمینه و دیگر کشورهای جهان که در این کارزار ده ساله در کنار مردم و مقاومت ایران ایستادند و سرانجام حقانیت و مشروعیت مقاومت در برابر ستمگری را در انتظار جهانیان به کرسی نشاندند، ستایش و قدردانی می کند. این حکم برآستی یک هدیه بزرگ از سوی مقاومت ایران و رئیس جمهور برگزیده آن به رزمندگان آزادی دردنیای معاصر است. خون شهیدان و یک دهه کارزار بی وقفه اعضا و هواداران کرامت، پستوانه این پیروزی بیاد ماندنی است.

د: حمله جنایتکارانه ۱۹ فروردین و راه حل صلح آمیز و دائمی برای اشرف

۱۵- حمله جنایتکارانه نیروهای تحت امر مالکی به شهر اشرف در روز ۱۹ فروردین امسال، واکنش وحشیانه خامنه ای در برابر پیشرفتهای مقاومت و نیاز او به از میان برداشتن نیروی اصلی مخالف رژیم بود. این حمله براساس تمامی معیارهای حقوقی یک جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت علیه جامعه بین المللی شمرده می شود. حکم دادگاه اسپانیا، نظریه های ارائه شده توسط استادان حقوق بین الملل و قلعنانه دوحزبی نمایندگان کنگره آمریکا مؤید این حقیقت است.

طبق سندی که توسط شورای ملی مقاومت منتشر شد، این حمله نظامی، طرحی برای نابودی کامل سازمان یافته ترین و مقتدر ترین نیروی مخالف رژیم بود. ابعاد نیروی مهاجم و شدت وحشیگری در این حمله و شلیک مستقیم به افراد بی دفاع و غیرمسلح، نشان دهنده هدف این تهاجم بود: نابودی کامل اشرف، که سیاست راهبردی خامنه ای برای مهار بحران داخلی و پیشروی بیشتر در عراق و بلعیدن این کشور است. ولی فقیه ارتجاع این سیاست را لازمه حفظ نظام میداند؛ از همین رو پایداری در اشرف نیز بخش تجزیه ناپذیر نبرد برای سرنگونی این رژیم است. خامنه ای حمله به اشرف و نابودی آن را شرط حمایت از مالکی در وضعیت بحران سیاسی عراق تعیین کرده بود، ولی مقاومت حماسی مجاهدان شهر

اشرف و جانبازی شهیدانش منجر به توقف این حمله شد. پایداری زنان و مردان دلیر در برابر حملات جنایتکارانه وحوش تا دندان مسلح نوری مالکی و مزدوران نیروی تروریستی قدس و مقاومت در مقابل محاصره ضد انسانی و شکنجه روانی، موج بسیار نیرومندی از حمایتهای سیاسی و حقوقی را برانگیخت و منجر به انزوای سیاسی رژیم و عامل دست نشانده اش در عراق شد.

خانم مریم رجوی در گردهمایی بزرگ روز ۲۸ خرداد امسال در پاریس در مورد این حمله گفت: «حمله ۱۹ فروردین به اشرف، واکنش رژیم برای مهار نیروی سرکش آزادی در جامعه ایران مخصوصاً بعد از شعله ور شدن دوباره آتش قیامها از زیر خاکستر خیانت بود... می خواستند اشرف را منهدم کنند، اما اشرف در تمام جهان به عنوان نبرد شعله ور مردم ایران برای آزادی شناخته شد. می خواستند خاموشش کنند، اما آتشی در جان میلیونها ایرانی افروخت که هرگز خاموشی نخواهد پذیرفت... جامعه جهانی به ویژه ملل متحد و آمریکا، در قبال حفاظت و امنیت ساکنان اشرف مسئولند. به آنها می گویم: مجاز نیستید به بهانه احترام به حق حاکمیت عراق در قبال جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی بی عملی پیشه کنید. این نقض آشکار تعهدات بین المللی است... بلبه حمله به اشرف، ربطی به حاکمیت ملی عراق ندارد. این کشتار در بیت خامنه ای طراحی شد، برای دفاع از ولایت فقیه بود...»

۱۶- پس از حمله جنایتکارانه ۱۹ فروردین، راه حل پارلمان اروپا برای رفع وضع بحرانی اشرف در مقابل راه حل خامنه ای مبتنی بر نابودی اشرف یا به تسلیم کشاندن کامل زنان و مردان مجاهد، قرار گرفت. این راه حل که توسط هیات اعزامی پارلمان اروپا به عراق، و گروه رابطه با عراق ارائه شد، در کمیسیون خارجی به تصویب رسید و حمایت تمامیت پارلمان اروپا را بدست آورد.

این راه حل، بعنوان یک راه حل صلح آمیز و دائمی، بصورت یک طرح مشخص در ۱۹ اردیبهشت از سوی استرون استیونسون رئیس گروه رابطه با عراق، برای رئیس جمهور، وزیران خارجه و دفاع آمریکا، رؤسا و وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، رهبران کشورهای عربی، دولت عراق و دبیرکل و مقامات ملل متحد ارسال گردید.

در روز ۲۰ اردیبهشت، هیات رسمی اعزامی پارلمان اروپا به عراق، در یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر پارلمان اروپا در استراسبورگ، طرح خود برای اشرف را اعلام کرد.

در این طرح، در عین برسمیت شناختن حقوق ساکنان اشرف طبق قوانین و کنوانسیونهای بین المللی، انتقال آنان به کشورهای ثالث پیشنهاد شده است.

همچنانکه دکتر الخو ویدال کوادراس و خوزه سالفرانکا دو تن از نایب رئیس پارلمان اروپا و همچنین گابریل البرتینی رئیس کمیسیون خارجی و استرون استیونسون رئیس گروه رابطه با عراق متعاقباً در یک نامه مشترک به خانم اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا و نایب رئیس کمیسیون اروپا در ۲۵ تیر

نوشتند: «پذیرش این طرح از سوی ساکنان اشرف، پس از دیدار ۵ ساعته رئیس هیأت رابطه با عراق با خانم رجوی رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران، و کسب موافقت او، به ان اعتبار واقعی و عملی داده است.»

مسئولان بلندپایه پارلمان اروپا در نامه خود خاطر نشان کردند «علاوه بر کشورهای اروپایی، این طرح حمایت گسترده ای در عراق و در کشورهای عربی از جمله در مصر و کویت و اردن کسب کرده است. اما رژیم ایران که نمیخواهد ساکنان اشرف جان سالم بدر ببرند، به وزارت اطلاعات، نیروی قدس، سفارت رژیم در بغداد و دست نشاندهانش در عراق ماموریت داده تا با این طرح مقابله کنند و آنرا به شکست بکشاند و به دولت عراق ابلاغ کرده است با هر طرحی که تحت کنترل کامل دولت عراق نباشد مخالف است.»

آنها در نامه خود همچنین هشدار دادند: «یک راه دیگر برای خنثی کردن راه حل اروپا راه حلی است که برخی طرفها از جمله دولت عراق و برخی محافظ در آمریکا مطرح کرده و خواستار انتقال ساکنان اشرف به نقطه دیگری در عراق می باشند. بنا به ارزیابیهای دقیق، این راه حل غیر منطقی، غیر عملی و بغایت خطرناک است و زمینه ساز یک کشتار بزرگتر خواهد بود. جابه جایی در عراق شانس انتقال به کشور ثالث، یعنی طرح اروپا را از بین می برد و آینده اشرف را برای مدتها در ابهام فرو می برد.»

شورای ملی مقاومت از تلاشهای خانم مریم رجوی در مذاکرات طولانی با رئیس گروه رابطه با عراق در پارلمان اروپا- که به توصیه نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد آقای اد ملرکتر درباره این طرح با خانم رجوی در پاریس گفتگو کرد- و از رویکرد مسؤانه نمایندگان اشرف در قبال طرح اروپا قدردانی نمود و تأکید کرد که این امر مسؤلیت دولت آمریکا و ملل متحد را در خصوص تأمین حفاظت اشرف در مرحله انتقالی مضاعف می کند.

شورا همچنین طرح شکست خورده «کمی دورتر، کمی امن تر» برای جابجایی ساکنان اشرف در داخل عراق را قویا مردود شناخت و آن را طرح فرستادن مجاهدین به زیر تیغ جلادان با جعل کلمه «امن» دانست.

۱۷- شورای ملی مقاومت در تلاش خود برای انجام تحقیق بین المللی، عدالت و اعاده کامل حقوق ساکنان اشرف از پای نمی نشیند. ما کارزار حفاظت از اشرف را بخش جدایی ناپذیر کارزار مقاومت و قیام برای آزادی ایران از چنگال رژیم استبداد مذهبی حاکم بر ایران می دانیم که بالفعل موجب بالاترین اثرگذاری دراعتلای مقاومت و قیام در داخل کشور بوده است.

این کارزار طی یکسال گذشته در تمامی عرصه های حقوقی، سیاسی و بین المللی ادامه داشت و برخی از دستاوردهای مهم آن به قرار زیر است: * صدور حکم دادگاه اسپانیا علیه مالکی، نخست وزیر عراق و احضار سه

بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

بقیه از صفحه ۱۶

جنایتکار دیگر از فرماندهان حمله به اشرف در ۱۹ فروردین، از جمله فرمانده نیروی زمینی عراق، و احکام دیگر این دادگاه در مورد فراخواندن دست اندرکاران جنایت علیه بشریت در اشرف در ۷ مرداد ۱۳۸۸، به پیشگاه عدالت.

* بیانیه های بیش از ۴۰۰۰ نماینده پارلمان از ۴۱ کشور در ۵ قاره، از جمله بیانیه های اکثریت ۳۰ مجلس قانونگذاری، شامل پارلمان اتحادیه اروپا و مجمع پارلمانی شورای اروپا، و بیانیه های شهرداران منتخب ۷۱۰۰ شهر در فرانسه، ایتالیا و بلژیک،

* نزدیک به ۶۰ نهاد جهانی مدافع حقوق بشر در اعتراض به نقض حقوق انسانی ساکنان اشرف موضعگیری کرده‌اند.

* جلسات رسمی استماع در کنگره آمریکا، درستی آمریکا و هم چنین در پارلمانهای کشورهای اروپایی، و در پارلمان اروپا. در استماع کمسیون خارجی پارلمان اروپا با حضور اد ملکرت نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد در عراق، نمایندگان موضوع نصب بلندگوها توسط عوامل رژیم آخوندی با همکاری نیروهای عراقی را به چالش کشیدند و نماینده دبیرکل بر ابراز مخالفت مکرر خود در این باره تاکید کرد.

* کنفرانسهای متعدد بین المللی با شرکت و سخنرانی برجسته ترین حقوقدانان و پارلمانتورها از کشورهای مختلف جهان
* تاکید وزیر خارجه آمریکا در جلسه استماع کنگره، بر لزوم اقدام برای حفاظت از اشرف.

۱۸- موقعیت حقوقی مجاهدان اشرف که در ژوئیه ۲۰۰۴ از سوی ایالات متحده آمریکا به عنوان نیروی اشغالگر عراق و از سوی کمیته بین المللی صلیب سرخ به عنوان افراد حفاظت شده طبق کنوانسیون چهارم ژنو به رسمیت شناخته شده است، به رغم تلاشهای دیکتاتوری آخوندی و دست نشاندگانش در عراق برای نادیده گرفتن آن، در ۲۲ نظریه حقوقی از سوی استادان و متخصصان جهانی حقوق بین الملل و هم چنین مشاوران عالیترتبه ملل متحد تئوریزه، فرموله و روشن شده است.

از جمله، پروفیسور گودوین جیل، یکی از متخصصان نامدار حقوق پناهندگی در سطح بین المللی، که سالها مشاور عالیترتبه حقوقی کمیساریای عالی پناهندگان بوده است، اخیراً نظریه مسوطی پیرامون موقعیت پناهندگی ساکنان اشرف از منظر قانون بین الملل در چارچوب وظایف کمیساریای عالی پناهندگان ارائه داد. و خواستار تأیید دوباره موقعیت پناهندگی ساکنان اشرف و حق آنها برای برخورداری از حفاظت

روز شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۰ (اجتماع ۱۸ ژوئن) در پاریس برگزار شد، حفظ برچسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران از سوی وزارت خارجه آمریکا به رغم احکام قضایی صادره را یک اقدام غیر قانونی و مشارکت در سرکوب مردم و مقاومت ایران توصیف کردند و از دولت آمریکا اجرای دستور دادگاه را خواستار شدند.

خانم رجوی در سخنان خود در این گردهمایی گفت: «ایالات متحده در این بستن راه تغییر در ایران مسئولیت دارد. زیرا نیروی اصلی تغییر در ایران را با یک برچسب واهی به بند کشیده است. توجه به حکم دادگاه و به فراخوان نمایندگان کنگره و شخصیتها و صاحب نظران بلندپایه آمریکا که خواهان لغو برچسب تروریسم و به رسمیت شناختن مقاومت ایران هستند، بیش از هر زمان ضروری است. ما ایالات متحده را فرا می خوانیم که به این نام گذاری رسوا خاتمه بدهد و سیاستی را که تا امروز مانع آزادی مردم ایران بوده، تغییر دهد. اکنون نوبت گشودن پرونده جنایتهای رژیم ضدبشری آخوندی است این پرونده باید در شورای امنیت بازگشوده شود تا مردم ایران ببینند که در سطح بین المللی چه کسی با آنها و چه کسی با ملاحاست؟! این پرونده باید از طریق شورای امنیت به دیوان کیفری لاهه ارجاع شود. مردم ایران می خواهند حکم جلب خامنه ای صادر و به اجرا گذاشته شود و چنین خواهد شد.»

هم میهنان عزیز، در شرایط پرتلاطم و پرشتاب تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا، و در شرایطی که نبرد سهمگین و سرنوشت ساز مردم ایران برای آزادی و دموکراسی ادامه دارد، شورای ملی مقاومت در آغاز سی و یکمین سال حیات خود، در ستیز با رژیم ولایت فقیه برای به زیر کشیدن حاکمیت استبدادی-مذهبی و برای استقرار آزادی و حاکمیت ملی با مردم ایران تجدید پیمان می کند. شورای ملی مقاومت ایران در ۳۰ سال گذشته با شما و در کنار شما و در پیکارهای بی امان شما در هر کوی و برزن و در هر کارخانه و مدرسه و دانشگاه ایستاده است. هیچ نیرویی نمی تواند ما و ملت ما را از این مبارزه دورانسان باز دارد.

همچنانکه آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت گفته است: «هر که با دیکتاتوری دینی و ولایت فقیه نیست و هر کس به رأی مردم و حاکمیت جمهور مردم پایبند است، با ماست.»

مردم و مقاومت ایران پیروز می شوند.

شورای ملی مقاومت ایران

مرداد ۱۳۹۰

حقوقی از جانب کمیساریای عالی پناهندگان برای بازشناسی استاتوی پناهندگی و موقعیت پناهندگی جمعی همه ساکنان اشرف بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۲ باشد.»

ه: کارزار لغو برچسب وزارت خارجه آمریکا و ترس و

سراسیمگی رژیم

۱۹- نتایج درخشان و دستاوردهای کارزار حقوقی - سیاسی مقاومت ایران در دفاع از حقوق مجاهدان اشرف و در زمینه درهم شکستن و مفتضح کردن بزرگترین توطئه رژیم ولایت فقیه یعنی زدن برچسب تروریستی به مقاومت مشروع مردم ایران، همواره واکنشهای هیستریک رژیم را در پی داشته است. در این میان بسیج جنون آمیز رژیم و بخشی از «پوزبسیون» خانگی و خانه نشین شده اش در هراس از احتمال لغو برچسب وزارت خارجه آمریکا، از جهات مختلف استثنایی و تماشایی است. آن چه از خودکارهای سیاه و سبز خامنه ای در داخل و خارج کشور در این زمینه تراوش می کند، کلکسیون همان مهملاستی است که ساخته وزارت اطلاعات است و بهتر از هر مدرک و سندی، آشخور مشترک آنها را افشا می کند. در بازار مکاره، اقدامات پیشگیرانه از خروج نام مجاهدین از لیست، همه دلان ثابت و پادوهای دوره گرد "نظام مقدس" به خط شده اند تا هر رطب و یابسی را در حمله به مجاهدین و جنبش مقاومت عرضه کنند؛ هم اتهام مارکسیستی؛ هم ادعای سکت افراطی مذهبی؛ هم منافق و بدتر از کافر و بخشی از ارتش صدام برای کشتار کردها و شیعیان؛ هم سرسپردگی به آمریکا و اسرائیل و سعودی؛ هم نیروی مرده بی که اصلاً حرفش را هم نباید زد چون زنده می شود، هم نیروی ساختار شکن مهیبی که اگر از لیست خارج شود تمام تلاشهای «کنشگران بی خشونت» برای حفظ ساختار نظام مقدس را خنثی می کند. آخرین اثر این کارگاه اشتراکی پوزبسیون - آپوزبسیونی تولید عریضه همان سی و هفت نفری است که انگار هیچ وجه اشتراکی با هم ندارند، الا کینه مشترک شتری نسبت به مجاهدین. اما همه این تلاشهای گوناگون و در عین حال متحدالجهت، حاصلی جز روشن کردن دو نکته نمی تواند داشته باشد: یکی اثبات بی اعتباری لیست کذایی که در زیر ضرب احکام دادگاهها و انتقادات سیاسی دولتمردان و نمایندگان کنگره آمریکا از هر دو حزب قرار گرفته است. دیگری، رعشه و لرزه در رژیم ولایت فقیه، که دار و دسته های غالب و مغلوب وطنی و دست نشاندگان عراقیش به بسته های مشوق سیاست مماشات معتاد شده اند و برای ادامه جنایات خود به این برچسب نیاز حیاتی دارند.

۲۰- شرکت کنندگان در بزرگترین گردهمایی ایرانیان در خارج کشور که

بین المللی و حضور کمیساریا در اشرف گردیده است تا کارایی مفید آژانسهای سازمان ملل تأمین شود.

همچنین باید از اظهارات پروفیسور ژان زیگلر، نایب رئیس کمیته مشورتی شورای حقوق بشر ملل متحد یاد کرد که در کنفرانس بین المللی حقوقدانان در مقر اروپایی ملل متحد در ژنو با حضور رئیس جمهور برگزیده مقاومت اشرف را روز ۲۰ مرداد گفت: «ملاها خطر اشرف را خوب درک کرده اند. لذا پدری را صرفاً به خاطر اینکه از فرزندش در اشرف دیدن کرده اعدام می کنند، زیرا کوچکترین تماس جامعه ایران با اشرف، کل ساختمان تروریستی ملاها را زیر سوال میکشد. ولی ما اینجا هستیم تا یک همبستگی بین المللی و نهادینه با اشرف ایجاد کنیم. وضعیت اشرف از نظر حقوق بین الملل بسیار روشن است. دو قطعهنامه شورای امنیت یعنی قطعهنامه های ۹۶ و ۹۸ در این رابطه وجود دارند در دومین قطعهنامه گفته شده است: "وقتی یک جمعیت در معرض عواقب یک جنگ یا شورش قرار داشته باشد یا وقتی دولت قادر به خاتمه دادن به رنج و مشکلات یک جمعیت نباشد یا نتواند از آنها پیشگیری کند، مسئولیت بین المللی حفاظت بر اصل عدم مداخله اولویت پیدا می کند."

در حقوق بین الملل، این موضوع خیلی روشن است. اشرف جایی است که این مسئولیت باید در آن اجرا شود... کمیته مشورتی و همچنین شورای حقوق بشر تصدیق می کنند که قطعهنامه های شورای امنیت قانون بین المللی محسوب می شوند. بنابراین، مسئولیت (حفاظت اشرف) بر عهده جامعه بین المللی است. ما اینجا گرد هم آمده ایم تا بقای اشرف را تضمین کنیم. تا بتواند به درخشش خود ادامه دهد، نه اینکه در خفا باشد، بلکه بتواند نور ساطع کند و شهادت بدهد. این شهادت اکنون بسیار مهمتر از یک سال پیش است و علت آن انقلابهای عربی است. چرا؟ زیرا ما با مقاومت مسلمان، با زنان و مردانی با ایمان عمیق روبرو هستیم که به قیمت جانشان تجلی گر ارزشهای جهانشمول دموکراسی، آزادی و خودمختاری هستند. اگر اشرف باقی نماند، باید گفت که این هم به طور مثال برای انقلاب عرب، برای انقلابیون عرب که در جستجوی مرجع و الگو هستند، به مثابه یک فاجعه خواهد بود. من این را میگویم چون از یک ماموریت برای شورای حقوق بشر ملل متحد در آفریقای شمالی بازگشته ام و واضح است که از مصر تا کوه های نافو در لیبی شرقی و تا تونس، همه این جوانان در جستجوی مرجع و الگو هستند.

برای اینکه اشرف باقی بماند، دو کار باید فوراً انجام شود. از یک طرف حضور فیزیکی ملل متحد در اشرف، نه بازدیدهای نوبه ای یونامی که اکنون هست، بلکه یک حضور دائمی ناظران در داخل شهر اشرف با پرچم ملل متحد. کار دیگر، بایستی یک تصمیم

از فعالان محیط زیست آذربایجان در دفاع از دریاچه ارومیه حمایت کنیم

جعفر پویه



عوض پور، یکی از فعالان آذربایجان در محله قم تپه تبریز، بیش از ۳۰ نفر را بازداشت کرده با خود برده اند. بنابر همین گزارش، نیروهای بی شرم وزارت اطلاعات رژیم ولایت فقیه همراه با تفتیش منزل و ضبط بعضی از وسایل شخصی آقای عوض پور، اقدام به ضرب و شتم مادر و پدر ایشان و دیگر اعضا خانواده کرده و آنان را نیز بازداشت می کنند.

همزمان از شهر ارومیه خبر می رسد اداره اطلاعات این شهر با احضار ۲۰ تن از فعالان مدنی به اداره اطلاعات و تماس با بسیاری دیگر از این فعالان، اقدام به تهدید ایشان کرده است. طبق خبرها، سیستم پیام کوتاه استانهای شمال غرب نیز دچار مشکل شده و در صورت وجود کلمه "اورمو گولو" (دریاچه ارومیه)، پیامها به مقصد نمی رسد.

بنابر گزارشات، جو شهرهای آذربایجان ملتهب می باشد و فراخوان فعالان آذربایجان به مردم برای برگزاری تجمعهای اعتراضی علیه سیاستهای رژیم در نابودی محیط زیست و بی توجهی به وضعیت دریاچه ارومیه، دست به دست می شود. اعتراض به سیاستهای تخریب گرانه و نابودساز محیط زیست بخشی از حقوق اولیه فعالان محیط زیست و مردمی است که آن را مضر برای خود و سرزمین و آینده خود می دانند. رژیم جنایتکار ولایت فقیه سعی می کند با دستگیری فعالان آذربایجانی و خفه کردن صدای آنان، به سیاست تخریب و نابودی محیط زیست خود ادامه دهد. دفاع از حق حیات، نشاط و سرسبزی کشور، جلوگیری از صدمه زدن به اکوسیستم منطقه با خشکاندن دریاچه و نابودی بخشی از پوشش گیاهی و مرگ یا کوچاندن حیوانات منطقه، وظیفه تک تک شهروندان و ملت ایران است.

به کمک فعالان محیط زیست و مدنی آذربایجانی بشتابیم. از خواسته آنان که جلوگیری از مرگ و خشک شدن دریاچه ارومیه است، حمایت کنیم و علیه سیاست تخریبگرانه محیط زیست رژیم به اعتراض برخیزیم.

اثر این فاجعه زیست محیطی منهای اینکه زیستگاه بسیاری از جانوران با خشک شدن دریاچه ارومیه از بین می رود، نمکزار باقیمانده از این دریاچه می تواند یکی از بلایای بزرگ برای مناطق همجوار باشد. همزمان با این مشکل، بسیاری از ساکنان شهرکها و دهکده های همجوار این دریاچه مجبور به کوچ اجباری شده و برای یافتن زیستگاهی مناسب روانه شهرها و استانهای دیگر کشور شده اند. تلاش فعالان محیط زیست و دلسوزان برای جلوگیری از خشک شدن کامل این دریاچه تاکنون به جایی نرسیده و در رژیم ولایت فقیه هیچ گوشی، شنوای فریادهای مردم نیست. طرح ابرسانی برای نجات این دریاچه جهت جلوگیری از یک فاجعه زیست محیطی توسط مجلس نشینان آخوندی رد شده و آنها به مردم توصیه می کنند تا جلای شهر و دیار خود کنند. این اشخاص به هیچ وجه توجهی به فاجعه در حال وقوع ندارند و هزینه کردن سرمایه مردم ایران برای صدور تروریسم را واجب تر از جلوگیری این فاجعه می دانند. به همین دلیل فعالان مدنی آذربایجان خواهان اعتراض مردم به رد طرح نجات دریاچه ارومیه توسط مجلس آخوندی شده اند و بدین منظور برای روزهای پنجشنبه ۳ شهریور در استادیوم سهند تبریز همزمان با بازی فوتبال تراکتور سازی و شهرداری و همچنین شنبه ۵ شهریور، در شهرهای ارومیه و تبریز فراخوان داده اند.

در این فاجعه زیست محیطی اثر این فاجعه زیست محیطی منهای اینکه زیستگاه بسیاری از جانوران با خشک شدن دریاچه ارومیه از بین می رود، نمکزار باقیمانده از این دریاچه می تواند یکی از بلایای بزرگ برای مناطق همجوار باشد. همزمان با این مشکل، بسیاری از ساکنان شهرکها و دهکده های همجوار این دریاچه مجبور به کوچ اجباری شده و برای یافتن زیستگاهی مناسب روانه شهرها و استانهای دیگر کشور شده اند. تلاش فعالان محیط زیست و دلسوزان برای جلوگیری از خشک شدن کامل این دریاچه تاکنون به جایی نرسیده و در رژیم ولایت فقیه هیچ گوشی، شنوای فریادهای مردم نیست. طرح ابرسانی برای نجات این دریاچه جهت جلوگیری از یک فاجعه زیست محیطی توسط مجلس نشینان آخوندی رد شده و آنها به مردم توصیه می کنند تا جلای شهر و دیار خود کنند. این اشخاص به هیچ وجه توجهی به فاجعه در حال وقوع ندارند و هزینه کردن سرمایه مردم ایران برای صدور تروریسم را واجب تر از جلوگیری این فاجعه می دانند. به همین دلیل فعالان مدنی آذربایجان خواهان اعتراض مردم به رد طرح نجات دریاچه ارومیه توسط مجلس آخوندی شده اند و بدین منظور برای روزهای پنجشنبه ۳ شهریور در استادیوم سهند تبریز همزمان با بازی فوتبال تراکتور سازی و شهرداری و همچنین شنبه ۵ شهریور، در شهرهای ارومیه و تبریز فراخوان داده اند.

فراسوی خبر آدینه ۴ شهریور سیاستهای تخریب گر رژیم جنایتکار ولی فقیه، نه تنها اقتصاد و تولید کشور را به سوی نابودی می کشاند، بلکه با تخریب محیط زیست، باعث مشکلات بزرگی در مناطقی از کشور شده است. نابودی و دم تراش کردن جنگلها از یکسو برای تامین مواد اولیه بعضی از کارخانجات و از سوی دیگر، با هدف زمین خواری و ساختمان سازی، بخشی عظیمی از جنگلهای شمال کشور را نابود کرده است.

آتش سوزی عمدی و عدم تلاش برای خاموش کردن شعله هایی که به جان جنگلهای مناطق زاگرس می افتد، بخشی عظیمی از این ثروت ملی را نابود کرده است. سدسازیهای بی حساب و کتاب برای واگذاری پروژه های نان و آبدار به شرکتهای امنیتی و نظامی باعث بی آبی و یا نابودی اراضی زیر دست این سدها و زیر آب رفتن بخشی از تاریخ کشورمان شده است. جاده سازیهای محاسبه نشده و کشاندن راه ها به پارکهای ملی و جنگلها و در خطر نابودی قرار دادن انواع گونه های گیاهی و جانوری از دیگر سیاستهای تخریب گر محیط زیست پایدوران رژیم منحوس جمهوری اسلامی است.

خشک شدن دریاچه ها و تالابهای متفاوت کشور به دو دلیل خشکسالی و عدم بارش کافی و از این بدتر، سدهایی که بدون محاسبه و توجه به در خطر قرار گرفتن اکولوژی و محیط زیست ساخته می شود، دلیل این خشک شدنهاست. چندین دریاچه و تالاب معروف کشور در سالهای اخیر خشک شده که به گزارش منابع مختلف طرفدار محیط زیست و دلسوزان منطقه، دلیل آن سیاستهای تخریب گرانه رژیم ولی فقیه است.

خشک شدن و در خطر نابودی قرار گرفتن دریاچه ارومیه، یکی از زیباترین دریاچه های آب شور جهان که زیستگاه انواع نادری از جانوران است، به دلیل همین سد سازیهای بی حساب و کتاب اتفاق افتاده است. در

"روز قدس"، یک شکلک زُمخت بدون مصرف داخلی و خارجی

منصور امان

فراسوی خبر ۵ شهریور یک سیرک با تعداد نه چندان زیادی مُشتری، در عوض اما با دکور چرب و رنگهای زنده و یک کمدی ایستاده که لطفیه هایش موضوعی جُز التماس توجه از شنوندگان خارجی نداشت، همه ی مضمون نمایش "روز قدس" جمهوری اسلامی - یا آنچه که از آن بر جا مانده - را تشکیل می داد.

برگزارکنندگان مراسم دولتی دیروز البته دلایل خوبی برای توضیح شکست تداؤکات خود و سر و ته گرفتن کاسه خالی "نظام" در برابر چشم مشهور "جهانیان" دارند. تقریباً از همان زمانی که طنین اولین شعار "نه غزه، نه لبنان - جانم فدای ایران" در خیابانهای تهران آواز گرفت، کرکره بُنگاه تبلیغاتی آنها نیز تا نیمه پایین کشیده شد. پیامی که تظاهر کنندگان در ۲۷ شهریور ۸۸ در قالب این شعار ارسال کردند، به سادگی این بود که دُشمنان آزادی و حُقوق مردم خود، دوستداران آزادی و حُقوق دیگران نمی توانند باشند.

از سوی دیگر، کارگردانان نمایش به دُرستی می توانند اجبار به برگزاری مراسم سال جاری زیر پر تو نامطلوب "بهار عربی" را به مثابه علت دیگر بی رونق بودن آن به ثبت رسمی برسانند. در حالی که آقای خامنه ای و دوستان با پُشتیبانی تمام عیار از دیکتاتور سوریه و ابراز ناراضی از سرنگونی همتای لیبیایی وی در برابر هر گونه پیشرفت دموکراتیک در خاورمیانه صف آرای کرده اند، گرفتن زُست پُشتیبانی از حل عادلانه مساله فلسطین، بیشتر شکلک زُمختی از آب در می آید که نه قابلیت عرضه برای مصرف داخلی دارد و نه به کار مصرف خارجی می خورد؛ به ویژه آنکه فقط ده روز پیش از افتتاح سیرک خیابانی "مردم مظلوم فلسطین" توسط مسوولان "ام القرا"، مُتحد استراتژیک آنها در "خط مُقدم مقاومت"، آوارگان فلسطینی را در "لاذقیه" (غرب سوریه) از زمین و دریا به زیر رگبار توپ و گُلوله گرفته بود.

این همه شاید دلیل فاش گویی نادر رهبر جمهوری اسلامی پیرامون هدف اصلی "نظام" از معرکه گیری برای فلسطین را بتواند توضیح دهد. او روز پنجشنبه، ۴ شهریور کارتهایش را اینگونه روی میز گذاشت: "روز قدس پُشتوانه امنیت کشور نیز است و هر ایرانی ای که روز قدس به خیابان می آید، در واقع به امنیت کشور و ملت و حفظ دستاوردهای انقلاب کمک کرده است."

آقای خامنه ای با تشریح رابطه ی مُستقیم بین "روز قدس" و "امنیت کشور و ملت" در حقیقت بر آنچه که مُخالقان و مُعترضان در "روز قدس" ۸۸ به مقابله اش رفتند، صحنه گذاشته است. او تأیید می کند که از غزه و لبنان به عُنوان ابزار برای تامین "امنیت" و حفظ غنیمتهای که گرفته، استفاده می کند.

مفهوم سیاسی سُختان رهبر جمهوری اسلامی و صداهای دیگری که از زیر "خیمه نظام"، مراسم دولتی امسال را همراهی کردند، این است که خیزش ۸۸ و "بهار عربی"، از این زاویه شکاف در امنیت "نظام" را پُر ناشدنی ساخته است.

ملل متحد ساکنان اشرف را بطور رسمی پناهجو می شناسد

قانونی نیستند دیگر موضوعیت و کاربرد ندارد و دولت عراق باید به موقعیت قانونی مجاهدین اذعان کند. کما اینکه ایالات متحده هم می باید طبق آنچه ملل متحد و کمیساری عالی اعلام کرده اند، در تأمین و تحقق حقوق و حفاظت های تأکید شده در بیانیه کمیساریا مشارکت و از نقض آنها توسط دولت عراق ممانعت کند.

همچنین کمیساریا باید برای ممانعت از توطئه های رژیم و عوامل دست نشانده آن در عراق، موقعیت پناهندگی همه ساکنان اشرف را بطور کامل به رسمیت بشناسد. کاری که اگر از این پیشتر طبق قوانین بین المللی انجام می شد، جان ۴۷ نفر از دست نمی رفت و ۱۰۷۱ نفر مجروح و مصدوم نمی شدند. اکنون ملل متحد و بازوی بشردوستانه پناهندگی آن، کمیساریا عالی، نخستین قدم اساسی را برداشته اند و جامعه بین المللی از این طریق، اشرف را به لحاظ قانونی و سیاسی برخوردار از حفاظت بین المللی شناخته است. اما از آنجا که رژیم ولایت فقیه و دست نشانده آن در عراق، قانون نمی شناسند، این شناسایی بین المللی بایستی بر روی زمین و در صحنه عملی به دستور دبیرکل تضمین اجرایی پیدا کند.

از یک سو جامعه بین المللی باید مالکی را وادار به قبول قوانین بین المللی و عدم تبعیت از دستورات ولی فقیه نماید و از سوی دیگر دبیرکل بایستی با دستور مستقر کردن ناظران ملل متحد در اشرف و حفاظت از آنان، منطقه اشرف را غیر نظامی و خالی از افراد و نیروهای مسلح عراقی و مزدوران نیروی توریستی قدس و تحت نظارت دائمی ملل متحد اعلام کند.

اگر نیروهای آمریکایی حاضر به انجام مسئولیت خود طبق توافقی که با مجاهدان اشرف امضاء کرده اند، نیستند، نیروهای ملل متحد باید حفاظت ساکنان اشرف را تأمین و تضمین کنند.

بسط شکنجه روانی با ۳۰۰ بلندگو و همچنین محاصره اشرف و صدور احکام آخوند ساخته که مالکی پیاپی آنها را اعلام کرده است، همراه با شوهایی مسخره تلویزیونی و لجن پراکنی علیه مجاهدین بویژه زنان قهرمان اشرف و زمینه سازی برای اذیت و آزار اشرفیان، بایستی بالکل متوقف شود.

مالکی بایستی به احکام دادگاه اسپانیا تن بدهد و هر ادعایی هم که علیه مجاهدین دارد، در این دادگاه یا در کمیسیون حقیقت یاب بین المللی مطرح کند. چیزی که آن را از سالها پیش از طریق لرد اسلین درخواست کرده ایم.

خانم رجوی به تأکید، سازمان ملل و یونامی را به انجام وظایف بشردوستانه خود طبق قطعنامه ۲۰۰۱ شورای امنیت ملل متحد و طبق ماده ۶۶ گزارش دبیرکل ملل متحد درباره اشرف به منظور جلوگیری از هرگونه حمله و اذیت و آزار و بمنظور احقاق حقوق ساکنان اشرف فراخواند.

درخواست تمدید مهلت برای بستن کمپ را کرده است تا به ما امکان این را بدهد که پروسه قضاوت را انجام بدهیم. همچنین دستیار کمیسر عالی در امر حفاظت در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۱ به همتهای ذربط در دولت عراق نامه داده و آنها مطلع ساخته است که ما درخواستها را دریافت کرده ایم و ما اکنون استاتوی ساکنان اشرف را "پناهجو" محسوب میکنیم. این برای دولت عراق، الزامات قانونی بهمراه دارد که در سند مورخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۱ تصریح شده است.

ما متقدیم که علاقه و نگرانی ما در این موضوع به دولت عراق گوشزد شده است.

به این ترتیب، دولت عراق مسئولیت اصلی امنیت و حفاظت افراد در خاک خود را بعهده دارد.

همانطور که ملاحظه میکنید، کمیساریا در یک محیط پیچیده در عراق عمل میکند و بنابراین ما نمیتوانیم آن تضمینی را که در این خصوص در نامه ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۱ خود در مورد امنیت ساکنان اشرف، در پی آن هستیم به شما بدهیم. امنیت پناهجویان و پناهندگان الزامیه مسئولیت کشور میزبان است. از سوی دیگر هیات مساعدت ملل متحد در عراق نقش خاصی برای ایفا کردن دارد.

بهرحال ما داریم بطور شبانه روزی کار می کنیم تا قدمهای لازم را برای شروع ثبت و پروسه تعیین تکلیف کردن برداریم. ما همچنین در رابطه با رفاه و امنیت ساکنان اشرف با دولت عراق صحبت کرده ایم.

کمیساریا متعهد است که نقش خودش را در کادر محدودیت های اختیاراتش همراه با سایر طرف ها از جمله یونامی انجام بدهد تا یک راه حل برای این مشکل طویل المدت پیدا کند. رفتار ما با ساکنان اشرف مشابه دیگر پناهجویان خواهد بود و ما متعهد هستیم که درخواست های هر یک از آنها را در یک پروسه منصفانه و با راندمان بررسی کنیم.

رئیس جمهور برگزیده مقاومت با تبریک به مجاهدان اشرف بخاطر نخستین قدم اساسی که ملل متحد و کمیساریا عالی پناهندگان برای برخورداری آنها از حفاظت بین المللی برداشته اند، جوشش خون شهیدان را یادآوری کرد و زحمات و تلاشهای متحصنان و یاران اشرف نشان در سراسر جهان را برای نگاهبانی از این خونها و حفظ جان مجاهدان اشرف، ستود.

خانم رجوی خاطر نشان کرد آنچه ملل متحد و کمیساریا عالی انجام دادند بسیار لازم، اما ناکافی است.

لازم است زیرا، با مشخص شدن استاتو و موقعیت حقوقی مجاهدان اشرف از سوی ملل متحد، پهنانه حمله و کشتار از مالکی و رژیم، گرفته میشود و اکنون یک راه بند جدی بر سر راه حملات و هشویه قرار گرفته است. توجیه حمله و کشتار با این ادعا که مجاهدین در عراق دارای هیچگونه استاتو و موقعیت

است که جان یا آزادی آنها مورد تهدید قرار می گیرد.

علاوه بر این کمیساریا عالی پناهندگان ملل متحد از دولت عراق میخواهد که ضرب الاجلش را برای بستن اشرف تمدید کند و امکانات لازم را فراهم نماید تا این درخواست ساکنان اشرف در خصوص موقعیت پناهندگی شان بتواند در زمانبندی و با شیوه مناسب استماع شود.

کمیساریا بر خلاف شایعات خاطر نشان کرده است که: هیچ گونه الزام رسمی و قانونی برای افراد برای جدا شدن از سازمان مجاهدین خلق ایران در رابطه با موقعیت پناهندگی وجود ندارد. البته پرونده همه افراد براساس محتوای آن و قانون بین الملل مورد قضاوت قرار می گیرد.

به این منظور در یک محل امن و بیطرف مصاحبه های خصوصی و محرمانه صورت می گیرد.

کمیساریا عالی ملل متحد خاطر نشان کرده است: با دولت عراق و هیات مساعدت ملل متحد در عراق و طرفهای ذربط دیگر (ساکنان اشرف) کار خواهد کرد تا محلی بیاید که امنیت و حقوق کلیه افراد را مورد احترام قرار دهد.

با این همه کمیساریا در بیانیه خود میگوید که برسمیت شناختن پناهندگی گروهی را مناسب نمیداند و آن را با عملکرد و راهنمای عمل خود در مورد گروههایی که تاریخچه فعالیت مسلحانه داشته باشند، منطبق نمی داند. کما اینکه اگر دلایل جدی در مورد کارها و جرایمی وجود داشته باشد که طبق کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، مانع برسمیت شناختن پناهندگی است، بایستی مورد بررسی قرار بگیرد.

در عین حال کمیساریا عالی پناهندگان ملل متحد، متعهد میشود نقش مناسب خودش را همراه با دولت عراق، یونامی و دیگر طرفهای ذربط ایفا کند تا راه حلی برای این مشکل طولانی مدت پیدا نماید.

همزمان کمیساریا عالی پناهندگان ملل متحد در یک نامه در مورد « ساکنان کمپ اشرف در عراق » به وکلای مجاهدان اشرف، آنها را از نام کمیسار عالی به مالکی مطلع کرده است. در این نامه آمده است:

در رابطه با نامه مورخ ۲۹ اوت ۲۰۱۱ شما، ما معتقدیم که اشاره به مواضع گذشته کمیساریا و عدم اعتماد (به کمیساریا)، غیر ضروری بوده و کمک کننده نیستند. ما توجه داریم که چنین اشاراتی در نامه های بعدی حذف شده اند که ما از این برخورد سازنده تر استقبال می کنیم.

ما بر اساس این واقعیت که هم اکنون درخواستهای کتبی برای تعیین استاتوی پناهندگی از جانب بیش از ۳۰۰۰ ساکنین را دریافت کرده ایم پیش میرویم و با آن بعنوان تقاضانامه برای استاتوی پناهندگی برخورد میکنیم. مهمتر اینکه، کمیسار عالی نامه ای در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۱ به نخست وزیر عراق نوری مالکی ارسال کرده و در آن

شنبه، ۲۶ شهریور ۱۳۹۰ / ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱

کمیساریا عالی پناهندگان ملل متحد متعهد میشود نقش مناسب خود را همراه با دولت عراق، یونامی و طرفهای ذربط ایفا کند تا راه حلی برای این مشکل دراز مدت پیدا شود

مجاهدان اشرف در ۲۱ مرداد و ۱۲ شهریور در نامه های خود به کمیسار عالی پناهندگان ملل متحد، باز تأیید موقعیت پناهندگی خود را طبق قانون اساسی عراق در سال ۱۹۷۰ و قانون اقامت خارجیان در این کشور در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ خواستار شدند. در این نامه ها که رونوشت آن برای خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران و نمایندگان اشرف در خارج از عراق و حقوقدانان و پرفسور گودوین گیل کارشناس ارشد بین المللی در حقوق پناهندگی ارسال شده، خاطر نشان شده بود که مالکی که وابستگی او به رژیم ایران امر شناخته شده ای است، حملات خود به اشرف را به بهانه اینکه مجاهدین دارای استاتو و موقعیت قانونی نیستند توجیه می کند.

همزمان، وکلای مجاهدین و پرفسور گودوین گیل از مجاهدان اشرف خواستند که مشخصات کامل خود را با ذکر سالیایی که احتمالاً در زندانهای رژیم شاه یا خمینی بسر برده اند و همچنین جرحات و صدمه ای که از سوی نیروهای عراقی به آنها وارد شده است، بطور انفرادی اعلام و برای کمیسار عالی ملل متحد ارسال نمایند.

نهایتاً در آستانه ششمین ماه تحصن هموطنان در برابر مقر اروپایی ملل متحد در ژنو،

و در پی کارزار جهانی حمایت از اشرف که رئیس جمهور برگزیده مقاومت آن را هدایت میکند، در روز ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریور) کمیساریا عالی پناهندگان ملل متحد اعلام کرد

درخواست های مشخص کردن موقعیت پناهندگی ساکنان اشرف را دریافت نموده است.

هر چند کمیساریا برای خوشامد مالکی و رژیم از اشرف تحت عنوان «کمپ عراق جدید» نام می برد، اما در بیانیه خود طبق قوانین بین المللی قدم اساسی را برداشته و اعلام کرده است: ساکنان کمپ اکنون بطور رسمی پناهجو تحت قانون بین المللی هستند و درخواست آنها (برای باز تأیید پناهندگی شان) نیازمند داوری است.

به این ترتیب ملل متحد از طریق کمیساریا عالی پناهندگان اعلام میکند:

قانون بین المللی ایجاب می کند که آنها باید قادر باشند از حفاظت بنیادین امنیت و رفاه برخوردار باشند. این شامل اصل «نان رفولمان» و حفاظت علیه اخراج یا بازگشت به مرزهای سرزمین هایی

زنان در مسیر رهایی آناهیتا اردوان

قاچاق زنان برای استفاده از آنان

در پیوند اعضای بدن

شبکه خبری زنان، ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۱ - زنانی که از کشور کنیا جهت بهره کشی جنسی به کشورهای دیگر قاچاق می شوند، احتمال دارد که در تجارت پر سود قاچاق پیوند اعضای بدن نیز مورد استفاده قرار گیرند.

شرق و مرکز آفریقا دارای بالاترین میزان قاچاق انسان است. بدین ترتیب، سازمانهای غیر دولتی متعددی در کنیا از سوی پلیس بین المللی (اینترپل) مورد بازجویی قرار گرفته اند. زنان جوان کنیایی به عنوان منبعی برای اهدای ناخواسته اعضای مختلف بدن به حساب می آیند. بر اساس گزارش پلیس اینترپل، قاچاق انسان جهت پیوند ارگانهای بدن به ویژه کلیه، یکی از جنبتهای رو به افزایش است. لیستهای طولانی از بیمارانی که خواهان دریافت اعضای پیوندی برای بدن می باشند، باعث شده که جنایتکاران از فرصت به دست آمده سوواستفاده کرده و با توسل به نومیدی بیماران و پتانسیل اهدا کنندگان اعضای بدن، به استثمار آنان مبادرت ورزند. محاکمه ها پیرامون این مساله انحرافی، تباری قاچاقچیان انسان با ماموران دولتی کنیا که شامل پلیس، سازمان امنیتی و دستگاه قضایی این کشور می شود را آشکار ساخته است. همین تباری یکی از بزرگترین دلایل رشد تجارت قاچاق انسان در کشور مزبور است.

سازمان بهداشت جهانی عنوان می کند که کشورهای آمریکا و اروپای غربی بالاترین شمار بیماران منتظر پیوند اعضای بدن از جمله کلیه، کبد، قلب و لوزالمعده را دارا می باشند. تحقیقات نشان می دهد که دختران بسیار جوان زیر سن ۱۶ سال به کشورهای فوق جهت پیوند غیرقانونی اعضای بدن، قاچاق شده اند. به قربانیان معمولاً از تأثیرات منفی برداشتن اعضای بدن بر تندرستی انسان، آگاهی داده نمی شود و در حقیقت آنان را فریب می دهند. جراحی برداشتن اعضای بدن قربانیان در شرایط غیر بهداشتی صورت می گیرد که تندرستی و حتی زندگی آنان را با خطر روبرو می سازد.

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد که قاچاق انسان جهت پیوند اعضای بدن با توجه به افزایش تعداد واسطه گران، نقض آشکار و مستقیم قانون است که تنها زندگی قربانیان را به خطر نمی اندازد، بلکه تأثیرات سوو اقتصادی، سیاسی و بهداشتی فراوانی برای کشور کنیا دارد. متأسفانه بسیاری از سازمانهایی که موظف به دفاع از حقوق

قربانیان هستند نیز در این تجارت پرسود به دام تباری با شبکه های غیرقانونی افتاده اند. افزوده بر این به بسیاری از زنانی که جهت پیوند اعضای بدن به کشورهای دیگر قاچاق می شوند، معمولاً هیچ مبلغی پرداخت نمی شود. آنان تنها رها می شوند تا مرگ به استقبال شان آید. زنان از مناطق فقیر نشین کنیا بیشتر از دیگران به دام باندهای قاچاق سکس و فروش اعضای بدن گرفتار می آیند.

کشور کنیا در حال حاضر دارای قانون حفظ و حمایت حقوق زنان، مردان و کودکانی که طعمه قاچاقچیان می گردند، نیست. پارلمان انتقالی کنیا به تازگی طرح ثبت تولد و مرگ را مورد بررسی قرار داده که قادر است در پروسه مبارزه با قاچاق انسان موثر واقع گردد. بر اساس این طرح، علت مرگ می باید توسط پرسنل پزشکی تایید و سپس در گواهی فوت افراد، ذکر شود. افزوده بر این، نام تمامی بنیادهایی که به مسایل بعد از فوت شخص می پردازند مانند بنیاد کفن و دفن نیز می بایست در گواهی فوت عنوان شود.

پاکستان سومین کشور خطرناک

برای زنان

د تامیز آف ایندیا، ۲۷ آگوست ۲۰۱۱ - بر اساس تحقیقات موسسه "نامسون رویتر"، کشور پاکستان بعد از افغانستان و جمهوری کنگو، خطرناکترین کشور برای سکونت زنان، به حساب می آید. کمیسیون حقوق بشر پاکستان در گزارش ۲۰۱۰ خود اعلام کرده است که هشتصد زن قربانی قتل ناموسی شده و ۲۹۰۰ زن مورد تجاوز جنسی (تقریباً هر روز، هشت زن) قرار گرفته اند.

رسانه های گروهی پاکستان ابراز داشته اند که امسال جنایت علیه زنان نسبت به سال گذشته با افزایش ۱۸ درصدی روبرو بوده است.

برابری جنسیتی در محل کار،

یک هدف و نه یک واقعیت

لاپرسنا ساندیگو، ۲۶ آگوست ۲۰۱۱ - بر اساس تحقیقات موسسه "دانشگاه زنان"، زنان آمریکایی یک سال بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاهها، هشتاد درصد و بعد از ده سال تجربه کاری، ۹۶ درصد درآمد مردان هم شغل خود را دریافت می کنند. به بیان دیگر، روند افزایش دستمزد زنان نسبت به مردان بسیار کند پیش می رود.

فاصله سطح دستمزد بین زنان و مردان در مورد زنان رنگین پوست بیشتر است. یک زن که در طول سال ۲۰۰۹ به طور دائم کار کرده، فقط ۷۷ درصد از درآمد همکار مرد خود را دریافت کرده است.

اعتراضی محافظه کاران در رسانه های خبری روبروست و می افزاید: "ما قادر نیستیم صدای خود را به دیگران برساییم و این مساله بسیار نگران کننده است. همه چیز برای ما به انتخابات مجمع قانون گذاری در ۲۳ اکتبر امسال بستگی دارد."

این مجمع وظیفه دارد که قانون اساسی جدید تونس را با بازخوانی قانون اساسی قبلی که نظام سیاسی بعد از استقلال تونس از فرانسه را تعیین می کرد، تنظیم و نظام سیاسی آینده را مشخص نماید.

"النهذا"، حزب اسلامی که در اواخر سلطه بن علی سرکش شده بود، اکنون به یکی از قدرتمندترین و سازمان یافته ترین احزاب سیاسی تونس تبدیل شده و طرفداران بسیاری به خصوص در روستاهای تونس دارد. اگر چه این حزب از اسلام دموکراتیک و میانه رو سخن می راند، اما بسیاری از شخصیتهای سکولار معتقدند که "النهذا" به تناقض گویی دچار است و از ترفند محافظه کاران برای پیروزی در انتخابات استفاده می کند. شایان ذکر است که بیشتر اعضای حزب "النهذا" زن هستند.

تنش بین آنهایی که سکولار هستند و آنهایی که مایلند اسلام در ساختار سیاسی جایگاهی پراهمیت داشته باشد، به مساله مهمی تبدیل شده که برای ملل آفریقای شمالی موضوعی جدی به شمار می آید. زنان تونس از حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن، پرداخت دستمزد برابر با مردان و حق طلاق برخوردار بوده اند. محدودیت چند همسری و رضایت زن برای ازدواج مجدد مرد نیز جزو حقوقی است که زنان از آن بهره می بردند. حق کورتاژ در پنجاه سال قبل در حالی در تونس به تصویب رسید که این مساله هنوز در بسیاری از کشورهای اروپای غربی از جمله فرانسه تابو بود. در حال حاضر گروههای محافظه کار مذهبی از آزادی بیان سوواستفاده و افکار عمومی را به طره غیرمترقبه ای پیرامون تعلق زنان به خانه، عدم حق اشتغال آنها و چند همسری مردان تحریک کرده و اسفبارتر از همه این که، زنان نیز اجازه شرکت در این مذاکرات را ندارند.

حذف زنان از مشاغل سطح بالا

در کشور انگلیس

گاردین، ۱۶ آگوست ۲۰۱۱ - بر اساس گزارش "کمیسیون برابری و حقوق بشر"، زنان از بیش از ۵ هزار و ۴۰۰ شغل در میان ۲۶ هزار شغل سطح بالا در انگلیس حذف شده اند. این در حالیست که گزارشهای متعدد نشان می دهد که سطح تحصیلات زنان انگلیسی نسبت به گذشته بهتر شده و زنان به میزان بیشتری وارد دانشگاه می شوند و با مدارک بهتری نسبت به مردان از دانشگاهها فارغ التحصیل می شوند.

بقیه در صفحه ۲۱

بدین ترتیب، او در طول زندگی خود مبلغ چهارصد هزار دلار به خاطر جنسیت خود زیان دیده است. زنان بزرگسال بیشترین لایه فقیر را تشکیل می دهند و میزان فقر در میان ۱۵ درصد از زنانی که در سن کاری هستند، سی درصد بیشتر از مردان است. مردان در مشاغل با دستمزد بالا، غلبه بیشتری دارند. تقریباً هشتاد درصد از افرادی که سالیانه صد هزار دلار یا بیشتر درآمد دارند، مرد هستند.

طرح "پرداخت دستمزد عادلانه"، صاحبان کار را مجبور می سازد تا اطلاعات مربوط به پرداخت دستمزد کسانی که مورد تبعیض قرار گرفته یا خیر را عمومی کنند. در حال حاضر، زنان کارگر اجازه دسترسی به این اطلاعات بدون شکایت به دادگاه را ندارند. زنان حتی در برخی شرکتهای حق ندارند از میزان دستمزد همکاران خود مطلع شوند. طرح "چک حقوق عادلانه" تاکید می کند که میزان پرداخت دستمزد نمی تواند بر اساس جنسیت افراد تعیین شود. در صورتی که مشخص شود کارفرمایی به چنین امری مبادرت ورزیده، ملزم است که افزوده بر میزان دستمزد پرداخت نشده، مبلغی اضافه برآن به عنوان جریمه نیز پرداخت کند. این قانون قبلاً پیرامون کارگرانی که مورد تبعیض نژادی قرار گرفته اند، به طور عملی اجرا شده است.

دو طرح مزبور قادر است مانع گریز کارفرمایان از پرداخت دستمزد برابر مردان با زنان گردد. رفع اختلاف سطح دستمزد به ویژه برای زنانی که تنها نان آور خانواده خود هستند، مساله بسیار با اهمیتی به حساب می آید. ۳۴ درصد از مادران شاغل، در اداره زندگی با فرزندان زیر ۱۸ سال خود، شخصاً عهده دار تامین معیشت خانواده هستند. روند پرداخت دستمزد برابر، برای آینده خانواده های آمریکایی حیاتی است و به میزان زیادی به پیشنهاد و تصویب طرحهایی مانند دو طرح یاد شده در بالا، بستگی دارد.

حقوق زنان تونس در خطر

است

با این که "بن علی" با انقلاب تونس از قدرت ساقط شد و زنان در این انقلاب مشارکت وسیعی داشته و امیدوار بودند که این مساله سبب مشارکت آنها در فعل و انفعالات دموکراتیک کشور شود، اما اکنون بسیاری نگرانند که حقوقی که زنان در مدت پنجاه سال گذشته از آن بهره مند بوده اند، توسط نیروهای محافظه کار قدرت یافته در خیزشهای اخیر، به طور کلی پایمال گردد.

مدیر تشکل "برابری و مساوات" ابراز می دارد که حقوق زنان با واکنش شدید

گرو کشی ۳ هزار میلیارد تومانی

منصور امان

فراسوی خبر... ۲۱ شهریور

یک روز پس از نشست سران سه قوه که به گفته منابع نزدیک به رییس مجلس، "موضوع آن بیشتر مربوط به مبارزه با مفساد اقتصادی بود"، برگ تازه ای به پرونده "بزرگترین اختلاس بانکی کشور" افزوده شد که در آن از ارتباط باند نظامی - امنیتی دولت با این دزدی تاریخی سخن گفته می شود.

آقایان احمدی نژاد، صادق و علی لاریجانی در خاتمه نشست خود برخلاف روال متداول از شرکت در کنفرانس مطبوعاتی مشترک خودداری کرده بودند.

اکنون آرگان اندرونی آقای خامنه ای (روزنامه کیهان) مایل است فاش کند که "جریان انحرافی پشت پرده اختلاس است" و از سوی دیگر، یک عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس از "بررسی اولویت دار پرونده ارتباط جریان انحرافی با اختلاس ۳ هزار میلیاردی" خبر می دهد. رییس "موسسه تمدن اسلامی" نیز کشف کرده است: "اختلاس ۳ هزار میلیاردی تحرک جریان انحرافی برای انتخابات آینده است."

این تحول را می توان یک پیشرفت در روشن شدن جزئیات بیشتری از پرونده ای دانست که تا پیش از این به جز مبلغ کلان ثبت شده در آن، چند کارمند و یک مدیر محلی نقش آفرینان اصلی آن معرفی می شدند.

پرسش فقط این است که شناسایی متهتم ("جریان انحرافی")، یک پیشرفت قضایی در پهنه اجرای عدالت و به بیان دقیق تر، مجازات امر و عامل و بازگرداندن وجه مورد مناقشه است یا پیشرفتی سیاسی، به مفهوم به دست آوردن ابزار برای به عقب راندن و تحت فشار قرار دادن متهمان محسوب می شود؟

پاسخ سوال مزبور را می توان با نگاه به رابطه شناور دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با عدالت به گونه مجرد و منافع به گونه مشخص، دریافت کرد. زیر این نگاه نسبی گرانه، اتهام یا جرم، مفهومی مشروط و تفسیر پذیر است که بسته به خواست یا مصالح مفسر، بسته بندی می شود.

رابطه مزبور را هفته گذشته، رییس قوه قضاییه با تهدید به افشگری در صورت "پایان نیافتن اظهارات غیرمسئولانه برخی مسوولان" و همچنین ابراز بزرگواری در این باره که تاکنون "برای حفظ حرمت افراد سخن نگفته ام"، با ذکر نمونه توضیح داده است. به بیان دیگر، بالاترین مقام قضایی جمهوری اسلامی به طور رسمی به سوواستفاده از پرونده های قضایی برای "افشگری" به جای رسیدگی قانونی به آن و پرده پوشی جرم و به این ترتیب شراکت در آن زیر عنوان "حفظ حرمت" اعتراف می کند.

البته این را هم نمی توان ناگفته گذاشت که آیت الله لاریجانی همیشه فرشته عدالت را قربانی "حفظ حرمت" نکرده، به ویژه زمانی که پای "حرمت" و کرامت شهروندان عادی در میان بوده است.

بار دیگر سخنرانی احمدی نژاد برای صندلیهای خالی

جعفر پویه

فراسوی خبر اول مهر

محمود احمدی نژاد، گماشته مغضوب رهبر و ولی فقیه رژیم جمهوری اسلامی روز گذشته برای هفتمین بار در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنرانی کرد. هرچند قبل از شروع این سخنرانی صندلیهای بسیاری در سالن خالی بود، اما در حین آن صندلیهای باقیمانده نیز یکی پس از دیگری خالی شد و نمایندگان کشورهای مختلف سالن را ترک کردند. یاهو های گماشته ولی فقیه رژیم آنقدر پوچ و بی معنی بود که حاضران، عطای نشست مجمع عمومی ملل متحد به لقایش بخشیدند و ترک سالن را به شنیدن آن ترجیح دادند.

احمدی نژاد که از قبل گفته بود با طرحی برای مدیریت جهان به این نشست می آید، چیزی جز تکرار حرفهای سابق خود برای ارایه به حاضران نداشت. او و رژیم مدعی رهبری مسلمانان جهان که خود را الگوی مردم منطقه خاورمیانه قلمداد می کنند، حال که دیگر به کلی از قافله عقب مانده و بازی را باخته اند، سعی دارند تا با تبلیغات علیه ناتو و آمریکا مگر آب رفته را به جوی باز گردانند. دفاع رژیم جمهوری اسلامی از رژیم بشار اسد و حمایت تا دقیقه آخر آن از قذافی در لیبی، دخالت مخرب در امور دیگر کشورها همچون فلسطین، لبنان و عراق باعث ناراضی بسیاری از مردم منطقه شده است. دفاع از حماس و موضعگیری منفعت طلبانه علیه اسرائیل، رژیم را از طرح فلسطینخواهانه درخواست به رسمیت شناختن خود را به سازمان ملل آورده اند، بیگانه کرده است. این عقب ماندگی و دست خالی را احمدی نژاد سعی می کند با حمله های تند علیه آمریکا و ناتو جبران کند. طرح پرداخت غرامت به سیاه پوستان از سوی آمریکا و اروپا به دلیل "فرماسیون تاریخی برده داری"، بیش از آن خنده دار است که کسی آنرا جدی تلقی کند، آنهم وقتی برای گزک گرفتن از کشوری ایراد می شود که رییس جمهور آن خود یک سیاه پوست آفریقایی تبار است.

همزمان با اجرای این نمایش رقیق، هزاران نفر از ایرانیان آزادیخواه و اعضا و هواداران شورای ملی مقاومت در مقابل ساختمان سازمان ملل علیه حضور محمود احمدی نژاد در این نشست و جنایتهای رژیم ولایت فقیه علیه مردم ایران تجمع کرده و با شعارهای خود به افشای این رژیم دغلکار پرداختند. یاهو بافی احمدی نژاد و انشا ناشیانه او در مجمع عمومی سازمان ملل، نه برای حاضرین در جلسه بلکه، به سوی مردم منطقه بود که رژیم جمهوری اسلامی و ولی فقیه آن از تحولات آنها جا مانده است. اما حرفهای پوچ و بی معنی احمدی نژاد و شعارهای ولی فقیه پسند او نمی تواند تفر و پس زدن مردم منطقه را اندکی به نفع آنها تغییر دهد.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۰

"به ما نگوئید چه پوششیم، به آنها بگوئید تجاوز جنسی نکنند"

اسوشیتدپرس، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۱ - بیش از پنجاه زن در اندونزی، با بر تن کردن دامنه های کوتاه به رویکرد فرماندار جاکارتا در برخورد به تجاوز دست جمعی به یک زن، اعتراض کردند. فرماندار جاکارتا دلیل تجاوز را پوشش ناهنجار قربانی عنوان کرده بود.

سازماندهنگان راهپیمایی عنوان کرده اند که آنها در این تظاهرات با بر تن کردن دامنه های کوتاه، خشم و انزجار خود را نسبت به رویکرد فرماندار جاکارتا اعلام می کنند که به جای مجازات و تنبیه متجاوزان، قربانی را متهم کرده است.

راهپیمایان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته بود: "به ما نگوئید چگونه پوششی باید داشته باشیم، به آنها بگوئید که تجاوز جنسی نکنند". قابل ذکر است که فرماندار از رویکرد خود ابراز پشیمانی و عذرخواهی کرده، اما این مساله مانع راهپیمایی زنان نشد. پلیس شهر جاکارتا اعلام کرده که تجاوز جنسی نسبت به سال گذشته افزایش یافته است.

گسترش برده داری در تایلند

شبکه خبری زنان، ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱ - زنان کشاورز فقیر در کامبوج توسط باندهای قاچاق متقاعد می شوند که اگر زمینهای خود را رها کرده و به کشور تایلند مهاجرت کنند، به مشاغل بهتر با دستمزدهای مناسب تری دست خواهند یافت. زمانی که آنها زمینهای خود را رها کرده و توسط قاچاقچیان به تایلند برده می شوند، خود را در کرجیهای ماهیگیری در جنوب دریای چین یافته و خلاف میل خود به کار مجبور می گردند. قاچاق انسان جهت کار اجباری در حوزه های کشاورزی، ماهیگیری و ساختمان سازی در کامبوج و تایلند افزایش یافته است.

قربانیان تجاوز جنسی در هند

شبکه خبری زنان، ۲۱ جولای ۲۰۱۱ - زنان در کشمیر با تجاوز جنسی به عنوان یک بحران در زندگی خود روبرو هستند. قربانیان تجاوز جنسی مایل به گزارش جنایت نیستند زیرا در این صورت از آنها انتقام گرفته می شود.

تجاوز جنسی بر زندگی زنان کشمیری آنچنان تاثیر عمیقی می گذارد که همه هستی آنان را به طور کلی تغییر می دهد. زن کشمیری قربانی تجاوز جنسی، نه تنها خود بلکه بر اساس سنت غالب بر جامعه، همه اعضای خانواده

اش با بی حیثیتی مواجه است. همسران این قربانیان آنان را رها کرده و اجازه بازگشت به خانه را به آنها نمی دهند و مرد دیگری حاضر به زندگی با آنان و حتی با خواهران آنها نیست. بنابراین، قربانیان تجاوز جنسی سکوت را تنها راه گریز فراروی خود می بینند تا بیشتر از آنچه که هست، به عنوان یک "زن مورد تجاوز" قرار گرفته شده "مورد تنبیه و آزار قرار نگیرند.

تجاوز جنسی به عنوان یک جنایت جنگی از دیرباز بسیار رایج بوده و هست. قربانیان تجاوز جنسی همه عمر از بیماریهای روحی و روانی رنج خواهند برد و تحقیقات علمی نشان می دهد که خانواده های این قربانیان نیز از حمایت آنان سر باز می زنند.

پنجاه هزار زن در جریان جنگ بوسنی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. نزدیک ۲۵۰ هزار زن در رواندا طعمه تجاوز جنسی شدند. سی هزار نفر از این قربانیان باردار و بر اساس گزارشهای موثق، بیش از هفتاد درصد از آنان به بیماری ایدز مبتلا گشته اند. نیروهای ژاپنی به هشتاد هزار زن در جریان اشغال "نانکینگ" - چین تجاوز کردند. نیروهای پاکستانی بیش از دویست هزار زن را در خلال جنگ استقلال طلبانه بنگلادش مورد تجاوز جنسی قرار دادند. نیروهای آمریکایی نیز به تجاوز جنسی در کشتار "مای لی" - ویتنام متهم گردیدند. از زنان در مذاهب گوناگون به عنوان غنیمت جنگی یاد شده است.

رویدادهای هنری ماه

یلا جدیدی

سخن روز:

- بیاد داشته باشید، توفان فرصت مناسبی است برای این که کاج و سرو، قدرت و استواری خود را نشان دهند (هوشی-مین (۱۹۶۹-۱۸۹۰)، رهبر جنبش آزادیبخش ویتنام که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۹ اولین رییس دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام بود.

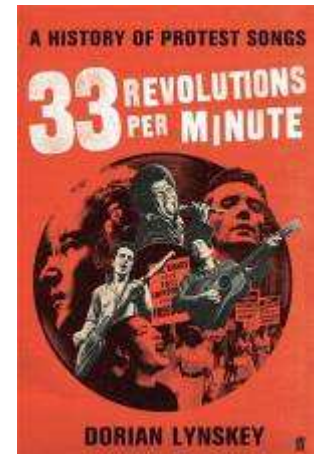
- دنیا آن قدر بزرگ است که برای همه ی مخلوقات جایی هست؛ پس در عوض این که جای کسی را بگیری، تلاش کنی جای واقعی خود را بیابی (چارلز اسپنسر چاپلین (۱۶ اوریل ۱۸۸۹-۲۵ دسامبر ۱۹۷۷)، بازیگر و کارگردان برجسته و برنده جایزه اسکار)

کتاب

تاریخچه ترانه های انقلابی

در کتاب تازه ای به نام "۳۳ انقلاب در هر دقیقه"، نویسنده و منتقد موسیقی، "دوربان لینسکی" به این مساله می پردازد که چگونه موسیقی پاپ و ترانه های محبوب و مورد علاقه مردم در طول سالها موجب بروز جنبشهای مردمی و تظاهرات مختلف شده است و چگونه بیلی هالییدی و "باب دیلان" که در کتاب به طور مفصل از آنها سخن رفته، برخی از مهم ترین این نوع ترانه ها را آرایه داده اند. "جان لنون" در یکی از ترانه هایی که در سال ۱۹۶۸ ساخته، می خواند: "تو می گویی یک انقلاب می خواهی؟ خوب... همه ما می خواهیم دنیا را عوض کنیم..."

"دوربان لینسکی" در کتاب "۳۳"



انقلاب در هر دقیقه" می نویسد: "هرچند همه ما نمی توانیم دنیا را عوض کنیم، اما بسیاری از ستاره های موسیقی پاپ توانسته اند این کار را انجام دهند و به صورتی دنیای همه ما را عوض کنند. "دوربان لینسکی" سالهاست به حرفه نقد موسیقی اشتغال دارد و به همین جهت نیز کتاب او مملو از اطلاعات و جزئیات تازه و گاه هرگز فاش نشده در رابطه با این ترانه هاست. برای مثال در بخشی از کتاب آمده که هنگامی که

"بیلی هالییدی" نوجوان برای نخستین بار در کلوب "کافه سوسایتی" نیویورک ترانه "میوه غریب" را می خواند، مدیر کلوب به گارسونها دستور می دهد پذیرایی از مشتریها متوقف شود تا آنها شش دانگ حواس شان پیش خواننده باشد. در کتاب "۳۳ انقلاب در هر دقیقه" در توصیف ترانه های انقلابی آمده است: "این کاری است که یک ترانه سرا انجام می دهد تا کمی از یک ترانه سرای معمولی قدم فراتر بگذارد." "لینسکی" در پایان کتاب خود می نویسد: "شاید در کتاب بعدی بتوانیم به ترانه هایی که در جریان خیزش مردم عرب توسط خوانندگان محبوب آنها خوانده شده، بپردازیم."

"طبقه سیاستمدار ایتالیا"

کتاب "طبقه سیاستمدار ایتالیا" نوشته "سرجیو ریزو" که به فساد مقامات ایتالیا پرداخته، مشکلات و مسایل مردم این کشور را مورد بررسی قرار می دهد. نویسنده این کتاب می گوید: "گویا سیاستمداران ما ترتیب اولویتها را تغییر داده و نخست به منافع خود توجه دارند و پس از آن به منافع ما مردم. این موضوع را مردم به خوبی می فهمند." در همین زمینه کاربران "فیس بوک"، صفحه های با عنوان "رازهای طبقه حاکمه" آماده کرده اند که تنها طی چند روز بیش از ۳۵۰ هزار مخاطب را با خود همراه کرده است.

انتشار کتاب "خانه من در انتهای جهان است" از احمد شاملو

کتاب "خانه من در انتهای جهان است"، بیوگرافی کوتاهی از آغاز کار احمد شاملو و تعدادی از آثار منتشرنشده اش تا اواخر دهه ۶۰ است. این کتاب به بهانه یازدهمین سال خاموشی این شاعر، به کوشش سیاوش شاملو و با گردآوری، تصحیح و ویرایش بهروز صاحب اختیار منتشر شده است. این اثر دربرگیرنده یادداشتهایی از احمد شاملو جوان در سن ۱۶ تا ۱۹ سالگی می باشد. افزوده بر مقاله ها، برخی از سروده های چاپ نشده این شاعر به همراه یک داستان چاپ نشده او نیز آرایه شده است.

هنگامی که نشر آزاد وجود ندارد

حسن کیانیان، مدیر "نشر چشمه" که یکی از معتبرترین انتشاراتهای ایران است و از سوی جمهوری اسلامی به "براندازی نرم" متهم شده، می گوید، هرچند وقت یکبار صدای نفسهای هیولای تعطیلی را در چند قدمی خود می شنود.

آقای کیانیان در سایت "نشر چشمه" از اوضاع کتابخوانی در ایران و همچنین بی توجهی به کتابفروشیها انتقاد کرده است. وی نوشته است: "واقعیت این است که روزبه روز از میزان نیاز مردم به کتاب در کشور ما کاسته می شود. وی می افزاید: "تعطیلی ناخواسته و غم انگیز کتابفروشی قدیمی و استخوان دار "نشرابی"، تعطیلی خودخواسته ولی دردناک کتابفروشیهای "شرنی" و "انتشارات پارت" زنگ

خطری بود که در سال گذشته در این راسته به صدا درآمد. دیگر کتابفروشیها و مراکز فرهنگی گذر هم هر چند وقت یکبار صدای نفسهای هیولای تعطیلی را در چند قدمی خود می شنیدند/ می شنوند و تنها مهر کتاب و دل بستگی به این شغل بود/ هست که همچنان انسان را سرپا نگه داشته است... خواسته ی کتابفروشیها، دفاتر انتشاراتی، مراکز فروش محصولات موسیقایی و دیگر اصحاب فرهنگ در گذر فرهنگی تهران گفته و دیده شدن است، همشهریانی که وقتی به این خیابان می رسند، ششاید از سرعت اتوموبیل خود بکاهند و از آن بیشتر، اگر شد سالی، ماهی - لاقط طول پیاده رویهای این گذر فرهنگی را طی کنند و نیم نگاهی هم به ویتترین این فروشگاهها و کتابفروشیها بیاندازند."

مرتضی احمدی: "من که قاچاق یا دزدی نکردم"

مرتضی احمدی که بازیگری در سینما و تیاتر، سالها فعالیت در حوزه ی دوبلاژ، خوانندگی، تحقیق و نگارش چندین کتاب و... بخشی از سرفصلهای زندگی هنری او را تشکیل می دهد، در باره نوشته خود به نام "پیش پرده و تاریخچه ی آن" می گوید: "۱۴ سال است که دیگر به محوطه ی وزارت ارشاد پا نگذاشته ام، زیرا آن قدر از سوی مسوولان این وزارتخانه که اتفاقاً وزارتخانه ی مربوطه ی ماست، بر خورده های بدی دیده ام که آرزو می کنم تا پایان عمر، گذرم به ارشاد نیافتد."

وی با اشاره به توقف تعدادی از آثارش در وزارت ارشاد، اظهار داشت: "من که قاچاق یا دزدی نکرده ام! انتشار کتابهایم هم با مجوز وزارت ارشاد صورت گرفته، اما نمی دانم چطور ممکن است یک کتاب بعد از بارها اخذ مجوز و انتشار، در چاپ دهم یکباره غیر قابل چاپ معرفی شود؟ کتاب "کهنه های همیشه نو" ی من به چنین سرنوشتی دچار شده. "فرهنگ لغات" هم به سرنوشت مشابهی دچار شده و در چاپ پنجم متوقف مانده است."

موسیقی

جشنواره بتهوون در شهر بن، آلمان

"شهر بن" به مدت یک ماه میزبان "جشنواره ی بتهوون" است. بیش از ۲



هزار هنرمند از کشورهای گوناگون بیش از ۱۶۰ کنسرت کلاسیک و برنامه های جانبی اجرا خواهند کرد. در

این جشنواره، "ارکستر ملی جوانان عراق" هم شرکت می کند.

هر سال در ماه سپتامبر و اکتبر شهر "بن آلمان شاهد "جشنواره ی بتهوون"، بزرگترین جشنواره ی موسیقی کلاسیک این کشور است. در جشنواره ی امسال که عنوان "موسیقی آینده" دارد، تعداد کنسرتها و برنامه های جانبی افزایش چشمگیری یافته است. از روز نهم سپتامبر تا نهم اکتبر، با همکاری "دویچه وله"، بیش از ۱۶۰ کنسرت کلاسیک و پاپ، برنامه های هنری گوناگون، میزگرد و سخنرانی برگزار می شود. نخستین "جشنواره ی بتهوون" را آهنگساز نامدار، "فرانتس لیست" در سال ۱۸۴۵ به مناسبت هفتاد و پنجمین سالروز تولد "بتهوون" برگزار کرده بود. به همین دلیل امسال، در دویستیمین سالگرد تولد "لیست" شب ۲۴ سپتامبر به کارهای او تعلق گرفته است.

شایان توجه است که یکی از ستهای "جشنواره ی بتهوون"، همکاری با ارکسترهای خارجی و جوان است. در سالهای اخیر ارکسترهایی از ویتنام، ونزوئلا، برزیل و اروپای شرقی شرکت داشتند و امسال "ارکستر ملی جوانان عراق" دعوت شده است. این گروه که نوازندگان آن کرد و عرب هستند، در روز اول اکتبر در سالن "بتهوون" شهر "بن" برنامه اجرا می کنند. از آنجا که انتظار می رود شمار تماشاچیان به مراتب بیشتر از تعداد صندلیهای سالن باشد، این کنسرت در میدان مرکزی شهر بر پرده های بزرگ نشان داده می شود.

شهرام ناظری: "دیگر بس است. بی عدالتی بس است"

شهرام ناظری، هنرمند برجسته موسیقی سنتی ایران، در گفت و گویی با ماهنامه "تجربه" به پخش بدون مجوز آثارش از صدا و سیما اعتراض کرد و خواستار توقف بیعدالتیهای موجود شد. وی گفت: "اکنون بیش از سی سال است که صدا و سیما آثار و صدای مرا به گونه های مختلف مورد استفاده قرار داده و پخش کرده است و جالب اینجاست که در این مدت که در حقیقت یک عمر محسوب می شود، بدون اجازه از من و بدون اطلاع من و بدون در نظر گرفتن حق و حقوق من از نظر کپی رایت عمل کرده است."

وی می افزاید: هر کدام از شما مسوولان سی ماه حقوقتان را دریافت نکنید چه واکنشی نشان می دهید؟ حال ببینید من شهرام ناظری که سی سال یعنی، یک عمر تحمل کرده ام، همچون کوه ایستاده ام من می گویم دیگر بس است. بی عدالتی بس است. خیلی ادعاهای زیادی دارند، اما من، شهرام ناظری، فرزند ایران و از نژاد کرد از ابتدای انقلاب یعنی، سال ۵۷ تا امروز که دارم بقیه در صفحه ۲۳

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۲۲

با شما سخن می‌گویم، در این مدت ۳۳ سال نه کمک مالی و نه وام‌های آنچنانی گرفته‌ام و نه زمین و نه خانه و نه هیچ چیز دیگر. هرگز از کسی یا نهادی نه تنها چیزی طلب نکرده‌ام، حتی حق و حقوق طبیعی سی ساله خود را نیز نگرفته‌ام. این را بدان سبب آورده‌ام که بدانید یک هنرمند با چه شرایطی در این مملکت روند کار هنری خود را ادامه داده است. آنچه که این هنرمند مطرح می‌کند، فقط یک جنبه از بی‌عدالتی نسبت به هنرمندان است. سانسور، بازداشت و ممنوعیت، فشارهایی که هنرمندان را به ترک کشور کرده است از مشکلات اصلی هنرمندان ایران بوده است.

سرانجام توهم یک "هنرمند" به رژیم

استبداد مذهبی

سعید مقیسه، قائم مقام شبکه سه سیمای رژیم در گفتگو با خبرنگار "دنیای صنعت" در مورد باز بودن آغوش این رسانه برای ایرانیان داخل و خارج و حضور "حبیب" در ایران، در اظهاراتی تحقیرآمیز می‌گوید، وی می‌تواند برگردد اما "به شرطی که آدم شود". حبیب محبیان، خواننده ای که پس از خروج از کشور، به فعالیت هنری خود در لس آنجلس ادامه می‌داد، سال گذشته به ایران برگشت. رسانه‌های دولتی بازگشت او را به وعده شماری مقامات دولتی مبنی بر اجازه فعالیت به وی مرتبط ساختند. "حبیب" پس از بازگشت به ایران در یک مصاحبه از برگزاری کنسرت و انتشار آلبوم جدید خبر داد؛ اتفاقی که هیچگاه نیافتاد.

سینما

دستگیری مستندسازان

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی به نقل از "باشگاه خبرنگاران جوان" وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی در روز جمعه ۲۵ شهریور خبر داد، شبکه گسترده‌ای از کسانی که تأمین کننده اطلاعات، فیلم، خبر، سوزه یابی و تهیه گزارش از محیط‌های مختلف ایران برای بی بی سی فارسی بوده‌اند، شناسایی شدند و طی روزهای آینده اقدام مقتضی در مورد آنان به عمل خواهد آمد.

در پی بازداشت تعدادی از مستندسازان سینمای ایران به این اتهام، برخی از سایتها و اشخاص، بازداشتها را امنیتی خواندند. هیات مدیره مستندسازان سینمای ایران در بیانیه ای ضمن مردود شناختن این اتهام، چنین اظهاراتی را غیرمسئولانه "خواند که موجب تضییع حقوق بازداشت شدگان و تشدید نگرانی همکاران و جامعه سینمایی ایران می‌شود. در حالی که هنوز هیچ یک از مقامهای مسوول قضایی، امنیتی و فرهنگی نامی از بازداشت شدگان نبرده‌اند، روزنامه "کپهان"، ناصر صفاریان، مجتبی میرطهماسب، هادی آفریده، محسن شهرنازدار و کتیون شهبان را به عنوان پنج فیلمسازی معرفی کرده که بازداشت شده‌اند.

در همین حال بی بی سی اعلام کرد که کارمندی در ایران ندارد و با هیچ کس نیز در این کشور همکاری نداشته است.

ممنوع الخروج شدن مجتبی میرتهماسب

به گزارش فرهنگسرای پویا، مجتبی میرتهماسب، کارگردان که برای شرکت در کنفرانس مطبوعاتی پیرامون آخرین ساخته سینمایی خود و دیگر فیلمساز ایرانی، جعفر پناهی راهی پاریس بود، توسط مأموران امنیتی مستقر در فرودگاه بازداشت و حکم ممنوع الخروج بودن به وی ابلاغ شد. مأموران پس از بازرسی وسایل سفر وی، پاسپورت، کامپیوتر، دوربین فیلمبرداری و عکاسی او را ضبط کردند.

فیلم "این فیلم نیست" ساخته مشترک جعفر پناهی و مجتبی میرتهماسب تا کنون برای نمایش در ۵۰ فستیوال معتبر جهانی گزینش شده است. وی قرار بود

در هفته آینده در فستیوالهای تورنتو و نیویورک و در مراسم افتتاحیه فیلم در پاریس شرکت کند. فرهنگسرای پویا در پاریس ضمن اعلام این خبر می‌گوید: "حکومت ایران در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه خود موج تازه ای از فشار و ارعاب به جامعه سینماگران ایران را آغاز کرده است و بیم آن می‌رود که در روزهای آینده محدودیتهای بیشتری را در مورد سینماگران و هنرمندان اعمال کند."

کارگردان ممنوع الخروج برنده جایزه فستیوال کن شد

محمد رسول اف، کارگردان فیلم "به امید دیدار" از رژیم جمهوری اسلامی اجازه خروج برای حضور در نمایش فیلم خود در جشنواره کن را دریافت نکرد. با این حال این فیلم با استقبال خوبی مواجه شد و جایزه بهترین کارگردانی را از بخش "نوعی نگاه" به دست آورد.

وی در مورد واکنش خشم آلود رژیم به این انتخاب می‌گوید: "اینجا بیشتر رسانه‌های وابسته به دولت که غالب رسانه‌ها را تشکیل می‌دهند، حضور این فیلم و دریافت جایزه بهترین کارگردانی و جایزه فرانسیس شاله" را نوعی توطئه ناشی از رفتار سیاسی فستیوال کن اعلام کردند و می‌گویند، فیلم بسیار ضعیف و فاقد ارزش هنری است. دسته‌ای از رسانه‌های وابسته به دولت مرا یک ایرانی‌خاین که برای کسب شهرت و پول چهره‌ی کشورش را مخدوش و سیاه نشان می‌دهد، معرفی می‌کنند. آنها داستان تحریف شده‌ای از فیلم را منتشر کردند تا اشتیاق تماشای فیلم از سوی علاقه‌مندان در ایران را از میان ببرند. مجموعه‌ی این شرایط، ساخت فیلم بعدی ام را دشوار تر می‌کند."

مردم بناب در حسرت تنها سینمای شهر که ماتنوی فروشی شد!

باوجود این که سینمای بناب شش سال است تغییر کاربری داده و تبدیل به بوتیک لباس زنانه شده اما همچنان مردم این شهر فروشگاه لباس را به رسمیت نشناخته و در مکالمات خود آن را "سینما" می‌خوانند؛ گویی خاطرات خوش آن در یادها همچنان زنده بوده و از تعطیلی سینمای شهر گلایه می‌کنند.

شمقدری: بهار عربی متأثر از سریال یوسف بود

معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد است ایجاد موج بهار عربی در کشورهای مصر و تونس بی تأثیر از سریال یوسف پیامبر نبوده است. شمقدری می‌گوید: "شاید به تعبیر من یکی از جرقه‌هایی که باعث رخ دادن بهار عربی در برخی کشورهای عربی شد، مخالفت کشور مصر و تونس با پخش این سریال بود." جالب است که پیشتر علی خامنه‌ای در مورد رویدادهای مصر گفته بود: "رویدادهای مصر و تونس پژواک انقلاب اسلامی است." این در حالیست که اخوان المسلمین مصر سخنان وی را بی‌ربط خوانده و اعلام کرد: "انقلاب، انقلاب مردم مصر است نه انقلاب اسلامی."

"جدایی نادر از سیمین" نماینده ایران برای حضور در اسکار شد

هیات انتخاب فیلم ایرانی برای معرفی به اسکار ۲۰۱۲، فیلم "جدایی نادر از سیمین"، ساخته اصغر فرهادی را برگزید. این فیلم به مدت هفت روز متوالی در ایران اکران شد. اعضای هیات انتخاب عبارت بودند از: رویا تیموریان، پوران درخشنده، محمد بزرگ نیا، شهرام جعفری نژاد، محمد داودی، علیرضا شجاع نوری، مهدی صباغزاده، رسول صدرعاملی و امیر اسفندیاری.

اقتباس تازه ای از رمان آنا کارنینا، اثر لئو

تولستوی

"کیرا نایتلی" و "جود لا"، بازیگران بریتانیایی در اقتباس تازه ای از رمان "آنا کارنینا"، اثر لئو تولستوی "بازی خواهند کرد."

فیلمنامه این فیلم را "تام استاپارد"، نمایشنامه نویس و فیلمنامه نویس برنده جایزه اسکار خواهد نوشت و "جو رایت"، کارگردان فیلم "تاوان"، این داستان عاشقانه تاریخی را کارگردانی خواهد کرد. "کیرا نایتلی" در این فیلم نقش "آنا" را بازی خواهد کرد، زن متاهلی که با سرپازی جوان تر از خود رابطه دارد. "جود لا" نقش "الکسی کارین"، همسر او را ایفا می‌کند.

در اقتباس تازه "آنا کارنینا" که سال آینده اکران خواهد شد، "آرون جانسون" نقش "کت ورونسکی"، معشوق "آنا" را ایفا خواهد کرد.

"جیمز شاموس" از شرکت فیلمسازی "فوکوس فیچرز" گفت: "جو رایت" فیلمساز ماهری است و با فیلمنامه درخشان "تام استاپارد"، این اقتباس از "آنا کارنینا" سرشار از شکوه و احساسات خواهد بود."

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، جعفر پویه، لیلا

جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان،

زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر

پویه، مهدی سامع

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می‌دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی‌کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می‌شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

۲۰ یورو

۲۴ یورو

۳۶ یورو

۴۰ یورو

۱ یورو

فرانسه

اروپا معادل

آمریکا و کانادا

استرالیا

تک شماره

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز

ایران و جهان، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها

بخش شنیداری (راديو پيشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 315 23 SEP. 2011 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

اتحاد جمهوری اسلامی و اسرائیل علیه کشور فلسطین

منصور امان

کشور علیه شهروندان غیرنظامی، به قدرت گرفتن حماس.

همین بهره گیری مُقابل در مورد لفاظیهای جمهوری اسلامی علیه اسرائیل که با پخش پول و اسلحه بین شبه نظامیان لبنانی و فلسطینی تکمیل می شود و استفاده استراتژیک اسرائیل از آن برای بقای خود نیز صادق است.

ناگفته پیداست که هدف بازیگران این سناریوی وحشت پراکنی، جلوگیری از ایجاد فضا و شکل گیری شرایط برای طرح و عملی شدن راه عادلانه ی برون رفت از بحران کهنه ی اسرائیل - فلسطین است.

ابتکار تشکیلات خودگردان در بدترین موقعیت برای جمهوری اسلامی ارایه شده است. رژیم ولایت فقیه در همان حال که مُطالبه کنندگان آزادی و عدالت در ایران را به گُلوله بسته و به روی شهروندان تیغ کشیده است، با تمام توان علیه "بهار عربی" در سوریه نیز به حرکت درآمده است. جبهه گیری غربان رژیم آیت الله خامنه ای در کنار اسرائیل علیه خواست مردم فلسطین و حمله ی هیستریک به رهبران آنها، به گونه قطعی جایگاه آن به عنوان دشمن بهار اجتماعی در منطقه را تثبیت می کند. این یک ضربه ی کارای دیگر به سیاست جنگ نمایندگیها و ایجاد ضربه گیر در کانونهای بحرانی منطقه به شمار می رود.

ارتجاع اسلامی و استبداد و دیکتاتوری سیاسی بازنده های اصلی پروسه تحولات دموکراتیک در خاورمیانه و شمال آفریقا هستند. این واقعیت را اجبار جمهوری اسلامی به پا گذاشتن به باتلاق جبهه گیری علیه مردم سوریه و فلسطین به روشنی نشان می دهد.

مُخالفت با اعلام تشکیل کشور فلسطین و درخواست به رسمیت شناختن شدن بین المللی آن، اسرائیل، جمهوری اسلامی و حماس را در یک جبهه بسیار تماشایی متحد ساخته است.



در حالی که از رام الله تا قاهره موجی از همبستگی، تهاجم سیاسی دولت خودگردان فلسطین را پُشتیبانی می کند، رژیم راست گرای افراطی اسرائیل، حاکمان تهران و شبه نظامیان حماس یک صدا به مُخالفت با این اقدام برخاسته و دولت خودگردان را زیر حملات مُشترکی قرار داده اند.

جالب این جاست که اعضای این ائتلاف، علت رویکرد خود را نیز با استدلال یکسانی توضیح می دهند. اسرائیل به تهدید حماس و جمهوری اسلامی و سواستفاده آنها برای ایجاد یک "عزه دیگر" استناد می کند و جمهوری اسلامی و حماس نیز سواستفاده اسرائیل از این طرح برای تداوم اشغال و تهدید همسایگان را حُجت می گیرند.

تا پیش از این، بُنیادگرایان اسلامی و یهودی با سیاست تقابلی و تنش آفرینانه، یکدیگر را تقویت کرده اند. موشکهای بی خاصیت حماس همان قدر به پرور شدن سیاست اشغالگرانه و تجاوزکارانه اسرائیل یاری رسانده است که حملات تلافی جویانه این

شهادای فدایی مهرماه رفقای فدایی:

چنگیز قبادی - محمدعی سالمی
- سید نوزادی - حسن حامدی



مقدم - غلامرضا صفری - حسین علی زاده - رحمت شریفی - حسن جلالی نائینی - لقمان مدائن - جهانشاه سمیعی اصفهانی - محمدرضا فرشاد - زیلا سیاب - پروین فاطمی - اسماعیل بیدشهری - زهرا بیدشهری - مصطفی رسولی - مهرنوش ابراهیمی - منوچهر بهایی پور - سید احمد لاری - کرامت قبادی - زاهد سجادی - سیامک اسدیان (اسکندر) - مسعود بربری - علیرضا صفری - فریبا شفیعی - ابراهیم شریفی - علی حسن پور - محمد کس نزاری - غلامحسین وندادنژاد - پرویز عندلیبیان - مهدی خانزاده - خیرالله حسن وند - عبدالله یزدانی - علی محمدنژاد - مریم توسلی - فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی - رمضان قربانی - شهسوار شفیعی - جعفر دلیر - بهرام بلوکی - روح الله الماسی - غلامحسین مجیدی - احمد سلیمانی - عباس گودرزی - حسن سبعت - حسن جان لنگرودی - کامران علوی - فرشید فرجاد - احمد کیانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران حمایت خانم مریم رجوی از مراجعه به ملل متحد برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین

خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران، طرح دولت فلسطین به رهبری پرزیدنت محمود عباس برای مراجعه به شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد، به منظور به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین را اقدامی در راستای صلح و دموکراسی و همزیستی در تمامی منطقه توصیف کرد. وی تأکید نمود تشکیل چنین دولتی یک ضربه کاری به نفوذ ارتجاع و بنیادگرایی اسلامی و تروریسم برخاسته از آن در تمام منطقه و یک گام بزرگ در خلع ید از فاشیسم دینی حاکم بر ایران از کشورهای منطقه است.

هر کس که واقعا خواهان دموکراسی و صلح در منطقه باشد و درک درستی از بنیادگرایی اسلامی و تهدیدهای آن برای صلح و دموکراسی داشته باشد بدون تردید از طرح دولت فلسطین حمایت خواهد کرد. خانم رجوی افزود بدون تردید بازنده چنین تحولی، انهم همزمان با قیامهای آزادیخواهانه کشورهای منطقه، رژیم ایران و مزدوران و جریانهای وابسته به آن در عراق و سوریه و فلسطین و لبنان دیگر کشورهای منطقه هستند. به همین خاطر این رژیم به رغم همه شعارهای دجالگرانه اش به نفع فلسطین، مستقیم و غیرمستقیم در مقابل دولت فلسطین و طرحها و برنامه های آن کار شکنی می کند. همچنان که گروههای فلسطینی وابسته به خودش را وادار کرده است که با طرح محمود عباس به شکلهای گوناگون مخالفت کنند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۸ شهریور ۱۳۹۰ (۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱)

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم